

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله الذي نزل الفرقان تفصيلاً لكل شيء والصلوة والسلام على خاتم النبيين محمد و على آله:

قرآن کتاب هدایت بشری است. قرآن مشوق انسان در علم و دانش است. قرآن اعجاز است. قرائت قرآن و تدبیر در معنای ژرف و عمیق آن در سطوح اخلاقی و اعتقادی و سیاسی و اجتماعی و فرهنگی در هر زمان حیاتی تازه به بشر می بخشد. سیر در تاریخ قبل از اسلام و بعد از اسلام درس عبرتی است برای بهتر زیستن و شکوفائی دانشها و یافتن مجهولات است. نظام توحیدی در ربوبیت و عبودیت و خالقیت و مالکیت تجلی می یابد و انسان را در روش و افکار و عقاید صحیح تربیت می کند و از معضلات دور می سازد. قرآن و عترت از یکدیگر جدا نیست. قرآن و سنت ثقلین (ثقل اصغر و ثقل اکبر) است. پس سنت نقلی است که در برداشتهای قرآنی انسان را از خطا حفظ می کند و از تفسیر به رأی که فاجعه آفرین است دور می سازد.

پس بنده حقیر بر آن شدم که موضوع بندی قرآن را از کتاب الفهرس الموضوعی الايات القرآن کریم به قلم "محمد مصطفی محمد" انتخاب کنم و ترجمه آنها را با استفاده از تفاسیر المیزان و مجمع البیان و الاصفی و نمونه داشته باشم. انشاءالله خداوند از این بنده حقیر قبول فرماید.

تقدیم به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

فاطمه پورشفیعی

۸۴ / ۸ / ۸

بسم الله الرحمن الرحيم

عقاید - ایمان

شناخت خداوند سبحان و بلند مرتبه و خالق و مدبّر

ای مردم، پروردگارتان را پرستش کنید که هم شما را و هم پیشینیان را آفرید تا پرهیزگار باشید.

يا ايّها النّاس اعبدوا ربّكم الذّي خلقكم و الدّين من قبلكم لعلّكم تتقون (۲۱-۱)

خدا ئیکه زمین را فرش و آسمان را سقف قرار داد ، ثمرات را از زمین برای کسب روزی شما، و از آسمان آبی نازل کرد تا نعمتها بارور گردد در حالیکه به نعمتها آگاهی دارید و از آن استفاده می کنید نباید برای خدا شریک قائل شوید.

الذّي جعل لكم الارض فراشاً و السّماء بناء و انزل من السّماء ماءً فاخرج من الثّمرات رزقاً لكم فلا تجعلوا لله انداداً و انتم تعلمون . (۲۲-۲)

عبد در مرحله عبودیت جهل ندارد و برای ادراک ربوبیت باید شوق پرواز داشته باشد و از عبد بودن خارج نمی شود و همیشه وابسته به اوست و اخلاص در عمل را فراموش نمی کند . و عبادت در مقام بندگی را آویزه گوش خود قرار می دهد.

ما خلقت الجنّ و الانس الاّ ليعبدون (۵۶ - ۵۱)

اوست خدای شما که برای شما هر آنچه در زمین بود خلق کرد و سپس هفت آسمان را آفرید. کرات و اجرام آسمانی و هر چه در آن است ماده و دلالت بر عظمت خدا دارد . و آنچه قابل رؤیت است جزء آسمان اول است، و شش عالم دیگر از دسترس دید ما و ابزارهای ساده علمی بیرون است. آسمان در ابتدا دود و بخار بود ، و خداوند متعال فرمان داد تا آنها با وجود فاصله زیاد بهم پیوسته و گرد آمدند (۱۱ - ۴۱). "هفت آسمان همان اختران منظومه شمسی جهان ماست که غیر زمین کرات دیگر است" (۱). مراد از "سموات سبع" طبقات هفتگانه هواست که دانشمندان طبقات هوا را به پنج قسم تقسیم

کرده اند. "تروپوستر- سترانسفر - اوزونسفر- یونوسفر - آگروسفر"-
قرآن می گوید: " السماء بناء" منظور آسمان منظومه شمسی است .
هو الذی خلق لکم ما فی الارض جمیعاً ثم استوی الی السماء فسوّهنّ سبع سموات و هو بکل شیء
علیم(۲۹-۲)

همانا در خلقت آسمانها و زمین و اختلاف شب و روز و کشتی ها که در دریا بسود مردم در جریانند
و در آنچه که خدا از آسمان نازل می کند یعنی آبی که با آن زمین مرده و بی حاصل را زنده می سازد
و هر جنبنده را در آن قرار می دهد و بادهای و ابرها را میان آسمان و زمین به جریان در می آورد. این
این آیات نشانیهایی است برای اندیشیدن.

امام صادق (ع) می فرماید: "چیزی نه در آسمان و نه در زمین باشد جز با هفت خصلت ؛ مشیّت و
اراده و قدر و قضا و اذن و کتاب و اجل، پس کسی که گمان کند که اینها را می تواند نقض
کند، کافر است(۱)"

آنچه خداوند خلق کرده حجت توحیدی بر بشر است و اینکه زمین هیچگاه از حجت خالی نمی ماند
پس زمین خالی از حجت نیست و دارای امام است که اگر خالی از حجت باشد نظمش بهم می خورد.

انّ فی خلق السموات و الارض و اختلاف الليل و النهار و الفلك التي تجري في البحر بما ينفع الناس و
ما انزل الله من السماء من ماء فاحياء به الارض بعد موتها و بثّ فيها من كلّ دابة و تصريف الرياح
و السحاب بين السماء و الارض لآيات لقوم يعقلون. (۱۶۴- ۲)
همانا هیچ چیز نه در زمین و نه در آسمان بر خدا پوشیده نیست.
انّ الله لا يخفی علیه شیء فی الارض و لا فی السماء (۵- ۳)
اوست خدایی که شما را در رحما بهر گونه که بخواهد صورتگری می کند. معبودی جزء او نیست
و اوست که عزیز و حکیم است.

هو الذی یصوّرکم فی الارحام کیف یشاء لا اله الا هو العزيز الحکیم(۶- ۳)
همانا در خلقت آسمان و زمین و اختلاف شب و روز نشانه ای است بر صاحبان خرد و دانشمندان.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرمایند: کلمه ی لا اله الا الله تصمیم قطعی ایمان و باز کننده در نیکی و احسان موجب خشنودی خدای رحمان و دور کننده شیطان است. (۱)
انّ فی خلق السموات و الارض و اختلاف اللیل والنهار لآیات لاولی الالباب (۳- ۱۹۰)

سپاس خدایی را که آسمان و زمین را آفرید و تاریکیها و نور را ایجاد نمود عجب اینکه با همه اینها باز کسانی کافر می شوند و برای پروردگار خود همتا می گیرند.
الحمد لله الذی خلق السموات و الارض و جعل الظلمات و النور ثم الذین کفروا برّبهم یعدلون (۱-۶)

بعد از خلق آسمان و زمین بزرگترین آفرینش خداوند (آدم) از گل و نسل اواز چکیده آبی بی ارزش است و بعد صحبت از اجل معین و مقرر که برای هر کسی نوشته شده است. پس اجل دو گونه است اجل مبهم و دیگر اجل مسمی یعنی معین که زمانش تغییر نمی کند بخاطر همین لفظ {عنده} را آورده است. و در لوح محفوظ مقدر شده است، پس دیگر جای شک و تردید نیست.
هو الذی خلقکم من طین ثم قضی اجلاً و اجل مسمی عنده ثم انتم تمترون. (۲-۶)

هیچ جنبنده ای در زمین و پرنده ای که با دو بال خود می پرد نیست مگر اینکه آنها نیز مانند شما گروهائی هستند و ما در کتاب از بیان چیزی فرو گذار نکردیم و همه بسوی پروردگار خود محشور می شوند. از بررسی آیات به دست می آید که علاوه بر انسان همه موجودات محشور می شوند و بسوی پروردگار خویش باز می گردند. تا وقتی کلمه احسان و ظلم کاربرد دارد حسابرسی هم بر تمام موجودات به نسبت اعمال وجود دارد. حیوانات صاحب شعور اند پس خدا را می شناسند و تسبیح می گویند. قوه تمیز بین انسان و موجودات دیگر عقل است و عقل میزان سنجش اعمال است. از ابوذر نقل شده که می گوید: ما خدمت پیامبر (ص) بودیم که پیش روی ما دو بز به یکدیگر شاخ زدند پیغمبر فرمود می دانید چرا اینها به یکدیگر شاخ زدند؟ حاضران عرض کردند: نه! پیامبر (ص) فرمودند: ولی خدا می داند چرا؟! و بزودی در میان آنها دآوری خواهد کرد.
و ما من دابة فی الارض و لا طائر یطیر بجناحیه الا امم امثالکم و ما فرطنا فی الکتاب من شیء ثم الی ربهم یحشرون (۳۸-۶)

خدا شکافنده دانه و هسته است وزنده را از مرده و مرده را از زنده پدید می آورد. اینگونه است خدا پس چگونه و کجا سرگردان می شوید.

دگر گونی و تغییر از حالتی به حالت دیگر و شکافتن دانه و هسته و زنده شدن گیاه مرده و تبدیل شدن گیاه زنده به مرده از نشانه های معاد است و همه در روز قیامت جمع می شوند که حشر این است و جزء این نیست.

انّ الله فالق الحبّ و النّوى يخرج الحى من الميّت و مخرج الميّت من الحى ذلكم الله فالى توفكون
(۹۵-۶)

اوست که خورشید و ماه را نورانی کرد و آنرا در جایگاه های معینی به گردش در آورد تا شما عدد سال و محاسبات زمانی را بدانید. خدا این نشانه ها به حق آفرید و آن را برای اهل فهم و درک بیان می کند.

او خدائی است که آسمانها را بدون ستون افرید سپس به عرش پرداخت و خورشید و ماه را تامدتی معین بخدمت گرفت تا سیر کنند اوست که تدبیر امور می کند تا شما به معاد یقین آورید. عظمت و بزرگی خداوند سبحان را نباید به اندازه عقل خود سنجید که این هلاکت است. ایجاد شب و روز و حرکت ستارگان در آسمان و خلاصه گردش منظومه شمسی نشاندهنده قدرت خدای واحد است او سرآغاز هستی است پس در عین نزدیکی دور و در عین دوری نزدیک است و از رگ گردن نزدیک تر است.

هو الذى جعل الشمس ضياء و القمر نورا و قدره منازل لتعلموا عدد السنين و الحساب ما خلق الله ذلك
الا بالحق يفصل الايات لقوم يعلمون (۱۰-۵)

الله الذى رفع السموات بغير عمد ترونها ثم استوى على العرش و سخر الشمس و القمر كلّ يجرى
لاجل مسمى يدبر الامر يفصل الايات لعلكم بقاء ربكم توقنون (۱۳-۲)

اوست خدائی که زمین را بگستراند و در آن کوهها و جویها قرار داد و از هر قسم میوه دو صنف قرار داد و شب را به روز پوشاند پس در این شگفتی نشانه هائی است برای تفکر و اندیشیدن .
و هو الذى مدّ الارض و جعل فيها رواسى و انهار و من كل الثمرات جعل فيها زوجين اثنين اللیل
النهار ان فى ذلك لایات لقوم يتفكرون (۳-۱۳)

در زمین قطعه هایی پهلوی هم هست و بر همین زمینها باغها و درختانی از انگور و زراعتها و

و نخلها وجود دارد که از یک پایه و ساقه می رویند و گاه از پایه های مختلف که از آب واحد سیراب می شوند که بعضی از این میوه ها را بر بعضی دیگر برتری می دهیم پس در این امور نشانه هائی است برای تعقل و اندیشیدن.

و فی الارض قطع متجاورات و جنات من اعناب و زرع و نخیل صنوان و غیر صنوان یسقی بماء واحدو فصلٌ بعضها علی بعض فی الاکل انّ فی ذلک لایات لقوم یعقلون(۴-۱۳)

آیا نمی بینی که مایپوسته به سراغ زمین می آئیم و از اطراف و جوانب آن کم می کنیم . حکومت و فرمان از آن خداست و هیچ کس را یا رای ردّ احکام او یا جلوگیری از فرمان او نیست. مطالعه در نظام آفرینش و شگفتیهای عالم خلقت انسان را به تفکر می اندازد و متوجه می کند که جهان تحت سلطه خداست و فرمان از آن خداست و هیچکس یارای ردّ احکام او را ندارد . او در خالقیت واجب الوجود است و در ربوبیت تکوینی کار گردانی جهان را بعهده دارد و در ربوبیت تشریحی و قانونگذاری واجب الاطاعة است و علت العلل جهان است.

او لم یروا انا ناتی الارض ننقصها من اطرافها و الله یحکم لا معقب لحکمه و هو سریع الحساب (۴۱-۱۳)

بعد از برشمردن نعمتهای الهی در آسمان و زمین و مسخر کردن شب و روز برای شما و به خدمت گرفتن کشتیها در دریا همه و همه از نعمتهای خداوند است و در حالیکه انسان قدرت بر شمردن نعمتهای الهی را ندارد چون انسان همواره ناسپاس و ستم پیشه است.

بر شمردن نعمتهای الهی ببینش و تفکر و بینائی می خواهد و انسان غافل قدرت بینائی ندارد چون همواره در غفلت خود سرگردان است .

الله الذی خلق السموات و الارض و انزل من السماء ماء فاخرج به من الثمرات رزقا لکم و سخر لکم الفلک لتجری فی البحر و سخر لکم الانهار(۳۳-۱۴)

و سخر لکم الشمس والقمر دائبین و سخر لکم اللیل والنهار(۳۳-۱۴)

و انکم من کلما سالتموه وان تعدوا نعمت الله لا تحصوها انّ الانسان لظلوم کفار(۳۴-۱۴)

برجهائی برآسمان قراردادده و آنرا برای تماشاگران زینت کرده و از هرشیطانی حفظ کرده و برای شما خورشید و ماه را مسخر کرد در حالیکه دائماً در حرکتند. و کوهها را مسخر شما قرار داد تا

در کوهها طلا و نقره و مس و روی و آهن و قلع و سرمه و زرنیخ و نظائر آن را رویاند که جزء با سنگ و پیمان معامله نمی شود. (ابی الجارود از حضرت باقر (ع))

همواره شیاطین به آسمان بالا می رفتند و تجسس می کردند تا آنکه رسول خدا (ص) متولد شدند و در نتیجه از رفتن به همه آسمانها محروم شدند و از آن به بعد شیاطین با نجوم رانده می شدند (معانی الاخبار از ابان از امام صادق (ع)) {تمامی این آیات حاکی از پیشرفت علم و بهره برداری از آنهاست.} قدرت مطلقه خدا خزینه هر چیزی است که بخواهد ایجاد کند و بارانی که از آسمان نازل می شود از این دسته است. خداوند متعال به اندازه معلوم نازل می کند و خداوند بر هر چیزی حدی مقرر کرده و همانگونه که انسان را حدی است حیوانات را نیز حدی است. {قد جعل الله لكل شیء قدراً} (۳-۶۵)

و لقد جعلنا فی السماء بروجاً و زیناً لها للناظرین (۱۶-۱۵)

و حفظناها من کل شیطان رجیم (۱۷-۱۵)

أنا من استرق السمع فاتبعه شهاب مبین (۱۸-۱۵)

و الارض مددناها و القینا فیها رواسی و انبتنا فیها من کل شیء موزون (۱۹-۱۵)

و ان من شیء الا عندنا خزائنه و ماننزله الا بقدر معلوم (۲۱-۱۵)

ای بشر بخاطر داشته باش که از یک قطره آب بی مقدار شکل گرفته ای پس چگونه وقیح و بی شرم هستی و به آیات الهی و نعمتهایش شرک می ورزی.

خلق الانسان من نطفة فاذا هو خصیم مبین (۴-۱۶)

بررسی سوره نحل در سالم سازی اعتقادات و دوری از شرک:

اکثر نعمتهای الهی در آیات سوره نحل بیان شده و خواص آن و استفاده صحیح از نعمتها تذکر داده شده است. هدف از بیان نعمتها و تذکر به آن تقویت ایمان بشر است تا با بصیرت کامل متوجه این شگفتیها باشد و از شرک دور بماند.

اسلام دین تسلیم در برابر حقانیت حق است پس چون و چرا محل اعرابی ندارد، خداشناسی و خداپرستی یعنی به حق رسیدن و در پناه خدا زیستن.

شما از خون بسته آفریده شده و بعد پاره گوشت و بعد خروج از رحم و مراحل رشد و نمو (بلوغ) و سپس نیرومند شدن اعضا و قوای بدنی و مرحله دیگر پست ترین و حقیرترین دوران (پیری) است پس دیگر جای شک و شبهه نیست.....

يا ايهاالناس ان كنتم في ريب من البعث فانا خلقناكم من تراب ثم من نطفة ثم من علقه ثم من مضغة مخلقة و غير مخلقة لنبين لكم و نقر في الارحام ما نشاء الى اجل مسمى ثم نخرجكم طفلا ثم لتبلغوا اشدكم و منكم من يتوقى و منكم من يرد الى اذل العمر لكيلا يعلم من بعد علم شيئا.....(۲۲-۵)

هیچ شکی به روز رستاخیز نیست . رستاخیز حق است پس آمدنی است و نباید به آن شک کرد همانطور که خداوند مرده ها را زنده می کند که او خدایی بر حق و قادر بر هر چیزی است. ذلك بان الله هو الحق و انه يحيى الموتى و ائه على كل شيء قدير(۲۲-۶)

راه حق را با تعقل واندیشه درنعمت ها دریابید تا ایمان قوی گردد و از مسیر کفر و بی ایمانی جدا شوید. آیات سوره حج نعمتهای بیشمار خداوند را برمی شمارد: آیات(۲۲-۶۱) و(۲۲-۶۳) آیات سوره مؤمنون(۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۱ و ۲۲ و ۲۳-سوره۲۲) اوست که برای شما چشم و گوش و قلب آفرید تا شما شکر گذار باشید در حالیکه کمی از شما شکر گذار هستید.

هو الذى انشا لكم السمع و الابصار و الافنده قليلا ما تشكرون(۲۲-۷۸)

ابرو فشردهگی آن بصورت تگرگ و باران و شعاع برق آن طوری که درختان و میوه ها و زراعتها و حیوانات و انسان از آن در امان نیستند.

الم تر ان الله يزرى سبحا ثم يولف بينه ثم يجعله ركماً فترى الودق يخرج من خلاله و ينزل من السماء من جبال فيها من برد فيصيب به من يشاء و يصرفه عن من يشاء يكاد سنا برقه يذهب بالابصار (۲۴-۴۵)

خدا همه جنبندگان را از آبی آفریده (منظور نطفه است) بعضی از آنها با شکم خویش(مار) و بعضی با دو پا(انسان) بعضی با چهار پا(چهارپایان) راه می روند خداوند هر چه را بخواهد خلق می کند. و الله خلق كل دابة من ماء فمنهم من يمشى على بطنه و منهم من يمشى على رجلين و منهم من يمشى على اربع يخلق الله مايشاء ان الله على كل شيء قدير.

دو دریای شیرین و شور در کنار یکدیگر هستند در حالیکه برزخی (حائل) در میان آنها قرار دارد گویی هر یک به دیگری می گوید دور باش و نزدیک نیا.

قدرت خداوند و مظاهر شگفت انگیز ، و شاید شوری و شیرینی رابه کفر و ایمان تشبیه کرده که افراد با ایمان آب عذب و فراتند و افراد بی ایمان آب ملح و اجاجند با دو طرز تفکر و دو نوع عمل که در هم آمیخته نمی شوند ولی وحدت آنها در عین حال حفظ می شود.

و هو الذی مرج البحرین هذا عذب فرات و هذا ملح اجاج و جعل بینهما برزخا و حجرا محجورا
(۲۵-۵۳)

اوست خدائی که بشر را از آب خلق کرد و نسب و صهر (خویشاوندی از ناحیه مرد و از ناحیه زن) را خلق کرد.

و هو الذی خلق من الماء بشرا فجعله نسبا و صهرا و کان ربک قدیرا(۲۵-۵۴)

اوست خدائی که شب و روز را خلق کرد و هر یک را جانشینی برای دیگری قرار داد تا "یذکر و شکور" به معنای واقعی بیان گردد. منظور از "یذکر" نمازهای واجب است که با حرکت زمین و دگرگونی شب و روز حاصل می گردد. و منظور از "شکور" نمازهای مستحبی است. و ظایف ایمانی و اعتقادی بنده در این آیه مشخص شده است تا بشر در برابر حق و حقیقت تسلیم گردد.

و هو الذی جعل اللیل و النهار خلفة لمن اراد ان یذکر او اراد شکورا(۲۵-۶۲)

درسه آیه ذیل مسئله توحید و نفی شرک به وضوح بیان شده و توحید در خالقیت و ربوبیت را نشان می دهد.

قل ارایتم ان جعل الله علیکم اللیل سرمدا الی یوم القیمة(۲۸-۷۱)

قل ارایتم ان جعل الله علیکم النهار سرمدا الی یوم القیمة(۲۸-۷۲)

و من رحمته جعل لکم اللیل و النهار لتسکنوا فیه و لتبتغوا من فضله و لعلکم تشکرون(۲۸-۷۳)

ضعیف و قوی ، ضعیف آن نطفه ای است که شکل می گیرد و بعد از قوت گرفتن تبدیل به طفلی می شود که رشد خود را ادامه می دهد و به بلوغ می رسد و بعد از این قوت دو باره ضعیف می شود که این حالت پیری است. او خدای یگانه است و جزء او خدائی نیست.

الله الذی خلقکم من ضعف ثم جعل من بعد ضعف قوة ثم جعل من بعد قوة ضعفا و شبیهة یخلق ما یشاء
و هو العلیم القدیر(۲۸-۵۴)

ستمکاران در گمراهی آشکارند آنان کسانی هستند که مشرک هستند.

هذا خلق الله ماذا خلق الذين من دونه بل الظالمين في ضلال مبين (۱۱-۳۱)

نعمتهای ظاهری و باطنی از الطاف خدای رحمان است. نعمتهای ظاهری از قبیل حواس ظاهری و سلامتی و رزق طیب و آنچه که محسوس است نعمت باطنی شعور و اراده و عقل است و نیز مقامات معنوی که تنها از راه اخلاص بدست می آید.

الم تروا ان الله سخر لكم ما في السموات و ما في الارض و اسبع عليكم نعمه ظاهره و باطنه و من الناس من يجادل في الله بغير علم و لا هدى و لا كتاب منير. (۲۰-۳۱)

چرا با وجود تمام نعمتهای آسمانی و زمینی که برای گذران زندگی شما مهیا شده بینا نمی شوید و در گمراهی و ضلالت خود شناورید.

اولم يروا انا نسوق الماء الى الارض الجزر فنخرج به زرعاً تاكل منه انعامهم و انفسهم افلا يبصرون (۲۷-۳۲)

کفار پلنگ دماغ و متکبران و روح سرکششان به آنها اجازه نمی دهد که در برابر خدا تسلیم شوند و توبه کنند و به اطاعت روی آورند. آنان آنچه را که در آسمان و زمین می بینند ایمان نمی آورند گو اینکه هیچ چیز را نمی بینند پس در برابر سرکشی، عذاب و هلاکت است.

افلم يروا الى ما بين ايديهم و ما خلفهم من السماء و الارض ان نشاء يخسف بهم الارض او نسقط عليهم كسفا من السماء ان في ذلك لاية لكل عبد منيب. (۹-۳۴)

احیاء زمین در این آیه تشبیه به روز قیامت و زنده شدن مردگان شده است که آنها از قبرها بیرون می آیند و در روی زمین پراکنده می شوند.

والله الذي ارسل الرياح فتثير سحابا فسقناه الى بلد ميث فاحيينا به الارض بعد موتها كذلك النشور (۹-۳۵)

این همه خلق و آفرینش این همه موجودیت و فنا، فنائی که در لوح محفوظ مدّتش برای هر کس معین شده است و این برای خدا آسان است چون خدا علیم و قدیر است و او بر همه چیز احاطه دارد.

والله خلقكم من تراب ثم من نطفة ثم جعلكم ازواجاً و ما تحمل من انثى و لا تضع الا بعلمه و ما يعمر من معمر و لا ينقص من عمره الا في كتاب ان ذلك على الله يسير (۱۱-۳۵)

او خدائی است که نمی گذارد آسمان و زمین فرو ریزد و اگر فرو ریزد احدی بعد از خدا نیست که از ریختن آنها جلوگیری بعمل آورد و اوست که حلیم و آفریدگار است.

انّ الله یمسک السموات و الارض ان تزولا و لئن زالتا ان امسکهم من احد من بعده انّه کان حلیمًا
غفوراً (۴۱-۳۵)

نه خورشید به ماه می رسد و نه ماه به خورشید زیرا هریک از آنها و کواکب دیگر در مسیر خاص خود حرکت می کنند و در فضا شناورند همانطور که ماهی در آب شنا میکند و هر یک از این اجرام آسمانی در برابر مشیت خدا رام است و امر او را اطاعت می کند پس آیا انسانها هم حدو حدود خود را می شناسند؟ آیا انسانها مطیع اوامر الهی هستند؟ یا همچنان سرکش و در ضلالت شناورند.
لا الشمس ینبغی لها ان تدرک القمر و لا اللیل سابق النّهار و کلّ فی فلک یسبحون (۴۰-۳۶)

آسمان دنیا را با ستارگان زیبا ساختیم تا آنرا زینت کرده و از شیطان سرکش حفظ کنیم شیطانی که آری از خیر است. خداوند انسان را به تمام نعمتها وزینتها آراسته و از او می خواهد تا شیطان سرکش را سرکوب نماید و با تبعیت از او خود را نابود نسازد همچنانکه خداوند از استراق سمع شیاطین جلوگیری می کند تا آنها از اسرار خلقت و حوادث آینده سر در نیاورند.

انّا زیّنا السّماء النّیّا بزینة الکواکب و حفظاً من کلّ شیطان مارِدٍ (۶ و ۷-۳۷)

در قرن بیستم و در زمان غیبت ولیعصر (عجل الله تعالی فرجه) مسلمانان باید با بیداری و هوشیاری اسلامی، خود را به علوم مختلف زینت دهند و از هر شیطان سرکش (داخلی و خارجی- "جاسوس") خود را محفوظ دارند. دشمنان اسلام که از هر طریق استفاده می کنند تا از اخبار غیبی موجود در میان مسلمانان آگاه شوند واجب است که اینها طرد شوند چون اینها دزدان اسرار هستند همچنانکه شیاطین می خواهند به ملائکه نزدیک شوند و از اسرار خلقت و حوادث آینده سر در آورند و ملائکه آنها را با نوری از ملکوت که شیاطین تاب تحمل آنرا ندارند، دور می سازند. (۱۰-۳۷)

او خدائی است که آسمان و زمین را به حق آفرید و روز را برای تلاش و شب را برای آرامش انسان قرار داد که این شب و روز بطور مستمر و در پی هم جریان دارد تا مدّت معینی که امر خدا واقع گردد. "حق" در قران بعث و قیامت است پس آنچه هست حق است و باطل نیست، پس وقتی باطل نباشد حسابی و کتابی دارد. لا تبدیل لخلق الله خدا جانشین ندارد این همه آثار و نشانه برای یکتا پرستی است پس پرستش خدا هدف از آفرینش است و در این یکتا پرستی موحد باش و درست حرکت کن و مسیر تکامل را بسوی خالق هستی از امواج انحرافی دور نگاه دار.

خلق السموات و الارض بالحق يكور اللیل على النهار و يكور النهار على اللیل و سخر الشمس و القمر كلّ یجرى لاجل مسمی (۵-۳۹)

با توجه به آیات سوره غافر معلوم می گردد که خداوند تعقل و تدبّر را بر بشر لازم دانسته تا آنها از اندیشه جاهلیت دور بمانند مثل یهودیان و موضوع دجال که خداوند به حضرت رسول دستور می دهد از فتنه دجال بپناه ببرد. (۵۷ و ۶۱ و ۶۲ و ۶۴ و ۸۰ و ۴۰)

آیا شما به خدائی کافر می شوید که زمین را در دو روز خلق کرد (دو دوره زمانی) و برای او شریک قائل می شوید این خدا پروردگار عالمین است.

قل أنکم لتکفرون بالذی خلق الارض فی یومین و تجعلون له اندادا ذلک ربّ العالمین (۹ و ۱۰ - ۴۱)

همانا آسمان و زمین نشانه ای است برای مؤمنان آنهایی که تسلیم حق شدند زیرا که به خالق جهان یقین پیدا کردند. نزول باران از آسمان و در نتیجه زنده شدن زمین مرده و فرستادن بادهای نشانه ای است برای عاقلان و خردمندان و دیگر مسخر کردن آنچه که در آسمان و زمین است نشانه ای برای متفکران است.

انّ فی السموات و الارض لآیات للمؤمنین - و فی خلقکم و مایبث من دابة آیات لقوم یوقنون- و سخر لکم ما فی السموات و ما فی الارض جمیعاً من انّ فی ذلک لآیات لقوم یتفکرون (۳-۴-۵-۴۵)

خداوند در سوره واقعه بعد از برشمردن نعمتهای فراوان و بشمار خود با استفهام انکاری سؤالی چند را مطرح می کند و بنده را مخاطب قرار می دهد و او را متوجه نعمتهای خود می کند در حالیکه از او جزء سپاس و شکر گذاری چیز دیگری نمی خواهد و بنده با سپاس و شکر گذاری تصدیق پروردگار را کرده است. حال شمارش نعمتها در سوره واقعه:

نحن خلقناکم فلا تصدّقون . ما شمارا آفریدیم پس چرا تصدیق نمی کنید؟ (۵۷-۵۶)

أفرایتّم ما تمنون. شما غیر از ریختن نطفه چه نقش دیگری در جنین دارید؟ (۵۸-۵۶)

ء انتم تخلقونه ام نحن الخالقون. آیا شما نطفه را به بشر تبدیل می کنید یا ما خالقیم؟ (۵۹-۵۶)

ء انتم تزرعونه ام نحن الزّارعون. آیا شما بذرها را می رویانید یا ما رویاننده هستیم؟ (۶۴-۵۶)

أفرایتّم الماء الذی تشرّبون. آیا شما خالق آبی که می نوشید هستید یا ما هستیم؟ (۶۸-۵۶)

ء انتم انزلتموه من المزن ام نحن المنزلون. آیا شما آن آب شیرین را از ابرها فرود آوردید یا ما بوجود

آورنده هستیم. ایجاد آب گوارا بدست ماست و گرنه همچو آب دریاها شور میشود. (۶۹-۵۶)
أفرايتم النار التي تورون . آیا آن آتش که شعله ور می کنید خود شما چوبش را برای گیراندن تهیه
کرده اید یا ما خالقیم؟ (۷۱-۵۶)

ءانتم انشاتم شجرتها ام نحن المنشئون . آیا شما درختش را که بعداً هیزم شد آفریدید یا پدیده آورنده اش
مائیم؟ حال تصدیق نمی کنید! (استفاده از ضمیر متکلم مع الغیر در کلام پروردگار فضل و بزرگواری
او بر بشر است) (۷۲-۵۶)

خدا آسمان را هفت آسمان خلق کرد که منظور از آن هفت عدد کرات آسمانی است و زمین را هفت
طبقه خلق کرد که مانند پوست پیاز بر روی یکدیگر قرار دارد. از این خلقت نتیجه می گیریم که
خداوند بر هر چیز احاطه علمی دارد پس بر خردمندان مؤمن واجب است که از مخالفت امر او
بپرهیزند .

الله خلق سبع سموات ومن الارض مثلهن..... ان الله على كل شىء قدير..... (۱۲-۶۵)

خدائی که تمام ملک در دست اوست و بر هر چیز قادر و توانا است. ای بشر به دنیا با دیده بصیرت
بنگر .

تبارک الذی بیده الملك (۱-۶۷)

استفهام توبیخی در آیه هست . ای انسان چه چیز تو را نسبت به پروردگار کریمت مغرور
ساخت پروردگاری که حجت را با تو تمام کرد . نعمتهای فراوان بر تو روا داشت و راههای هدایت
را بر تو بر شمرد و بتو گفت اگر شکر بگذاری نعمتت را زیاد میکنم و اگر کفران بورزی عذابم
سخت است در اینصورت دیگر عذری نمی ماند. سیاق آیه تهدید است.

يا ايها الانسان ما غرك بربك الكريم (۶-۸۲)

سخن از تدبیر الهی است . تدبیری که تناسب بقاء در آن است . تناسب و بقاء به اینکه هر عضوی از
موجودات و جنبندگان در جای مناسب خودش قرار دارد و سپس بین آنها تناسب و عدل بندی برقرار
است. مثلاً در تناسب بین اعضاء لقمه گذاشتن در دهان است بتوسط دستها و دیگر جویدن و حرکت
زبان و فعل و انفعالات دیگر بر آن همه و همه از توازن و تعادل خاصی برخوردار است.

انسان در رنج و سختی خلق شده است و رنج و مشقت در تمامی شئون حیات بر انسان احاطه دارد و از طرفی خداوند بر انسان احاطه کامل دارد و در تمامی جهات و شئون زندگی او تصرف دارد. آیا ای انسان گمان می کنی که احدی بر تو تسلط ندارد و یا از سرمونت می گوئی مالم را نفله کردم و یا گمان می کنی که ما انفاق تو را نمی بینیم و از آن غافلیم در حالیکه به سر و خفیات و آشکارا آگاهیم. راه خیر و شر را بر تو نشان دادیم و گاهی به تو این دو را الهام می کنیم. تو ای بشر دو چشم بینا داری تا دیدنیها را با تمام وسعتش ببینی و دو لب داری تا توانائی سخن گفتن داشته باشی و دیگران را به خیر و شر آگاه سازی و دانستی که انسان در رنج و مشقت آفریده شده پس چرا بیراهه طی مسیر میکنی و چشم و زبان را در مسیر پاکی و معنویت بکار نمی گیری و خود را از هرزگی زبان و چشم مراقبت نمی کنی.

لقد خلقنا الانسان فی کبد . أیحسب ان لن یقدر علیه احد . یقول اهلکت مالألبداء . أیحسب ان لم یره احد . الم نجعل له عینین . و لساناً شفّین . و هدیناه النّجدین (۵الی-۱۰-۹۰)

خداوند انسان را از نظر جسمی و روحی و عقلی با نظام معتدل و شایسته آفرید با استعدادهای مختلف به گونه ای که او صلاحیت داشته باشد عروج یابد و مقام رفیع را کسب نماید. و اگر از مسیر حق منحرف گردد چنان سقوط می کند که در اسفل سافلین در آید.

لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم. (۴-۹۵)

{پایان بحث عقاید}

بخش دوّم

توحید

شناخت توحید مستلزم شناخت صفات الهی است. صفاتی که عین ذاتش است. اله واحد است چون علم و قدرت و حیات دارد. او عالم است به قدرتش و قادر است به حیاتش و حیّ است به علمش و در صفت حیّ بودن و دیگر صفات ثبوت دارد. او خدائی واحد است و احدی غیر از او نیست. صفات او مخصوص اوست و عین ذاتش است و احدی با او در آن صفات شریک نیست.

الهکم اله واحد لا اله الا هو الرحمن الرحیم (۱۶۳-۲)

هو الحیّ القیوم. او خدائی است که همواره غالب بر امر خود و مسلط بر خلق خویش است. او درحین حی بودن قیوم است. خواب بر او مسلط نیست. او مالک آسمان و زمین است. کسی بدون اذن او حق شفاعت ندارد. او به همه چیز احاطه دارد به وسعت آسمان و زمین و آنچه در بین آنهاست. پس عرش و کرسی خدا علمی است که احدی نمی تواند اندازه اش را تقدیر کند و آن علم نامتناهی است و این است معنای آیه الکرسی که در لسان حضرت رسول (ص) به این نام نامیده شد و به هیچ پیغمبری قبل از ایشان داده نشد و آن در هر شب بر زبان حضرت علی(ع) جاری بود.

الله لا اله الا هو الحیّ القیوم لا تاخذه سنة و لا نوم.....(۲۵۵-۲)

روز قیامت که شک در آن نیست خداوند یگانه همه را از هر گروه و دینی جمع میکند و در این گفتار خداوند شکی نیست و او راستگو ترین است.

الله لا اله الا هو لیجمعنکم الی یوم القیمة لا ریب فیہ و من اصدق من الله حدیثا (۸۸-۴)

پیروی کن آن چیزها را که از پروردگارت بتو وحی شده و بدان که جز او خدائی نیست و از مشرکین و افکارش اعراض کن و بگذار که آنها مشغول بت پرستی خود شوند و شریک برای خدا قائل شوند.

اتبع ما اوحی الیک من ربک لا اله الا هو و اعرض عن المشرکین (۱۰۶-۶)

بدان که قرآن به علم خدا نازل شده و خدا یکی است پس چرا تسلیم نمی شوید و ایمان نمی آورید و چرا به اسلام روی نمی آورید.

انما انزل بعلم الله و ان لا اله الا هو فهل انتم مسلمون (۱۴-۱۱)

بگو اوست پروردگار من و جز او خدائی نیست. توکل بر او کردم یعنی او را وکیل خود قرار دادم و کارها را به او وا گذاشتم و بسوی او بر میگردم.
قل هو ربی لا اله الا هو علیه توکلت و الیه متاب (۳۰-۱۳)

ابلاغ عمومی برای مردم، سنت الهی، انذار عمومی، علم و دانش و تقویت اندیشه یعنی قرآن، پس ثقلین، یعنی ثقل اکبر و اصغر، کتاب الله و عترته چه بد فهمیدند کسانی که عقل را معیار قرار ندادند و تفسیر به رای کردند. و بر مبنای تفسیر به رای بدعتها را در دین وارد کردند. و خود و عده ای را گمراه کردند.

هذا بلاغ للناس و لینذروا به و لیعلموا انما هو اله واحد و لیذکرا ولوالالباب (۵۲-۱۴)

انذار توسط ملائکه با روح الهی بسوی بندگان الهی با اذن الهی، و انذار پذیران کسانی هستند که صاحب عقل و خرد اند. موضوع انذار توحید و خدانشناسی یعنی فقط او را بپرستید و پرهیزگار باشید و با پرستش او و دوری از شرک مسیر اخلاص را در پیش بگیرید.
ینزل الملائكة بالروح من امره علی من یشاء من عباده ان انذروا انه لا اله الا انا فاتقون (۲-۱۶)

خداوند یکتا است ولی کسانی هستند که دل‌هایشان منکر حق است و ایمان به آخرت ندارند آنان مستکبران اند و در برابر حق مستکبرند .

الهکم اله واحد فالذین لا یؤمنون بالآخرة قلوبهم منكرة و هم مستکبرون (۲۲-۱۶)

از مخالفت فرمان من بیم داشته باشید . فایای فارهبون (۵۱-۱۶)
فاتقون. فقط مرا بپرستید و مطیع فرمان من باشید.

صفات او عین ذاتش است . اسماء حسنی متعلق به اوست . اسماء حسنی نامهای نیکوی خداوندی است
دارای ترکیب وصفی که نیاز بشر را در فقر خود جبران می کند.
فمن کان یرجوا لقاء ربّه فلیعمل عملاً صالحاً و لا یشرک بعبادة ربّه احداً (۱۱۰-۱۸)

پرستش خدا: فقط او را بپرستید و نماز را بشناسید و برای یاد خدا و عبادت او آن را بجا بیاورید اگر نماز گم شود ذکر نیز گم گردد ذکر که گم گردد یاد او هم فراموش می‌گردد و اگر خداوند را فراموش کنیم خود را فراموش کرده و دین دچار لغزش می‌شود و انسان حلال خدا را حرام و حرام خدا را حلال خواهد کرد. نماز یعنی قیام و استواری در دین، نماز یعنی قیام بر واجبات و دوری از محرمات نماز یعنی شناخت حق از باطل، نماز یعنی خضوع و خشوع، نماز یعنی تصویری از عظمت خدا، نماز یعنی شناخت انبیاء و اولیای الهی، نماز یعنی قیام بر نابودی استکبار جهانی و شیطان بزرگ. انا لله لا اله الا انا فاعبدنی و اقم الصلوة لذكری (۱۴-۲۰)

غیر از خداوند یکتاخدایی دیگر نیست. همه چیز فانی است جز او که باقی است. هر دینی باطل و هلاک شده و بی اثر است جزء دینی که او برای سعادت بشر فرستاده و آن دین توحید است. هر موجودی فنا پذیر است مگر وجه خدا که جهت مطلوب هر چیز است. او دارای حکم و قضا است. تقدیر و تدبیر جهان و تقدیر تک تک موجودات (انسان و غیر انسان) همه بستگی به حکم و قضا و قدر الهی است. پس ای بشر بدان که انتهای کار بازگشت بسوی حق است. و لا تدع مع الله الهاً اخر لا اله الا هو کلّ شیء هالک الا وجهه له الحکم و الیه ترجعون (۸۸-۲۸)

خداوند توبه پذیر است و گناه گناهکار را می‌بخشد به گونه ای که دیگر به عمل زشت خود باز نگردد پس او غافر الذنب است. او صاحب عقاب است و عقاب او شامل افراد شقی و گناهکار است پس او شدید العقاب است. صفت دیگر او منعم است منعم در نعمتهای طولانی و کوتاه مدّت پس او ذی الطول است. او یکتاست و غیر او خدائی نیست و بازگشت همه بسوی اوست. صفات الهی انگیزه خوف و رجاء را در انسان بیدار می‌کند خوف از عقاب و امید به ثواب که دل را به سوی عمل صحیح می‌کشاند.

ربوبیت و مالکیت و الوهیت - رب الناس - ملک الناس - اله الناس
ربوبیت پروردگار در نزدیکترین صفت او با مخلوق که عبد را تحت تربیت خود قرار می‌دهد. عبد مطیع و فرمانبردار پروردگارش است زیرا عبد مملوک خالق است و باید طبق خواسته او حرکت کند.

قل اعوذ برب الناس - ملک الناس - اله الناس (۱-۳، ۱۱۴)

منزه بودن خدا از والد و ولد

تمام عالم و آنچه که در بین آسمان و زمین خلق شده بدون الگو آفریده نشده و دارای اسباب نیست پس همه چیز مملوک اوست و هستی او قائم بذات اوست و او از فرزند داشتن منزه است. یهود می گفت : عزیز پسر خداست. نصاری می گفت : مسیح پسر خداست.

هرکس غیر از او را قبول کند مشرک است "حرم الله علیه الجنة" و خداوند بهشت را بر او حرام کرده است. مشرکین قائلند که "ان الله ثالث ثلثة" خدا سه تاست "پدر- پسر- روح القدس" این اعتقاد باطل است و کفار خود می دانند ولی سیاست آنان و اهدافشان جزء رواج باطل چیز دیگری نیست. دیگر اینکه برای خدا بناتی(دختران) قرار می دهند "و يجعلون لله البنات" که وثنی ها و بودائی ها و صائبی و برهمنی که بسیاری از ملائکه و جن را می پرستیدند که به اعتقاد آنان همه ماده بودند. بت پرستان هم ملائکه را که منشاء وجود خیر عالمند و اجنة را که مرجع شرور عالمند الهه خود پنداشتند و می پرستیدند. همانا شما دروغگویان هستید که دو خدائی و یا فرزند برای خدا قائل هستید "ولد الله و انهم لکاذبون" (۱۵۳-۳۷)

اگر خدائی دیگر در آسمان و زمین بود هر آینه فساد می کردند پس خداوند منزه است از هر شرک و عقیده "لو كان فيهما الهة الا الله لفسد تا فسبحان الله رب العرش عما يصفون(۱۲۲-۲۱) پس بگو ای پیغمبر اگر برای خداوند رحمان فرزندی باشد اول کسی که او را پرستد من بودم "قل ان كان للرحمن ولد فانا اول العابدين(۸۱-۴۳)

بگو ای پیغمبر که او یکی است که نژاد و زاده نشده است.
قل هو الله احد - الله الصمد- لم يلد و لم يولد (۱۱۲-۳)

بخش سوم

صفات خداوند (صفات ذات و صفات فعل)

توحید صفاتی که ما صفاتی را به خداوند نسبت می دهیم که چیزی غیر از ذات خدا نیست. ذات او یکتا است و شریکی ندارد. خداوند صاحب توحید افعالی است یعنی کارهایی که خدا انجام می دهد برای انجام دادنش نیازی به کمک و یار و یاور ندارد و در انجام هر کاری مستقل است. آیات:

الحمد لله رب العالمین-

حمد مخصوص خداوند است و هر شکر حمد است و هر حمد شکر نیست. انسانهای منافق وقتی مؤمنان را می بینند می گویند: ما ایمان آوردیم و وقتی با شیاطین خلوت کرده می گویند، ما با شما هستیم. اینجاست که صفت خداوندی بصورت استهزاء می آید. آنها را مسخره می کند و استهزاء خداوند فرورفتن منافق در گرداب کوردلی است.

الله یستهزاء بهم و یمدهم فی طغیانهم یعمهون (۲-۱۵)

آگاهی خدا به سرّ و خفیات انسانهاست.

او لا یعلمون انّ الله یعلم ما یسترون و ما یعلنون (۲-۷۷)

خداوند دشمن کافرین است. فانّ الله عدوّ للكافرین (۲-۹۸)

خداوند یاور و سرپرست شماست شما نمی دانید اگر می دانستید سرگردان نمی شدید.

خداوند بخشنده و رحیم است برای کسانی که توبه کردند و کار نیکو انجام دادند.

الذین تابوا و اصلحوا.... اناالتواب الرحیم (۲-۱۶۰)

خداوند انسانهای متجاوز را دوست ندارد و کسانی که از حدّ خود تجاوز کنند تجاوز کاران هستند و خداوند بی عدالتی را دوست ندارد.

.... و لا تعتدوا انّ الله لا یحبّ المعتدین (۲-۱۹۰)

خداوند فساد در روی زمین را دوست ندارد. فساد اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی، دینی، عرفی.

والله لا یحبّ الفساد (۲-۲۰۵)

خداوند جانفشانی انسانها را برای یکدیگر دوست دارد.

من الناس من یشری نفسه ابتغاء مرضات الله (۲-۲۰۷)

او شدید العقاب است پس هرگز از نعمتهای خدا سوء استفاده نکنید چون عذاب شدید در انتظار است.

فانّ الله شدید العقاب (۲-۲۱۱)

عمل نیک توأم با روح پاک و دلی مطمئن روزی بیشمار خداوندی را در بر دارد.

والله یرزق من یشاء بغیر الحساب (۲-۲۱۲)

بدانید که خداوند بی نیاز و شایسته ستایش است.

واعلموا انّ الله غنی حمید(۲۶۷-۲)

خداوند انسانهای ناسپاس و گنهکار را دوست ندارد. انسانهایی که بدنبال ربا می روند و هر گونه فساد و ظلم و ستم را در روی زمین برپا می کنند. خداوند ربا ران بود می کند و صدقات را می افزاید. یمحق الله الربوا و یربی الصدقات والله لا یحب کلّ کفار اثم(۲۷۶-۲)

هدایت بشر بسوی صراط مستقیم رحمتی است از سوی خداوند بر بشر چون او بسیار بخشنده است. ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا و هب لنا من لدنک رحمة انک انت الوهاب(۸-۳)

خداوند خلف و عده نمی کند. انّ الله لا یخلف المیعاد(۹-۳)

او همه را جمع میکند و در آن روز هر کس آنچه را از کار نیک انجام داده و آنچه از کار بد انجام داده حاضر می بیند.

یوم تجدّ کلّ نفس ما عملت من خیر محضراً و ما عملت من سوء(۳۰-۳)

خداوند کافران را دوست ندارد. اطیعوا الله و الرسول فان تولوا فانّ الله لا یحب الکافرین(۳۲-۳)

راه مستقیم راه الهی است. راه مستقیم خالی از هر گونه مکر و حيله و یا تجاوز به حقوق دیگران. ای بشر بدانید اگر در باره یکدیگر مکر کنید مکر بدکاران، قسم بخدا که لحظه مجازات شما فرا رسیده و تدبیر خداوند بر شما حاکم می شود. همانطور که در حدیبیه میان مشرکین و مسلمانان دست شما را از کفار و دست کفار را از شما باز داشت و شما را پیروز کرد.

و مکروا و مکرا الله والله خیر الماکرین(۵۴-۳)

خداوند غیر از اسلام هیچ دینی را قبول نمی کند پس چرا بعد از ایمان و گواهی به حقانیت رسول مرتد می شوید دیگر برای شما گروه ظالمان هدایتی نیست.

کیف یرحم الله قوماً کفروا بعد از ایمانهم و شهدوا انّ الرسول حق و جاءهم البینات والله لا یرحم القوم الظالمین (۸۶-۳)

نیکو کاران و محسنین کسانی هستند که در راحتی و سختی انفاق می کنند و بر خشم خود مسلط هستند و از خطای مردم می گذرند و خداوند آنان را دوست دارد.

الدین ینفقون فی السراء و الضراء و الکاظمین الغیظ و العافین عن الناس والله یحبّ المحسنین(۱۳۴-۳)

اگر جراحی بر مسلمانان رسد بر نقطه مقابل هم همان جراحی میرسد و خداوند ایام تلخ و شیرین را در میان مردم گردش می دهد که هیچکدام پایدار نیست و سنت تکامل از لابلای این حوادث آشکار شود و افراد با ایمان شناخته می شوند که لازمه آن شهدا و قربانیانی در راه اسلام است و خداوند ستمگران را دوست ندارد.

و ان یمسسکم قرح فقد مسّ القوم مثله و تلك الايام نداولها بين الناس و ليعلم الله الذين امنوا و يتخذ منكم شهدا والله لا يحب الظالمين (۳-۱۴۰)

ثواب دنیا و آخرت برای محسنین است چون این گروه در تمام سختیها و گرفتاریها روی از خدا بر نمی گردانند و همواره خدا را می خوانند.

فاتاهم الله ثواب الدنيا و حسن ثواب الآخرة والله يحب المحسنين (۳-۱۴۸)

او بهترین یاور و پشتیبان و سرپرست شماست. بل الله مولکم و هو خیر النصیرین (۳-۱۵۰)

توکل بر خداوند ، بر آنچه رخ می دهد . در سختیها هراسی نداشته باشید و همواره خدا را در نظر داشته باشید و در تصمیم گیری قاطع باشید و بر خدا توکل کنید که مؤمنان فقط بر ذات خداوند توکل می کنند چون قدرت او بالاترین قدرت است. و اگر اوشما را یاری نکند چه کسی میتواند شما را یاری دهد. فتوکل علی الله انّ الله يحب المتوکلین. پس خداوند برای مؤمنان واقعی و مجاهدان راستین فضل و انعام بزرگی دارد پس خشنودی خدا را بدست آورید و از فرمان او متابعت کنید .
وابتغوا رضوان الله و الله ذو فضل عظیم (۳-۱۷۴)

ایمان به خدا و فرستادگان او و دوری از روش منافقین که آنان گمراه شدند و خدا حمایت و رحمت خود را از آنان برداشت . آنان مایلند که افکار شما را وارونه و واژگون کنند پس مراقب خود باشید و از کتاب خدا و عترت دور نمانید تا از هدایت پروردگار خود بیش از بیش بهره بگیرید.
فما لكم فی المنافقین فتنین والله اركسهم بما كسبوا أ تريدون ان تهدوا من اضلّ الله و من يضلّ الله فلن تجد له سبيلا (۴-۸۸)

فقط اوست که از نیت های درونی افراد خبر دارد پس ظلم نکنید و تهمت نزنید و قلب و زبان و عمل

را در مسیر حق بکا رگیرند. و اگر در راه خدا گام بر می دارید تفحص کنید و افراد را بشناسید .
يا ايهاالذين امنوا اذا ضربتم في سبيل الله فتنبئوا و لاتقولوا لمن القى اليكم السلام لست مؤمناً تبتغون
عرض الحيوۃ الدنیا فعندالله مغنم كثيرة ان الله كان بما تعملون خبيراً(۹۴-۴)

دشمنان شما بدلیل بی ایمانی امیدی ندارند و نباید موجب نگرانی شما شوند پس شما از تعقیب کار
آنان سست نشوید و بدانید همانگونه که شما از آنان در زحمت هستید آنان نیز از شما در رنج هستید .
و لا تهنوا فی ابتغاء القوم ان تكونوا تالمون فائهم يالمون كما تالمون و ترجون من الله مالا يرجون و
كان الله عليماً حكيماً(۱۰۴-۴)

کسانی که ایمان دارند و عمل صالح انجام می دهند چون راهشان راه ولایت است و هدفشان رسیدن
به حق است پس مژده باد آنان را به جزاء و پاداش الهی . وعده خدا حق است و خداوند خلف وعده
نمی کند.

والذين امنوا و عملواالصالحات سندخلهم جنّات تجري من تحتها الانهار خالدین فیها ابدأ و عدالله حقاً و
من اصدق من الله قیلاً(۱۲۲-۴)

منافقین فکر می کنند که می توانند خدا را فریب دهند در حالی که خدا آنان را فریب میدهد . اگر
برای نماز هم به پا خیزند سر تا پای آنها غرق کسالت و بی حالی است.
انّ المنافقین یخادعون الله و هو خادعهم و اذا قاموا الى الصلوة قاموا کسالی یراؤن الناس و لا ینکرون
الله الا قليلاً (۱۴۲-۴)

خداوند عالم و شاکر است. پس ای انسان مواهب خدا را بشناس و ایمان بیاور تا به مقام شکرگذاری
برسی.

ما يفعل الله بعذابکم ان شکرتم و امنتم و کان الله شکراً عليماً(۱۴۷-۴)

اگر نیکیهای افراد را اظهار کنید یا مخفی نمائید و یا از بدیهای افراد در گذرید و آنها را ببخشید
بدانید که خداوند با داشتن قدرت بر هر گونه انتقام ، از بندگان صالح و شایسته خود در می گذرد و
انتظار دارد که بندگان هم از یکدیگر در گذرند.

ان تبدوا خیراً او تخفوه او تعفوا عن سوء فانّ الله کان عفواً قديراً(۱۴۹-۴)

خداوند بندگان صالح که ایمان آوردند و تسلیم حق شدند و پیامبران را پیروی کردند و قدردان زحمات آنان بودند و بین آنان تفرقه ایجاد نکردند مورد لطف و رحمت خود قرار می دهد و آنان را می آمرزد.

والذین امنوا بالله و رسله و لم یفرقوا بین احد منهم اولئک سوف یوتیهم اجرهم و کان الله غفوراً
رحیماً (۴-۱۵۲)

ای کسانی که گمراه شدید و امید به هدایت شما نیست خداوند نمی خواهد که دل‌های شما پاک شود پس در دنیا شما را خوار و ذلیل و رسوا میکند و در آخرت عذابی دردناک خواهید داشت.
من یرد الله فتنه فلن تملک له من الله شیئاً اولئک الذین لم یرد الله ان یطهر قلوبهم لهم فی الدنیا خزی و لهم فی الاخرة عذاب عظیم (۵-۴۱)

ثواب و پاداش برای خداوند و مخصوص نیکوکاران است و عذاب و عقاب مخصوص بدکاران است.
خداوند منتقم است و از بدکاران انتقام می گیرد مگر توبه کنندگان که از حرام دوری جویند.
..... عفا الله عما سلف و من عاد فینتقم الله منه والله عزیز ذو انتقام (۵-۹۵)

قیامت که شکی در آن نیست در آن روز همه مردم جمع می شوند و عاقبت هر کس روشن می گردد.
کتب علی نفسه الرّحمة لیجمعنکم الی یوم القیمة لا ریب فیه (۶-۱۲)

درسهای پروردگار خود را فراموش نکنید این درسهای رحمت و نعمت است تا بشر بیدار شود
وراه درست را در پیش بگیرد . ولی با گشودن نعمتها شادمان شده و خدا را فراموش کرده ولی
عذاب الهی ناگهان فرا می رسد و نتیجه آن خواری برای شما نیست.
فلما نسوا ما ذکرنا به فتحنا علیهم ابواب کلّ شیء حتی اذا فرحوا بما اوتوا اخذنا هم بغتة فاذا هم
مبلسون (۶-۴۴)

خداوند ریشه کننده افراد ظالم است و نسل دیگری از آنها را بر پا نمی کند. خداوند را حمد و سپاس
گوئید.

فقطع دابر القوم الذین ظلموا و الحمد لله رب العالمین (۶-۴۵)

خداوند روزی دهنده است پس بخاطر ترس از روزی فرزندان خود را به قتل نرسانید (اشاره به سقط جنین). و لا تقتلوا اولادکم من اطلاق نحن نرزقکم وایّاهم. (۶-۱۵۱)

تکلیف هر کس به اندازه طاقتش است و خداوند تکلیف کننده است. لا نکلف نفساً الا وسعها (۶-۱۵۲)

انسان گنهگار که از دستورات الهی سر باز زده در واقع آیات الهی را تکذیب کرده پس بتدریج به گونه ای که نفهمد در دام مجازات الهی گرفتار آید. در اصول کافی از امام صادق (ع): سنستدرجهم در باره بنده ای ایست که گناهی می کند و بر اثر آن نعمتهای تازه ای به او رو میکند و این نعمتها او را از استغفار از آن گناهش باز می دارد.

والذین کذبوا بایاتنا سنستدرجهم من حیث لا یعلمون (۷-۱۸۲)

خداوند فرصت کافی برای احیای دل و روح آنان داده ولی آنان کوردلان هستند که راه را تشخیص نمی دهند ولی مکر و عقاب خدا استوار است و آنان را در می یابد.
و املی لهم انّ کیدی متین (۷-۱۸۳)

خداوند رؤوف و رحیم است به نسبت توبه شما و انجام عمل نیک. ثمّ تاب علیهم اّنه بهم رؤوف رحیم (۹-۱۱۷)

شما در انتظار در هم شکستن دعوت حقّ هستید و ماهم در انتظار سرنوشت شوم و دردناکی برای شما همچون سرنوشت اقوام مستکبر پیشین چون نمرود ها و فرعونها و اعوان و انصار آنها.
قل فانتظروا انیّ معکم من المنتظرین (۱۰-۱۰۲)

خداوند منجی است . منجی عالم بشریت ، بشری که ایمان آوردند و هدایت یافتند و خود را تسلیم حق کردند و خداوند می فرماید که این بر ما حق است که مؤمنین را نجات دهیم.

..... کذلک حقاً علینا ننج المؤمنین (۱۰-۱۰۳)

تمام حقایق با تمام محدوده خود در کتاب مبین و لوح محفوظ ثبت است. کلّ فی کتاب مبین (۶-۱۱)

مجازات پروردگار دردناک و شدید است برای آنان که ستمکار و ظالمند و آیات الهی را تکذیب می کنند.....اخذ ربك اذا القرى و هی ظالمة انّ اخذه الیم شدید(۱۰۲-۱۱)

جهنم را از طاغیان و سرکشان جن و انس پر می کنیم.....لاملانّ جهنّم من الجنة و الناس اجمعین(۱۱۹-۱۱)

ای مردم شما فقیر هستید و نیازمند به خدا و انسان فقیر نیازمند خدای غنی و بی نیاز است. خداوند در عین بی نیازی آنقدر بخشنده و مهربان است که شایسته هر گونه حمد و سپاس است.
یا ایهاالناس انتم الفقراء الی الله و الله هو الغنی الحمید(۱۵-۳۵)

خداوند غیب و پنهانیهای زمین را می داند و چنین خدائی مسلماً از آنچه در درون دلهاست آگاه است.
انّ الله عالم غیب السموات و الارض انه علیم بذات الصدور(۳۸-۳۵)

خداوند حاکم بر نظام موجود در آسمان و زمین است تا از نظام خود منحرف نشوند پس اوست نگه دارنده بر آنچه که خلق کرده است.
انّ الله یمسک السموات و الارض ان تزولا و لئن زالتا ان امسکهما من احد من بعده انه کان حلیماً غفوراً(۴۱-۳۵)

خداوند آمرزنده گناه و توبه پذیر است. خداوند مجازاتش سنگین است. او صاحب نعمت فراوان است و هیچ معبودی جز او نیست و بازگشت همه بسوی اوست.
غافر الذنب و قابل التوب شدید العقاب ذی الطول لا اله الا هو و الیه المصیر (۳ - ۴۰)

خداوند دانا و بصیر و شنوا است پس تنها اوست که داوریش حق است. انّ الله هو السميع البصیر(۲۰ - ۴۰)

خداوند صاحب پاداش و عقاب و عبد در گرو عمل خود است، اگر کسی بدی کند به خودش ظلم کرده و اگر کسی عمل صالح انجام داد در حق خودش لطف کرده است.
من عمل صالح فلنفسه و من اساءفعلیها و ما ربک بظلام للعبید(۴۶-۴۱)

کیست که با خداوند سخن گوید و ارتباط پیدا کند. این امر شایسته هیچ انسانی نیست مگر پیامبران از طریق وحی و الهام و شنیدن از پس حجاب و یا فرستادن رسول (جبرئیل(ع)) که پیام الهی را ابلاغ نماید. ما کان لبشر ان یکلمه الله الا وحیاً او من وراء حجاب او یرسل رسولاً فیوحی باذنه ما یشاء انّه علی حکیم(۵۱-۴۲)

در سنت خداوند تغییر و تبدیل رخ نمی دهد.

سنة الله التي قد خلّت من قبل و لن تجد لسنة الله تبديلاً (۲۳-۴۸)

خداوند توبه پذیر و صاحب مغفرت وسیع است. ای کسانی که گناهان کبیره را اجتناب کرده اید ولی از گناهان صغیره دوری نمی جوئید و گناه بر خلاف طبع شماست شاید نیکوکار باشید و قلوب شما همواره پاک باشد بسوی خداوند بیاوید و طلب توبه کنید.

الدین یجتنبون کبائر الاثم و الفواحش الا اللّهم ان ربک واسع المغفرة(۳۲-۵۳)

قرض الحسنه و پاداش مضاعف و تشویق بندگان به قرض دادن .

من ذالذی یقرض الله قرضاً حسناً فیضاعفه له وله اجر کریم (۱۱-۵۷)

خداوند نعمتهای فراوانی برای سعادت بشر آفریده است پس خدا بی نیاز و شایسته ستایش است. و بندگان خدا اگر امید به خدا و روز رستاخیز داشته باشند این اسوه حسنه است و هر کس سرپیچی کند به خودش ضرر رسانده است.

لقد کان لکم فیهم اسوه حسنة لمن کان یرجو الله و الیوم الآخر و من یتوکل فانّ الله هو الغنی الحمید (۶-۶۰)

قلوب فاسقان از راه حق منحرف شده است و خداوند آنان را هدایت نمی کند.

فلما زاغوا از اغ الله قلوبهم و الله لا یرحی القوم الفاسقین(۵-۶۱)

پیروزی آن زمان است که خداوند از سر تقصیرات و گناهان ما در گذرد. باغها و جنّات عدن و جریان نهرها از زیر درختان و مسکنهای پاکیزه از آن کسانی است که از درگاه خداوند طلب آمرزش کنند و بخشش الهی بعد از توبه انسان، پیروزی است.

یفغر لکم دنوبکم و یدخلکم جنات تجری من تحتها الانهار و مساکن طیّبه و جنّات عدن ذلک الفوز العظیم(۱۲-۶۱)

پیروزی نزدیک است . پیروزی همراه با حق طلبی ، در واقع حق همیشه پیروز است فقط بصیرت می خواهد.

و اخرى تحبونها نصر من الله و فتح قريب و بشر المؤمنين(۱۳-۶۱)

در نظام الهی و آفرینش او هیچ تفاوت و تضاد و عیبی نمی بینید نگاه کن آیا اختلافی مشاهده می کنید؟

ما تری فی خلق الرحمن من تفاوت فارجع البصر هل تری من فطور(۱۹-۶۷)

اگر قدرت الهی نباشد آیا پرنده ای می تواند بالهای خود را باز کند و یا جمع کند و یا آنها را بالای سر شما نگه دارد . اگر توجه کنید هر کدام در حرکت دارای برنامه مخصوصی هستند.

او لم یروا الی الطیر فوفهم صافات و یقبضنّ ما یمسکهنّ الا الرحمن ائه بكل شیء بصیر(۱۹-۶۷)

خداوند یک روز روزی می دهد و روزی باز می ایستد. آیا کسی غیر از او می تواند نیاز شما را برطرف سازد . اگر چنین بیندیشید پس در سرکشی و طغیان خود لجاجت کرده اید.

امن هذا الذی یرزقکم ان امسک رزقه بل لجوا فی عتو و نفور (۲-۶۷)

خداوند به نیاز بنده خود بیناست . به شما گوش و چشم و قلب داد اما افسوس که شکر گذاران اندک هستند. قل هو الذی انشاکم و جعل لکم السمع و الابصار و الافئده قليلاً ما تشکرون (۲۳-۶۷)

رسول خدا با علم الهی پند دهنده و بیم دهنده است . علم به قیامت از صفات الهی است و آن علم نزد پیامبر است. قل انما العلم عندالله و انما انا نذیر مبين(۲۶-۶۷)

ای پیغمبر بگو اگر آبها فرو روند چه کسی آب گوارا و جاری در دسترس شما قرار می دهد.

قل ارايتم ان اصبح ماؤکم غورا فمن یاتیکم بماء معین(۳۰-۶۷)

زندگی انسان با خدانشناسی و نعمت شناسی و شکر بر نعمت کامل می شود فقط زمانی که انسان با نعمتهای فراوان روبرو میشود آنرا کرامتی از خدا بداند و آگاه باشد که در آزمایش الهی است و نباید مغرور شود که بگوید پروردگار مرا گرامی داشته است. و آن هنگام که با انواع بلا ها او را

می آزماید و یا بر او تنگ می گیرد مأیوس نشود و نگوید پروردگارم مرا خوار کرده است. (نفس در برابر پستی و بلندیهای زندگی باید به گونه ای تربیت شود که دچار هیجانات نا بهنگام نشود و در برابر کرامت الهی شاکر باشد و در برابر بلیات صبر داشته باشد) فامّا الانسان اذا ما ابتلاه ربّه فاكرمه و نعمة فيقول ربّي اكرمن و اما اذا ما ابتلاه فقدّر عليه رزقه فيقول ربّي اهانن. (۸۹-۱۵)

خداوند به وسیله قلم انسان را تعلیم داد و به انسان آنچه را نمی دانست، آموخت.
الذی علّم بالقلم (۹۶-۴) علّم الانسان ما لم يعلم (۹۶-۵)

صفات خدا در قرآن مضاف است یا مفرد . آنچه قابل ذکر است این که مفاهیم صفات منظور نیست بلکه شناخت حقیقی ذات الهی مورد نظر است. و ذات خدا و اوصاف او که عین ذاتش است از راه مفهوم شناخته نمی شود.

صفات مضاف خداوند

رب العالمین (۱-۲) مالک يوم الدين (۱-۴)

ذو الفضل العظيم (۲-۱۰۵)

کن فیکون (۲-۱۱۷)

شدید العذاب (۲-۱۶۵)

سریع الحساب (۲-۲۰۲)

ذو انتقام (۳-۴)

تَعَزَّ من تشاء و تَدَلَّ من تشاء (۳-۲۶)

خیر الماکرین (۳-۵۴)

خیر الناصرین (۳-۱۵۰)

علّم الغیوب (۵-۱۰۹)

خیر الرّازقین (۵-۱۱۴)

خیر الفاصلین (۶-۵۷)

اسرع الحاسبین (۶-۶۲)

عالم الغیب و الشهادة (۶-۷۳)

- فالق الحبّ و النوى (٩٥-٦)
- فالق الاصباح (٩٦-٦)
- ذو الرّحمة (١٣٣-٦)
- سريع العقاب (١٦٥-٦)
- خير الحاكمين (٨٧-٧)
- خير الفاتحين (٨٩-٧)
- خير الغافرين (١٥٥-٧)
- شديد المحال (١٣-١٣)
- ربّ السموات السبع و ربّ العرش العظيم (٢٣-٨٦)
- ربّ العرش الكريم (١١٦-٢٣)
- نور السموات و الارض (٣٥-٢٤)
- ربّ العزة عمّا يصفون (١٨٠-٣٧)
- غافر الذنب..... (٣-٤٠)
- رفيع الدّرجات ذو العرش (١٥-٤٠)
- ذو عقاب اليم (٤٣-٤١)
- ذو القوة المتين (٥٨-٥١)
- واسع المغفرة (٣٢-٥٣)
- ذو الجلال و الاكرام (٢٧-٥٥)
- ذى المعارج (٣-٧٠)
- اهل التقوى و اهل المغفرة (٥٦-٧٤)
- باحكم الحاكمين (٨-٩٥)
- برّب الفلق (١-١١٣)
- برّب الناس (١-١١٤)
- ملك الناس (٢-١١٤)
- اله الناس (٣-١١٤)

صفات مفرد خدا

- الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ (١-٣)
قَدِيرٌ (٢-٢٩)
عَلِيمٌ (٢-٢٩)
الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ (٢-٣٢)
التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (٢-٣٧)
بَصِيرٌ (٢-٩٤)
السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (٢-١٢٧)
الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (٢-١٢٩)
شَاكِرٌ عَلِيمٌ (٢-١٥٨)
غَفُورٌ رَحِيمٌ (٢-١٨٢)
رُؤُوفٌ بِالْعِبَادِ (٢-٢٠٧)
غَفُورٌ حَلِيمٌ (٢-٢٢٥)
خَبِيرٌ (٢-٢٣٤)
الْحَيُّ الْقَيُّومُ (٢-٢٥٥)
الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ (٢-٢٥٥)
غَنِيٌّ حَمِيدٌ (٢-٢٦٧)
أَنْتَ الْوَهَّابُ (٣-٨)
رَقِيبًا (٤-١)
عَلِيًّا كَبِيرًا (٤-٣٤)
رَحِيمٌ وَدُودٌ (١١-٩٠)
عَالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ الْكَبِيرِ الْمُتَعَالِ (٩-١٣)
الْوَّاحِدُ الْقَهَّارُ (١٣-١٦)
الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ (١٥-٨٦)
الْمَلِكُ الْحَقُّ (٢٠-١١٤)
لَقْوَى عَزِيزٌ (٢٢-٤٠)
مُنْتَقِمُونَ (٣٢-٢٢)
الْفَتَّاحُ الْعَلِيمُ (٣٤-٢٦)

غفور شکور (۳۵-۳۰)
العزیز العفّار (۳۸-۶۶)
الولی الحمید (۴۲-۲۸)
ذو القوة المتین (۵۱-۵۸)
البرّ الرحیم (۵۲-۲۸)
ملیک مقتدر (۵۴-۵۵)
هو الاول و الاخر و الظاهر و الباطن (۵۷-۳)
الملك القدوس السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر (۵۹-۲۳)
الخالق الباري المصور (۵۹-۲۴)
ربّک الاکرم (۹۶-۳)
الله - احد- الله الصّمد (۱۱۲-۱)

خداوند - امر - قدرت- قول او بر هر چیز "کن فیکون"

خداوند بدون استفاده از اسبابی ، در خلق آسمان و زمین و هر امر دیگری ، تابع اراده خود است. او اراده می کند که نظام جهان باشد یا نباشد.

بدیع السموات و الارض و اذا قضی امرأ فانما یقول له کن فیکون (۱-۱۱۷)

تولد مسیح بدون پدر ، و خلق آدم از خاک بدون پدر، هر دو تولّد بدون اسباب که ناشی از اراده خداوندی است و تحت همین اراده که باشند پس خلق گردیدند.

انّ مثل عیسی عندالله کمثل ادم خلقه من تراب ثمّ قال له کن فیکون (۳-۵۹)

پس اراده او بر هر چیز تعلّق می گیرد و هر وقت او بخواهد آن شیء خلق می گردد و باید دانست که امر (قول) و فعل او حقّ است در آنچه که در زمین و آسمان خلق کرده است.

هو الذی خلق السموات و الارض بالحق و یوم یقول کن فیکون (۶-۷۳)

انّما قولنا شیء اذا اردناه ان یقول له کن فیکون (۱۶-۴۰)

خداوند فرزندی ندارد پس او از فرزند داشتن منزّه است . پس عیسی پسر او نیست پس هر قضا را

او اراده کند کافی است که امر او "کن" باشد و امر او بر اراده او بر موجودیت چیزی تعلق می گیرد. اما امره اذا اراد شيئاً ان يقول له كن فيكون (۸۲-۳۶)

قدرت خداوند بر هر چیز در مقدار و حدودش تعلق می گیرد پس برای هر چیزی در خلقش حدی است و از آن تجاوز نمی کند.
انا كل شيء خلقناه بقدر (۴۹-۵۴)

امرو قول او همچون چشم گرداندن و بدون درنگ است. وما امرنا الا واحدة كلمح بالبصر (۵۰-۵۴)

بخش چهارم

مشیت خداوند تعالی

جایگاه منافقین در پست ترین موقعیت ، که با مشیت الهی گوش و چشم آنها از میان می رود و حقایق را نمی بینند و نمی شنوند و این نشانه قدرت الهی است که بر آنها حاکم می شود.
و لو شاء الله لذهب بسمعهم و ابصارهم ان الله على كل شيء قدير (۲۰-۲)

قوم یهود بدلیل حسادت که شیوه اخلاقی آنها بود پشت پا می زد به آن چه که خداوند بر بنده نازل کرده است. ولی مشیت خداوند مطابق فضل اوست بر هر بنده ای که او بخواهد.
بئسما اشتروا به انفسهم ان يكفروا بما انزل الله بغيا ان ينزل الله من فضله على من يشاء من عباده (۱۰۵-۲)

رحمت الهی اختصاص دارد بر هر بنده ای که او بخواهد (فضل عظیم و رحمت خداوند مسلمانان را در بر گرفت و آن فرستادن پیامبر و کتاب قرآن است)
و الله يختص برحمته من يشاء والله ذو الفضل العظيم (۱۰۵-۲)

مشرق و مغرب از آن خدا است و مشیت خداوند بر هدایت کسانی تعلق می گیرد که او بخواهد. (تشویق مردم به انجام فرائض مستحب و واجب)- قل لله المشرق و المغرب يهدى من يشاء الى صراط الى صراط مستقيم (۱۴۲-۲)

مشیت خداوند در هدایت بشر به راه مستقیم مطابق حکمت الهی بر هر که خداوند لایق بداند . مشیت خدا از هر گونه تبعیض دور است و آمیخته با حکمت اوست و مطابق نیثای پاک و روح تسلیم پذیری بشر استوالله یهدی من یشاء الی صراط مستقیم (۲-۲۱۳)

مشیت خداوند بر مشقت و کلفت شما قرار می گیرد اگر او بخواهد که او توانا وداناست .
و لو شاء الله لاعتکم انّ الله عزیز حکیم (۲-۲۲۰)

مشیت خداوند در بخشیدن ملک خویش به هر کس که لیاقت و شایستگی داشته باشد .
والله یوتی ملکه من یشاء والله واسع علیم (۲-۲۴۷)

مشیت خداوند بر جوان کم سن و سال و نیرومند چون داوود قرار گرفت و جالوت را کشت و ملک و حکمت را به او داد و او را به هر آنچه که در مشیتش بود تعلیم داد .
....و قتل داود جالوت و اتاه الله الملک و الحکمة و علمه مما یشاء..... (۲-۲۵۱)

علم بی پایان گذشته و آینده در اختیار اوست که بطور محدود با مشیت خودش در اختیار دیگران قرار می دهد .
.....یعلم ما بین ایدیهم و ما خلفهم و لا یحیطون بشیء من علمه الا بما شاء.... (۲-۲۵۵)

خداوند به مشیت خودش حکمت و دانش را در اختیار هر کس که بخواهد می گذارد و آنچه از حکمت و دانائی در اختیار بشر نهاده می شود خیر کثیر است .
یوتی الحکمة من یشاء و من یوت الحکمة فقد اوتی خیراً کثیراً.... (۲-۲۶۹)

مشیت خداوند به هر کس تعلق بگیرد مسیر هدایت را بخوبی پیموده است .
لیس علیک هداهم و لکنّ الله یهدی من یشاء..... (۲-۲۷۲)

آنچه بشر از خود بروز می دهد و آنچه که در دل پنهان می دارد میزان و سنجش دارد و آن سنجش بصورت مغفرت و بخشش و یا بصورت عقاب بر هر کس که مشیت خداوند قرار گیرد و مستحق آن باشد شکل می گیرد . در واقع آنچه که نیت کرده و به عمل رسانده شود اگر نیکو باشد حسنه دارد

و اگر بد باشد مجازات دارد .

.... و ان تبدوا ما فی انفسکم او تخفوه یحاسبکم به الله فیغفر لمن یشاء و یعدّب من یشاء و الله علی کلّ شیء قدیر (۲۸۴-۲)

مشیت خداوند بر شکل گیری بنده در رحماها به هر صورتی که بخواهد از نظر وجهه ظاهری و باطنی که تضاد لازمه زندگی است. و معنای تولی و تبری با عمل کرد افراد گوناگون با چهره های گوناگون صورت میگیرد.

هو الذی یصوّرکم فی الارحام کیف یشاء لا اله الا هو العزیز الحکیم (۳-۶)

عبرت برای خردمندان و اهل بصیرت در تدبیر و مشیت الهی است . کسانی که با بصیرت کامل در مسیر ایمان حرکت می کنند بدانند که نصر و یاری خداوند بدرقه آنهاست .
..... و الله یوید بنصره من یشاء انّ فی ذلک لعبرة لاولی الابصار (۱۳-۳)

مشیت الهی در حکومت ، چون او صاحب حکومت است و هر کس را بخواهد بر مسند حکومت قرار می دهد . او صاحب عزت است و عزت را به هر کس که بخواهد، میدهد . و همانطور ذلت را بر هر کس که مشیت او قرار گرفته باشد ، می دهد. عزت برای خداوند نوعی زنده شدن و جان گرفتن است و ذلت نوعی بی حاصلی و ممانعت است. قل اللهم مالک الملك توتی الملك من تشاء و تنزع الملك ممن تشاء و تعزّ من تشاء و تذللّ من تشاء بیدک الخیر (۲۶-۳)

دگرگونی های عالم هستی ، داخل شدن شب در روز و روز در شب و پیدایش حیات در موجودات بی جان و از بین رفتن حیات در موجودات زنده این همه ناشی از مشیت الهی است. و در این دگرگونی ها بهره مندی و عطا و بخشش فراوان است بر هر یک که خداوند بخواهد.
تولج اللیل فی النهار و تولج النهار فی اللیل و تخرج الحیّ من المیت و تخرج المیت من الحیّ و ترزق من تشاء بغير حساب (۴۷-۳)

حضرت مریم وقتی بشارت تولد حضرت عیسی (ع) را شنید گفت: پروردگارا چگونه فرزندی برای من خواهد بود در حالیکه بشری مرا لمس نکرده و همسری نداشته ام و جواب خداوند این بود:
خداوند هر چه را بخواهد و مشیت او قرار بگیرد خلق میکند و فرمان او به موجودیت خلق خود

فرمانی سریع الاجابة است. قل انّ الفضل بيد الله يو تيه من يشاء (۱۷۳-۳)

پاداش و عقاب بر اعمال بشر مشیّت الهی است.

و لله ما فی السموات و ما فی الارض یغفر لمن یشاء و یعدّب من یشاء (۱۲۹-۳)

خداوند بنا بر مشیّت خود از میان پیامبران کسانی را انتخاب کرده و گوشه ای از اسرار غیب و اسرار باطنی انسانها را به او نشان میدهد.

..... و ما کان الله لیطلعکم علی الغیب و لکن الله یجتبی من رسله من یشاء.. (۱۷۹-۳)

مشیّت الهی بر پذیرش توبه از گمراهی و ضلالت افراد جزء شرک که گناه کبیره است . عفو الهی شایستگی می خواهد.

ان الله لا یغفر ان یشرک به و یغفر ما دون ذلك لمن یشاء و من یشرک بالله فقد افتری اثماً عظیماً (۴۸-۴)

خداوند بر طبق مشیّت خود هر کس را بخواهد صاحب نفس زکیّه می کند و به احدی ظلم و ستم نخواهد شد. چون انتخاب راه با شماست.

الم تر الی الذین یرکون انفسهم بل الله یرکی من یشاء و لا یظلمون فتیلاً (۴۹-۴)

اگر مشیّت الهی بر نابودی گروهی از مردم قرار بگیرد ، آنها را از بین برده و دیگران را که در راه اطاعت او کوشاتر هستند خلق میکند که او توانائی این کار را دارد.

ان یشاء یدهبکم ایها الناس و یات باخرین و کان الله علی ذلک قدیراً (۱۳۳-۴)

برای هر یک از شما آئین و شریعت و راه و روش خاص قرار دارد و اگر مشیّت او بر امت واحد قرار می گرفت پس یک آئین برای آنها خلق می کرد ولی خداوند با مشیّت خود بر هر یک از افراد آنها را در آئین خود می آزماید.

... لکل جعلنا منکم شرعة و منهاجاً و لو شاء الله لجعلکم امة واحدة (۴۸-۵)

دست خداوند گشاده است و به هر کس که مشیّت او قرار بگیرد انفاق و بخشش خواهد داشت.

...بل یداه مبسوطان ینفق کیف یشاء....(۶۴-۵)

کسانی که تکذیب آیات الهی را بکنند پس کرهستند که حقایق را نشنیده و لال هستند که قدرت بر بیان حق ندارند پس آنان که در ظلمت فرو می روند خداوند با مشیت خود آنان را گمراه میکند. و آنان که حقایق را می شنوند و آن را بیان میکنند اینان هدایت شدگان هستند و خداوند آنان را با مشیت خود به راه امامت که راه مستقیم است هدایت می کند.

و الذین کذبوا بآیاتنا صمّ و بکمّ فی الظلمات من یشاءالله یضلله و من یشاء یجعله علی صراط مستقیم (۶-۳۹)

ایمان باید با منطق و استدلال پذیرفته شود. ایمان تحمیلی ارزشی ندارد چون با اجبار شخص همراه است. اگر خداوند می خواست همه ایمان می آوردند و کسی مشرک نمی شد ولی باید تفاوتها باشد. و تو ای رسول تو وظیفه نداری که آنها را به زور و اجبار به ایمان دعوت کنی. و لو شاء الله ما اشركوا و ماجعلناک علیهم حفیظاً و مانت علیهم بوکیل.(۱۰۷-۶)

گروه جاهلان کسانی هستند که هر چه را بسوی آنها بفرستی ایمان نخواهند آورد. حتی اگر فرشتگان را بر آنها نازل می کردیم و مردگان با آنها صحبت می کردند باز ایمان نمی آوردند مگر خداوند با جبر خود آنها را وادار به داشتن ایمان بکند در این صورت ممکن است با مشیت الهی ایمان بیاورند ولی بیشتر آنها جاهل هستند.

و لو انّا نزلنا الیهم الملائکه و کلمهم الموتی و حشرنا علیهم کلّ شیء قبلاً ما کانوا لیؤمنوا الا ان یشاءالله و لکن اکثرهم یجهلون(۱۱۱-۶)

اگر خدا جبار بود نمی گذاشت که این جاهلان و بت پرستان اولاد خود را قربانی شرک خود سازند چون بت پرستان این عمل را زینتی برای بتهای خود می دانستند پس به پیامبر دستور داد که آنها را رها کند و به هدایت دلهای آماده پردازد.

و کذلک زینّ لکثیر من المشرکین قتل اولادهم شرکاً و هم لیردوهم و لیلبسوا علیهم دینهم و لو شاءالله مافعلوه فذرهم و ما یفترون(۱۳۷-۶)

خداوند حجت را بر همه بندگان تمام کرده است پس دیگر عذری برای کسی نمی ماند و اگر خدا می خواست مشیت او بر هدایت تمام بندگان قرار می گرفت.

قل فله الحجة البالغة فلو شاء لهديكم اجمعين(۱۴۹-۶)

سراسر زمین از آن خداوند است و آنرا بنا بر مشیت خود به هر کس که بخواهد واگذار می کند و شرط آخر این که سرانجام موفقیت ها برای متقین است.

ان الارض يورثها من يشاء من عباده و العاقبة للمتقين(۱۲۸-۷)

من مالک هیچ گونه ضرر و زیانی در باره خویش نیستم مگر آنچه خداوند بخواهد و بدانید که اگر من از عالم غیب خبر داشتم خیر را در زندگی خود افزایش می دادم و از زیان دوری می کردم.
قل لا املك لنفسي نفعاً و لا ضراً الا ما شاء الله و لو كنت اعلم الغيب لاستكثرت من الخير و ما مسنى السوء(۱۸۸-۷)

خداوند بنا بردانائی و حکمت خود توبه هر کس را بخواهد و مصلحت بدانند می پذیرد .
....و يتوب الله على من يشاء و الله علیم حکیم (۱۵-۹)

تمیز بین انسانهای با تقوی و بی تقوی و اهل رجس و پلیدی با خداست "اینان در فرا گیری علم و دانش کوتاهی کرده اند" افراد با تقوی اهل خرد و پرهیز اند.
ما كان لنفس ان تؤمن الا باذن الله و يجعل الرجس على الذين لا يعقلون(۱۰۰-۱۰)

اگر ضرری به شما برسد آن ضرر بنا بر مشیت الهی از تو بر طرف می شود و اگر خیر و نیکی به تو برسد هیچکس توانائی ندارد که جلو فضل و رحمت او را بگیرد . و او هر کس از بندگان را که اراده کند به نیکی می رساند او بخشنده و مهربان است.
و ان یمسک الله بضر فلا کاشف له الا هو و ان یردک بخیر فلا راد لفضله یصیب به من یشاء من عباده و هو الغفور الرحیم(۱۰۷-۱۰)

مشیت الهی بر روزی هر کس ، وسعت روزی و یا تنگ گرفتن روزی.
.....الله یبسط الرزق لمن یشاء و یقدر(۲۶-۱۳)

گمراهی بنده نتیجه لجابت ها و تعصیبا و جهالت های اوست که مانع از ایمان می شود پس مشیت او

بر گمراهی و یا هدایت بشر است و هدایت را به بنده ای می دهد که توبه و انابه به درگاه خدا داشته باشد.قل ان الله يضلّ من يشاء و يهدي اليه من اناب (۲۷-۱۳)

محو و اثبات و قضا و قدر الهی همه بر مبنای مشیّت اوست ولی شقاوت و سعادت و حیات و موت قابل محو و اثبات نیست. يمحو الله ما يشاء و يثبت و عنده ام الكتاب (۳۹-۱۳)

خداوند مواهب و نعمتها را بر اساس انتخاب صحیح بنده به او می دهد و سلب مواهب برطبق مشیّت او بر هر کس که باطل را انتخاب کند و شایستگی نداشته باشد. يثبت الله الذين امنوا بالقول الثابت في الحياة الدنيا و في الآخرة و يضلّ الله الظالمين و يفعل الله ما يشاء (۲۷-۱۴)

خداوند برای انذار بشر فرشتگان را با روح الهی بسوی هر کس که مشیّت او قرار بگیرد می فرستد. ينزل الملكة بالروح من امره على من يشاء من عباده (۲-۱۶)

مراقبت از اعمال و "پاداش و عقاب" ، پس به نسبت اعمال به شما رحم و مهربانی می شود و یا مورد عذاب واقع می شوید و تو ای پیامبر مامور ابلاغ هستی و اگر ایمان نیاوردند زیان به خود رسانده اند. ربکم اعلم بکم ان يشاء یرحمکم او ان يشاء یعذبکم و ما ارسلناک علیهم وکیلاً (۵۴-۱۷)

ای بنده به آنچه در آینده مایل به انجام هستی "انشاءالله" بگو تا قدرت انجام آن کار را خداوند به تو بدهد و گرنه تصمیم گیری تو بر اینکه انجام امور را فردا انجام دهی ممکن است درست از آب در نیاید. و لا تقولنّ لشیء ائی فاعل ذلك غداً الا ان يشاء (۲۳ و ۲۴-۱۸)

کرامت خداوند بر بنده شامل افراد شایسته می باشد بر طبق مشیّت الهی. و من یهن الله فما له من مکرم انّ الله یفعل ما یشاء (۱۸-۲۲)

فضل و رحمت الهی بر بندگان "کتاب و سنت ، عقل ،" است و کسانی می توانند از این موهبت استفاده کنند که آماده و مستعد باشند.

.... و لو لا فضل الله علیکم و رحمته ما زکی منکم من احدا ابداً و لکن الله یزکی من یشاء و الله سمیع علیم (۲۱-۲۴)

مثلهای قرآن درس عبرت است برای بندگان و بنا بر مشیّت الهی بر هر کس که لیاقت هدایت داشته باشد.... یهدی الله لنوره من یشاء و یضرب الله الامثال للناس و الله بکل شیء علیم(۲۴-۳۵)

بلا های طبیعی بنا بر مشیّت الهی و دفع بلا از هر کس بنا بر مصلحت او.
فیصیب به من یشاء و یصرفه عن من یشاء(۲۴-۴۳)

خداوند و خلق موجودات چهار پا و دوپا و موجودات در فضا و دریا او بر هر چیز تواناست.
...یخلق الله من یشاء الی صراط مستقیم(۲۴-۴۵)

مقام پیامبری و رهبری و قدرت انذار او بنا بر مشیّت الهی بر هر امتی.
.....و لو شننا لبعثنا فی کل قریة نذیرا (۲۵-۵۱)

خلق انسانها بنا بر مشیّت الهی "ضعف، و قدرت، و ضعف پیری"
الله الذی خلقکم من ضعف ثم جعل من بعد ضعف قوة ثم جعل من بعد قوة ضعفاً وشيبة یخلق ما یشاء
(۳۰-۵۴)
هدایت اگر جبر باشد ارزشی ندارد و بهشت و جهنم معنا پیدا نمی کند . هدایت بنده رابطه مستقیم با اختیار بشر دارد . دوزخ برای اهل بی ایمان و گناهکار است.
و لو شننا لاتینا کل نفس هدیها و لکن حق القول منی لاملانّ جهنم من الجنة و الناس اجمعین.(۱۳-۳۲)

ای غافلان لجوج پیرامون مسئله معاد تحلیل داشته باشید مگر نمی نگرید به آنچه که پیش رو و پشت سر شماست مگر مشیّت الهی را در نظر نمی گیرید مشیّتی که هر وقت بخواهد زلزله ای ایجاد می کند و زمین شکاف بر می دارد و شما را در آن دفن می کند و با مشیّت او قطعاتی از آسمان بر شما فرود می آید و تمام اینها نشانه ای است بر ایمان و اعتقاد بنده ای که بسوی او روی آورده است و انابه می کند.

أفلم یروا الی ما بین أیدیهم و ما خلفهم من السماء و الارض ان نشاء نخسف بهم الارض او نسقط علیهم کسفاً من السماء انّ فی ذلک لایة لکلّ عبد منیب (۳۴-۹)

ملائکه، فرشتگان مخلوق خداوند هستند و موکل بر عالم تکوین و تشریح هستند و فرشتگان واسطه

بین خدا و بنده هستند با مأموریت‌های سنگین و مجهز به جناح(بال) که این بالها برای مأموریت‌هاست نه بال مرغان.

الحمد لله فاطر السموات و الارض جاعل الملكة رسلاً اولی أجنحة مثنی و ثلاث و رباع یزید فی الخلق ما یشاء انّ الله علی کل شیء قدیر (۱-۳۵)

اگر بخواهیم با موج عظیمی کشتی آنها را واژگون می کنیم بطوریکه نه فریاد رس باشد و نه نجات دهنده ای. و ان نشاء نغرقهم فلا صریخ لهم و لا هم ینقذون (۴۳-۳۶)

با مشیت الهی چشمان مخالفین محو می شود بطوریکه اگر بخواهند بر یکدیگر پیشی گیرند قادر نیستند. و لو نشاء لطمسنا علی اعینهم فاستقبوا الصراط فانّا یبصرون (۶۶-۳۶)

اگر بخواهیم آنها را بر جای خود مسخ می کنیم به گونه ای که نتوانند راه خود را ادامه دهند و یا به عقب باز گردند. و لو لمسخنا هم علی مکانهم فما استطاعوا مضیاً و لایرجعون (۶۷-۳۶)

سلطنت و رفعت برای خدای تعالی است و روز ملاقات و دیدار فرا خواهد رسید اگر مشیت خداوند قرار بگیرد و در آن روز حجابها از بین می رود و آنروز برای همه روشن می شود که مالک حقیقی خداوند است و ملکی جزء ملک او نیست و در این روز یوم التلاق (قیامت) همه با یکدیگر برخورد می کنند و با حقایق اعمال روبرو می شوند.

رفیع الدرجات ذو العرش یلقى الروح من امره علی من یشاء من عباده لینذر یوم التلاق (۱۵-۴۰)

خداوند بر بندگان آگاه و بیناست و بر اساس حساب دقیق بر بندگان روزی را گسترده و یا تنگ می گیرد چون گاهی بنده بر اثر وسعت رزق سرکش و طغیانگر می شود و او بنا بر مشیت خود و مصلحت خود روزی را نازل می کند.

و لو بسط الله الرزق لعباده لبغوا فی الارض و لکن ینزل بقدر ما یشاء انه بعباده خبیر بصیر (۲۷-۴۲)

از نشانه های آفرینش خلق آسمان و زمین و جنبدگان است که در این بین در انواع خود گسترش یافته اند و تنها اوست که قادر است نسل آنها را جمع کرده و منقرض کند.

و من آیاته خلق السموات و الارض و ما بثّ فیهما من دابة و هو علی جمعهم اذا یشاء قدیر (۲۹-۴۲)

اراده و مشیّت الهی بر آفرینش انسانها دختر و یا پسر.

الله ملك السموات و الارض یخلق ما یشاء یهب لمن یشاء اناثاً و یهب لمن یشاء الذکور (۴۹-۴۲)

به بعضی پسر و به بعضی دختر و به هر که بخواهد هر دو را می دهدو بعضی را عقیم می کند .

او یزّوجهم ذکرا و اناثاً و یجعل من یشاء عقیماً اّنه علیم قدیر (۵۰-۴۲)

جنگها وسیله آزمایش الهی بر بشر است. اگر ما بخواهیم تو می توانی سیمای دو گانه و منافق افراد بی ایمان را با قیافه بشناسی ولی تو براحتی می توانی از طرز سخنان آنها را بشناسی و خداوند تنها کسی است که از اعمال بندگان خود خبر دارد.

و لو نشاء لاریناکم فلعرفتهم بسیماهم و لتعرفنهم فی لحن القول و الله یعلم اعمالکم (۳۰-۴۷)

شفاعت از آن خداست. و آن مشیّت الهی است که بر هر کس از بندگان که بخواهد اجازه شفاعت می دهد. و کم من ملک فی السموات لا تغنی شفاعتهم شیئاً الا من بعد ان یأذن الله لمن یشاء و یرضی (۲۶-۵۳)

فضل خداوند عظیم و بزرگ است. و بنا بر شایستگی بنده و مصلحت الهی به بنده داده می شود.

.....ذلک فضل الله یوتیه من یشاء و الله ذو الفضل العظیم (۲۱-۵۷)

با اذن الهی بنده مشغول ذکر می شود و اگر اذن الهی نباشد انسان لحظه ای به ذکر مشغول نمی شود خداوند اهل تقوی و اهل امرزش است، و از بنده خود نیز چنین توقعی دارد.

و ما ینکرون الا ان یشاء الله هو اهل التقوی و اهل المغفرة (۵۶-۷۶)

ای انسانها آنچه از قدرت و قوّت در وجود شما نهفته است همه از آن خداست و بر مبنای مشیّت اوست و اگر او بخواهد تمام قوای تو را گرفته و جای آنها را به گروه دیگری می دهد.

نحن خلقناهم و شددنا اسرهم و اذا سئنا بدلنا امثالهم تبديلاً (۲۸-۷۶)

حرکت تو بر مبنای مصلحت الهی است و خداوند مصلحت بنده خود را می خواهد.

و ما تشاؤون الا ان یشاء الله انّ الله کان علیماً حکیماً (۳۰-۷۶)

هر خیر و برکتی از ناحیه خداوند است. پیامبر آیات و سوره ها را فراموش نمی کند . خداوند آشکار و پنهان بنده خود را می داند و برکت حفظ قرآن را به هر کس بخواهد می دهد.
سنقرئک فلا تنسی - الا ما شاء الله انه يعلم الجهر و ماخفی (۷-۸۷)

بخش پنجم

اسماء الحسنی

برای خداوند نامهای نیکویی است . خداوند را با همان نامها بخوانید که همان صفات خداست، صفات کمال نه نقض که صفت نقض صفت الهی نیست . انها که اسماء الهی را تحریف می کنند رها کنید همانند مسیحیان که قائل به تثلیث و خدایان سه گانه هستند و آنها را به زودی به جزای اعمال خویش گرفتار می سازد.

و لله الاسماء الحسنی فادعوه بها و ذروالدین یلحدون فی اسمائه سیجزون ما کانوا یعملون (۱۸۰-۷)

خدا را با نام "الله یا الرَّحْمَن" بخوانید یا با هر یک از اسماء که خواستید خدا را بخوانید . برای خداوند نامهای نیکو بسیار است.

قل ادعوا الله اوادعوا الرَّحْمَن ایا ما تدعوا فله الاسماء الحسنی(۱۱۰-۱۷)

"الله" مستجمع جمیع صفات است و می فرماید : فقط او هست و جزء او نیست و برای او صفات و نامهای نیکو است. الله لا اله الا هو له الاسماء الحسنی (۸-۲۰)

یحیی و یمیت از اسماء نیکو خداوند است. فعل مضارع و عمومیت دارد و شامل تمام حیات و مرگ مخلوقات الهی است. له ملک السموات و الارض یحیی و یمیت.....(۲-۵۷)

اوّل و آخر و ظاهر و باطن وصف الهی است . اگر اوّل و آخر است پس ازلیّت و ابدیت تعبیر لطیفی است برای نشان دادن این صفات و اگر ظاهر و باطن است آغاز عالم هستی و فنای عالم هستی را می توان تعبیر کرد که هیچ یک محدود به زمان نیست. و یا ظاهر است چون نشانه هایش فراوان است و باطن است چون عالم به تمامی خلق خود هست.

هو الاوّل و الاخر و الظاهر و الباطن و هو بکلّ شیء علیم (۳-۵۷)

سوره حشر و اسماء الحسنی الهی: "الله" مستجمع جمیع صفات

لا اله الا هو: توحید و یگانه پرستی

عالم الغیب و الشهادة: علم به غیب که مخصوص خداست و خداوند در این علم مستقل است که مربوط به گذشته و حال و آینده است. او بر تمام انسانها حضور دارد و حضورش علم شهود است شاهد بر اعمال انسانها و حکم بر آنها.

"الرَّحْمَن" توجه به رحمت عامه

"الرَّحِيم" توجه به رحمت خاصه ویژه مؤمنین

"الْمَلِك" توجه به حاکمیت و مالکیت خدا

"الْقُدُوس" او بسیار پاک و منزّه است.

"السَّلَام" سالم است از هر گونه عیب و نقص و صاحب اسماء الحسنی

"الْمُؤْمِن" امنیّت بخش و ایمنی دهنده است.

"الْمُهَيِّمِن" مراقب و حافظ همه چیز است.

"الْعَزِيز" او قادر است و هیچ چیز بر او ممتنع نیست.

"الْجَبَّار" او ترمیم دهنده و مصلح است.

"الْمُتَكَبِّر" او صاحب کبریاء و عظمت است استفاده از این صفت برای غیر خدا مذموم است.

"سبحان الله عما یشرکون" خداوند منزّه است از اینکه برای او شریک قائل شوند.

"خالق" خداوند خالق و آفریننده تمام موجودات است.

"بارئ" او آفریننده و صورت دهنده است که اشیاء را از عدم به وجود می کشاند.

"مُصَوِّر" او صورت دهنده است.

"یَسْبِغ" آنچه در آسمان و زمین است او را تسبیح می گویند.

هو الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب و الشهادة هو الرحمن الرحیم . هو الله الذی لا اله الا هو الملك

الْقُدُوس السَّلَام المؤمن المهیمن العزیز الجبار المتکبر سبحان الله عما یشرکون . هو الله الخالق البارئ

المصوّر له الاسماء الحسنی یسبغ له ما فی السموات و الارض وهو العزیز الحکیم.(۲۲الی۲۴-۵۹)

عرش الرحمن

عرش مجموع جهان هستی است و احاطه کامل پروردگار و تسلط او بر تدبیر امور آسمانها و زمین بعد از خلقت است. ثم استوی علی العرش.... (۷-۵۴)

او پروردگار عرش عظیم است. او مقتدر است و با عظمتش جهان هستی را در سیطره خود قرار داده است..... و هو ربّ العرش العظيم (۹-۱۲۹)

جهان هستی در ابتدا از مواد مذاب و مایع تشکیل شده است و بعد به صورتهای گوناگون در آسمان و زمین شکل گرفته و بعد در ادامه آیه بعد از سخن گفتن در مورد عرش الهی امتحان بشر را آنیاد آور می شود و نشان می دهد که هدف از آفرینش و خلق انسانها امتحان بزرگ است تا بهترین عمل مشخص شود.

و هو الذی خلق السموات و الارض فی ستة ایام و کان عرشه علی الماء لیبلوکم ایکم احسن عملاً (۱۱-۷)

پروردگار بعد از اشاره به قدرت خالقیت خود در جهان هستی و مسخر شدن آسمان و زمین و فرمانبرداری آن اشاره دارد به اینکه این نظام هستی ابدی نیست و زمان معینی دارد که از آن زمان فقط خداوند خبر دارد.

..... ثم استوی علی العرش و سخر الشمس و القمر کلّ یجری لاجل مسمی... (۱۳-۲)

اگر با خداوند بزرگ خدای دیگری بود این خدایان راهی بسوی صاحب عرش پیدا می کردند و نزاع بین آنان بر سر قدرت در می گرفت.

قل لو کان معه الهة کما یقولون اذاً لابتغوا الی ذی العرش سبیلاً (۱۷-۴۲)

خداوند صاحب عرش و عظمت از این صفات (دو خدائی) دور است.

فسبحان الله ربّ العرش عمّا یصفون (۲۱-۲۲)

خداوند صاحب عرش عظیم است و ملائکه را می بینی که دور عرش او طواف می کنند و ستایش و

تسبیح خدا را دارند.

و ترى الملائكة حافين من حول العرش يسبحون بحمد ربهم... (۳۹-۷۵)

ملائکه در اطراف عرش طواف می کنند و حاملان عرش هستند و ضمن تسبیح و ستایش پروردگار برای ایمان آوردندگان استغفار می کنند.

الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا... (۴۰-۷)

پروردگار بالا برنده درجات است در علم و قدرت بلند مرتبه است و صاحب عرش که سراسر عالم هستی تحت کنترل اوست و روح تحت قدرت اوست.

رفيع الدرجات ذو العرش يلقى الروح من امره على من يشاء من عباده (۴۰-۱۵)

هشت فرشته حامل عرش است و به نظر مفسران و طبق روایتها دو دسته هستند یک دسته نوح و

ابراهیم و موسی و عیسی و دسته دیگر محمد(ص) و علی(ع) و حسن(ع) و حسین(ع)

..... و يحمل عرش ربك فوقهم يومئذ ثمانية (۶۹-۱۷)

كرسى الرّحمن

بعضی از روایات ظاهر است که کرسی قائم به عرش است و آنچه در عالم جاری می شود از عرش به کرسی و از کرسی به عالم می رسد. و بعضی از مفسرین می گویند وسعت کرسی بیشتر از عرش است. ابی عبدالله(ع) در کافی: فضل و فزونی کرسی بر عرش مانند بزرگی بیابان بر یک حلقه آهن است.

... و لا یحیطون بشی من علمه الا بما شاء وسع کرسیه السموات و الارض (۲-۲۵۵)

خالق

الله خالق الشمس والقمر والنجوم

خداوند شکافنده صبح است و شب را مایه آرامش قرار داد و حرکت خورشید و ماه حساب شده است

میلیونها سال کره زمین به دور خورشید و ماه به دور زمین گردش می کند و این گردش حساب شده و لحظه ای پس و پیش نمی شود ارتباط این پدیده های آسمانی نتیجه وجود جو زمین می باشد. فالق الاصباح و جعل اللیل سکناً و الشمس و القمر حساباناً ذلک تقدیر العزیز العظیم (۶-۹۶)

خورشید را روشنائی و قمر را نور و برای قمر منزلگاهی قرار داد و از این گردش آنچه حاصل می شود تقویم سال است.

هو الذی جعل الشمس ضیاءً و القمر نوراً و قدره منازل لتعلموا عدالسنین و الحساب (۵-۱۰)

مسخر شدن خورشید و ماه و ایجاد پدیده شب و روز در حرکتی دائمی

و سخر لكم الشمس و القمر دائبین و سخر لكم اللیل و النهار (۳۳-۱۴)

آیا ندیدی که خداوند چگونه سایه را گسترده ساخت سایه ای بعد از طلوع فجر و قبل از طلوع آفتاب آنگاه سایه را به آهستگی جمع می کند و نظام سایه و آفتاب در قسمتهای مختلف زمین در گردش است و سایه در قسمتی از زمین از بین می رود و در مناطق دیگر به حداقل می رسد و اگر سایه ها یکدفعه از بین می رفت زیان بار بود.

ألم تر الی ربک کیف مدّ الظل و لو شاء لجعله ساکناً ثم جعلنا الشمس علیه دلیلاً- ثم قبضناه الینا قبضاً یسیراً (۴۵ الی ۴۶-۲۵)

برج های آسمانی و صورت فلکی که خورشید و ماه در هر فصل و موقعی در برابر یکی از آنها قرار می گیرد. تبارک الذی جعل فی السماء بروجاً (۶۱-۲۵)

داخل کردن شب در روز و روز در شب و مسخر شدن خورشید و قمر که تماماً تا مدت معینی حرکت آنها جریان دارد و آن در حکمت الهی است.

الم تر انّ الله یولج اللیل فی النهار و یولج النهار فی اللیل و سخر الشمس و القمر کل یجری الی اجل مسمی و انّ الله بما تعملون خبیر (۲۹-۳۱)

شهاب شعله های مخصوص در آسمان که از سوختن سنگهای آسمانی در آسمان بصورت تیر شهاب دیده می شود. این سنگها در فضا پراکنده است و با برخورد با هوای زمین مشتعل و برافروخته

می شود و به هر موجودی برخورد کند آنرا سوراخ و آتش می زند.
فاتبعه شهاب ثاقب (۱۰-۳۷)

اسرار بزرگ در ستارگان است. والنجم اذا هوى (۱-۵۳)
ساعت قیامت نزدیک است. اقتربت الساعة وانشق القمر (۱-۵۴)
خورشید و ماه با حساب منظم و دقیق در منظومه شمسی.
الشمس و القمر بحسبان (۵-۵۵)

جایگاه ستارگان و وقوع و سقوط ستارگان در روز قیامت.
فلا اقسم بمواقع النجوم (۷۵-۵۶)
سخن از قیامت و وحشت چشم ها. فاذا برق البصر (۷-۷۵)
قیامت و بی نور شدن ماه. و خسف القمر (۸-۷۵)
قیامت و جمع شدن ماه و خورشید (۹-۷۵)
قیامت و محو شدن ستارگان. و اذا النجوم طمست (۸-۷۷)
قیامت و در هم پیچیدن خورشید که حرارت خورشید فوق العاده است و باعث تبدیل شدن زمین به
مشتی گاز می شود. اذا الشمس كورت (۱-۸۱)

بخش ششم

خداوند و باران رحمت

در آیه ابتدا به ساعت قیامت و سپس نزول باران و در ادامه آیه اشاره به رحمتها و آنچه که در تقدیر
انسانها ست در روزی و حیات و مرگ که همه دروسعت علم خداوند است و هیچ یک از انسانها از
روزی فردا و اینکه درچه سرزمینی می میرند خبر ندارند.
ان الله عنده علم الساعة و ينزل الغيث و يعلم ما فی الارحام و ما تدری نفس ماذا تكسب غداً و ما
تدری نفس بای ارض تموت ان الله علیم خبیر (۳۴-۳۱)

باران رحمت الهی بعد از نا امیدی و مأیوس شدن بنده (گشایش).
و هو الذي ينزل الغيث من بعد ما قنطوا و ينشر رحمته (۲۸-۴۲)

فرو فرستادن باران عذاب بر گناهکاران

خداوند بر قوم لوط باران سنگینی از سنگ فرو فرستاد که آنها را در هم کوبید. این عاقبت مجرمان است. و امطرننا علیهم مطراً فانظر کیف کان عاقبة المجرمین (۷-۸۸)
بارانی از سنگ و گلهای متراکم بر سر قوم لوط.
..... و امطرننا علیها حجارة من سجيلٍ منضود (۱۱-۸۲)
بارانهای غیر معمول و وحشتناک و تند بادهای شدید و نابود کننده . و امطرننا علیهم مطراً فساء
مطرا المنذرین (۲۶-۱۷۳)

مسخر کردن باد برای سیر کشتی ها و لقاء درختان

خداوند شما را در دریا و صحرا سیر داد. هو الذی یسیرکم فی البر و البحر
با بادهای ملایم و آرام ، سر نشینان را به سوی مقصد حرکت می دهد و همه شاد و خوشحال.
حتی اذا کنتم فی الفلک و جرین بهم بریح طیبتهو فرحوا بها.
اما ناگهان طوفان شدید در می گیرد و امواج از هر سوء به طرف آنها هجوم می آورد.
جاءتها ریحٌ عاصف و جاءهم الموج من کلّ مکان و ظنّوا انّهم احیط بهم.
سر نشینان دست به دعا بر می دارند که: اگر ما از این مهلکه نجات یابیم سپاسگزاریم.
دعو الله مخلصین له الدین لئن انجیتنا من هذه لنکونن من الشاکرین. (۱۰-۲۲)

باد و نعمتهای فراوان :

۱- بارور کننده (لقاح) ۲- انزال باران (احیاء زمین) ۳- شرب آب ۴- منجمد کردن آب
این ذخیره ها نعمت بزرگی از طرف خداوند است.
و ارسلناه الریاح لواقع فانزلنا من السماء ماءً فاسقینا کموه و ما انتم له بخازنین (۱۵-۲۲)

مسخر کردن باد برای شکست کفار و نابودی تعدادی از اقوام بعثت کفر و عصیان
۱- در جنگ احزاب و یا خندق نابودی دشمن.

اذ جاءتکم جنود فارسنا علیهم ریحاً و جنوداً لم تروها (۳۳-۹)

۲- نابودی اقوام کافر و عصیانگر مثل قوم عاد و ثمود باتند باد شدید و پر صدا و هول انگیز.

فارسلنا عليهم ريحاً صرصراً في أيام نحسات لنذيقهم عذاب الخزي في الحياة الدنيا و لعذاب الآخرة
اخزي و هم لا ينصرون(١٤-٤١)
بادهای عقیم برای نابودی قوم عاد . و فی عاد اذ ارسلنا علیهم الریح العقیم(٤١-٥١)

نزول صاعقه

کسانی که سرگردان هستند و قدرت درک حقایق را ندارند در تاریکی و ظلمت غفلت خود سر میکنند
قرآن این گروه را به کسانی تشبیه می کند که در شب ظلمانی در صاعقه شدید گام بر می دارند ولی
پناهی ندارند و مقصد آنها معلوم نیست در حالیکه انگشت خود را از شدت صاعقه و ترس از مرگ
در گوشهای خود فرو می برند تا آن صدای نهیب و دلخراش را نشنوند.
او کصیب من السماء فيه ظلمات و رعذ و برق يجعلون اصابعهم فی اذانهم من الصواعق حذر الموت
والله محیط بالكافرين (١٩-٢)

قوم موسی و درخواست آنان از موسی برای دیدن خداوند بصورت آشکارا و صاعقه آسمانی بر آنها.
.....فقد سالوا موسی اکبر من ذلك فقالوا اننا لله جهرة فاخذتهم الصاعقه بظلم....(١٥٣-٤)

همه موجودات تسبیح خدا می کنند و رعذ نیز تسبیح و حمد خدا می کند و ارسال صاعقه برطبق
مشیت الهی بر کسانی که در باره خدا ستیز و مجادله می کنند.
و یسبح الرعد بحمده و الملائكة من خيفة و يرسل الصواعق فیصیب بها من یشاء و هم یجادلون فی
الله و هو شدید المحال(١٣-١٣)

صاعقه نابود کننده بر قوم عاد و ثمود بر اساس انتخاب راه نادرست و گمراهی و کوری آنان در
مسیرشان . و اما ثمود فهدیناهم فاستحبوا العمی علی الهدی فاخذتهم صاعقة العذاب الهون بما كانوا
یکسبون.(١٧-٤١)

سر پیچی از فرمان الهی و فرا گرفتن صاعقه در حالیکه مات زده شوند.
فعتوا عن امر ربهم فاخذتهم الصاعقه و هم ینظرون(٤٤-٥١)

آیات در مورد حب ونوی(دانه و هسته)

فهم معنای معاد

نظام خلق آفرینش و مسئله حیات و موت و شکافتن دانه و هسته و زندگی یافتن و شکوفائی زندگی یک دانه از پوسته خارجی خود که با نور الهی بسوی حقّ قد بر می دارد.

انّ الله فالق الحبّ و التّوی یخرج الحیّ من المیت و مخرج المیت من الحیّ ذلکم الله فائی تؤفکون
(۹۵-۶)

زمین خشک و بی حاصل و مرده با آب باران به حرکت در می آید و هر نوع گیاهی بارور میشود .
..... و تری الارض هامة فاذا انزلنا علیها الماء اهتزت و ربت و انبتت من کلّ زوج بهیج(۵ و ۶۳-
(۲۲)

آب باران از آسمان و رویاندن گیاهان و ثمرات (میوه های مختلف در رنگهای متفاوت).
ألم تر انّ الله انزل من السماء فاخرجنا به ثمراتٍ مختلفاً الوانها....(۲۷-۳۵)

مسئله حیات و زندگی از مهمترین دلایل توحید است . خداوند در قرآن می فرماید : ما در آن زمینهای زنده باغهای از نخلها و انگور ها قرار دادیم و چشمه ها در آن جاری کردیم.
..... و جعلنا فیها جناتٍ من نخیل و اعنابٍ و فجّرنا فیها من العیون(۳۴ الی ۳۶ و ۸۰-۳۶)

آیا شما آنها را می رویانید یا ما می رویانیم؟

ءانتم تزرعونه ام نحن الزّارعون(۶۳ الی ۶۵ و ۷۲، ۷۱-۵۶)

بقیه آیات: (۲-۲۲)-(۷-۵۷)-(۳-۱۳)-(۱۴-۳۲)-(۱۹ الی ۲۲-۱۵)-(۱۰-۱۶)-(۵۳ و ۵۴-۲۰)-(۱۹-
(۲۳)-(۷ و ۸-۲۶)-(۶۰-۲۷)-(۴۸، ۲۴، ۱۹-۳۰)-(۱۰-۳۱)-(۲۷-۳۲)-(۹-۳۵)-(۲۱-۳۹)-(۳۹ و ۴۷-
(۴۱)-(۷ الی ۱۱-۵۰)-(۱۰ الی ۱۲-۵۵)-(۱۴ الی ۱۶-۷۸)-(۳۰ و ۳۱-۷۹)-(۲۴ الی ۳۲-۸۰)-(۴ و ۵-۸۷)
(۹۵-۱)

بخش هفتم

خداوند خالق پرندگان و موجودات زنده

هیچ موجود و جنبنده ای در زمین نیست و هیچ پرندهای نیست مگر اینکه امتی مثل شما باشد.
و ما من دابة فی الارض و لا طائر یطیر بجناحیه الا امم امثالکم.....(۶-۳۸)

آیا نمی بینی که آنچه در آسمان و زمین است تسبیح پروردگار خود گوید و هر یک از آنها تسبیح خدا را می داند. ألم تر انّ الله یسبّح له ما فی السموات و الارض و الطیر صافات کل قد علم صلاته و تسبیحه و الله علیم بما یفعلون (۲۴-۴۲)
آیات: (۱۶-۷۹) و (۶۷-۱۹)

خداوند خالق هر موجود زنده از آب است

حیات هر موجود زنده چه انسان و چه حیوان و گیاه همه به آب بستگی دارد و اگر از طین باشد طین هم از آب و خاک تشکیل شده است.
.... و جعلنا من الماء کل شیء حی ا فلا یومنون(۲۱-۳۰)
آیات: (۲۴-۴۵)

چهارپایان

هدف از خلقت چهارپایان استفاده از منافع بسیار آن در پوشاک و خوراک و استفاده از لبنیات آن است و الانعام خلقها فیها دف و منافع و منها تاکلون (۱۶-۵)

آیا در خلقت شتر تفکر کرده اید؟ شتر مزایای بسیاری دارد و با صرفه است . شتر در باربری قابل استفاده است . شتر مسافتهای طولانی را می پیماید از نظر تغذیه هزینه او بسیار کم است . خار و خاشاک می خورد و مقاومت او در برابر گرسنگی بسیار است. از گوشت و شیر او میتوان استفاده کرد.أفلا ینظرون الی الابل کیف خلقت(۱۷-۸۸)

آیات: (۱۴۲ الی ۱۴۴-۶)-(۵ الی ۷ و ۶۶ و ۸۰-۱۶)-(۲۸ و ۳۶-۲۲)-(۲۱ و ۲۲-۲۳)-(۷۱ الی ۷۳-۳۶)-
(۳۹-۶)-(۷۹ و ۸۰-۴۰)-(۴۲-۱۱)-(۴۳-۱۲)

اسب - استر - الاغ

وسائل نقلیه که خداوند آنها را به جهت نیاز بشر خلق کرد و آنها را زینت شما قرار داد .
والخيل والبغال والحمير لتركبوها و زينة و يخلق ما لا تعلمون(۸-۱۶)
و سوگند به اسبان دونده که در میدان جهاد نفس زنان پیش می روند و جرقه آتش از برخورد سمهای
آنها بر زمین ایجاد می شود.والعاديات ضبحاً(۱-۱۰۰)فالموريات قدحاً(۳-۱۰۰).....
آیات دیگر: (۱۴-۳)-(۳۱ الی ۳۳-۳۸)

عسل و خواص درمانی آن

زنبور عسل و خانه و آشیانه او درکوهها و درختان
و اوحی ربک الی النحل ان اتخذی من الجبال بیوتاً و من الشجر و مما یعرشون(۶۸-۱۶)
خداوند به زنبور عسل وحی می کند که از انواع ثمرات گیاهان (گلها) تناول کند و راههایی برای او
تعیین کرده و از درون او نوشیدنی مخصوص خارج می کند با رنگهای مختلف و خواص گوناگون که
برای درمان دردهای انسان مفید است.
ثم کلی من کل الثمرات فاسلکی سبل ربک ذللاً یخرج من بطونها شراب مختلف الوانه فیه شفاء للناس
ان فی ذلک لایة لقوم یتفکرون(۶۹-۱۶)

بخش هشتم

خداوند و خلق انسانها

خداوند انسان را در رحمها شکل داد و بنا بر مشیّت خود صورت بندی کرد.
هو الذی یصورکم فی الارحام کیف یشاء(۶-۳)
انسان را از گل آفرید با ترکیبی از آب و خاک و زمان معینی را برای زندگی او در دنیا قرار داد. و
آن مدت معین یا اجل زود رس است و یا اجل مسمی که مرگ طبیعی است.

و هو الذي خلقكم من طين ثم قضى اجلاً و اجلاً مسمى عنده ثم انتم تمثرون (۲-۶)

خلق شما از یک انسان، با وجود چهره و افکار و تنوع در تمام جنبه های وجودی که جمعی نا پایدار و جمعی پایدار در نطفه.

هو الذي انشاكم من نفس واحدة فمستقر و مستودع قد فصلنا الايات لقوم يفقهون (۹۸-۶)

تو را خلق کرد و صورت بندی کرد و از تو خواست که تکبر نورزی که تکبر مخصوص شیطان است. آن تکبر او را از سجده باز داشت و بهانه اش این بود که او از آتش خلق شده و آدم از خاک. و لقد خلقناکم ثم صورناکم ثم قلنا للملائكة اسجدوا لادم فسجدوا الا ابليس لم یکن من الساجدين (۱۱-۷) و قال ما منعک الا تسجد اذ امرتک قال انا خیر منه خلقتنی من نار و خلقتہ من طین (۱۲-۷) آیات دیگر : (۶۱-۱۱) - (۲۶ و ۲۸ و ۳۳-۱۵) - (۴-۱۶) - (۶۱-۱۷) - (۳۷-۱۸)

شتاب انسان و سفارش قرآن به اینکه شتاب نکن. خلق الانسان من عجل ساریکم ایاتی فلا تستعجلون (۳۷-۲۱)

اگر از رستاخیز شک دارید بدانید ما انسان را از خاک آفریدیم سپس از نطفه و بعد از خون بسته و مضغه بدون شکل و باشکل در مکانی به نام رحم تا مدت معینی و بعد بصورت نوزاد در دنیا تا مدت معینی، هدف رشد و بلوغ و کمال عقل است.

يا ايهاالناس ان كنتم في ريب من البعث فانا خلقناكم من تراب ثم من نطفة ثم من علقة ثم من مضغة مخلقة و غير مخلقة لنبی لكم و نقر فی الارحام ما نشاء الى اجل مسمى ثم نخرجکم طفلاً ثم لتبلغوا اشدکم و منکم و من يتوفى و منکم من یرد الى اذل العمر لكيلا يعلم من بعد علم شيئاً (۵-۲۲) آیات دیگر: (۱۲ و ۱۳) - (۲۳-۱۴) - (۲۴-۴۵) - (۲۵-۵۴) - (۷ و ۸ و ۹-۳۲) - (۱۱-۳۵) - (۳۶-۷۷) - (۱۱-۳۷) - (۷۱ و ۷۶-۳۸) - (۶۴ و ۶۷-۴۰) - (۳۲ و ۴۵ و ۴۶-۵۳) - (۱۴-۵۵) - (۲۴-۵۹) - (۳-۶۴) - (۱۷-۷۱) - (۳۶ الى ۳۹-۷۵) - (۲-۷۶) - (۱۷ الى ۲۰-۸۰) - (۷ و ۸-۸۲) - (۵ الى ۷-۸۶) - (۴-۹۵) - (۲-۹۶)

خداوند بشر را در بهترین صورت از نظر جسمی، روحی، عقلی آفریده و برتوست ای انسان که شایستگی خود را در علم و پیشرفت تحت لوای پرچم توحیدی نشان دهی. تو ای انسان امانت دار هستی.

ایمان به خدا و ملائکه و پیامبران و قیامت

تقدیر (خیر و شر)

علامت متقیان: ایمان بخدا و رسول و کتاب(قران) و آنچه که از قبل نازل شده و ایمان به آخرت.
و الذین یؤمنون بما انزل الیک و ما انزل من قبلک و بالآخرة هم یوقنون(۴-۲)

تنها نماز و روزه و انجام واجبات و مستحبات عمل نیک نیست . پیام قرآن به انسانها شناخت اصول دین و فروع دین و عمل به قران و سنت و انفاق و ایثار و همدردی با دیگران است.
لیس البر ان تولوا وجوهکم قبل المشرق و المغرب و لکن البر من امن بالله و الیوم الآخر و الملائكة و الكتاب و النبیین(۱۷۷-۲)

خدا به بندگان نزدیک است. و خدا به پیامبر می فرماید: هنگامی که بندگان از تو در باره من سؤال می کنند. بگو: من از رگ گردن به شما نزدیکترم. مرا بخوانید تا اجابت کنم شما را. و با ایمان به من راه خود را پیدا خواهید کرد.....اجیب دعوةالداع اذا دعان فلیستجیبوا لی و لیؤمنوا بی لعلمهم یرشدون(۱۸۶-۲)

به دستگیره محکم الهی و نور ایمان چنگ زنید و به شیاطین انس و جن وابسته نشوید هیچ اکراهی در دین نیست با ادامه آیه رشد فکری و عقلی و عملی انسان در "لا اکراه" معنا می گردد.
لا اکراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی فمن یکفر بالطاغوت و یومن بالله فقد استمسک بالعروة الوثقی لا انفصام لها و الله سمیع علیم(۲۵۶-۲)
ایمان به خدا و آنچه بر ما (کتب) نازل کرده و پیامبرانی که فرقی بین آنها نیست هدف تسلیم شدن انسانها در برابر حق و حقیقت گوئی است.

امن الرسول بما انزل الیه من ربه و المومنون کل امن بالله و ملائکة و کتبه و رسله.....(۲۸۵-۲)
و آیه (۸۴-۳)

امر به معروف و نهی از منکر را عاملین و بهترین امت احکام الهی انجام می دهند.
کنتم خیر امة اخرجت للناس تامرون بالمعروف و تنهون عن المنکر و تومنون بالله (۱۱۰-۳)
آیات دیگر: (۱۷۹-۳)-(۱۹۳-۳)-(۱۳۶-۴)

راسخون در علم کسانی هستند که ایمان به خدا و پیامبران و کتب الهی و روز رستاخیز دارند و تسلیم حق هستند.

لكن الراسخون فى العلم منهم و المؤمنون يؤمنون بما انزل اليك و ما نزل(١٦٢-٤)
تنها كسانى مساجد را آباد مى كنند كه ايمان به خدا و روز رستاخيز دارند
انما يعمر مساجد الله من امن بالله و اليوم الاخر(١٨-٩)
وآيات ديگر: (١٩-٩) - (٣-٢٧) - (٤٦-٢٩) - (٢١-٣٤)
آنان كه ايمان آورند و پرهيزگار باشند پس رحمت خدا بر آنهاست. رحمتى به همراه نور كه با آن نور
مسير حق رامى پيمايد. و حُجب ظلمت را از خود دور مى سازد و رحمتى ديگر بخشش گناهان عبد
است. يا ايها الذين آمنوا اتقوا الله و آمنوا برسوله يوتكم كفلين من رحمته و يجعل لكم نوراً تمشون به و
يغفر لكم(٢٨-٥٧) - (٧ و ٨ و ٢٢-٥٧)

جهاد در راه خدا (جهاد اقتصادى) تجارت سود آور در کنار تزكيه نفس - جهاد با مال و جان تا از
عذاب الهى دور مانيد. يا ايها الذين آمنوا هل ادلكم على تجارة تنجيكم من عذاب اليم (١٠-٦١)
و(١١-٦١) - (٨-٦١)

هيچ مصيبتى رخ نمى دهد مگر به اذن خدا. مصيبت بر دو نوع است؛ مصيبتى كه اراده تكوينى
خداوند است و بشر نقشى در آن ندارد مانند مرگ و مير و حوادث ناگوار؛ و مصيبتى كه نتيجه اعمال
انسان است و دامن گير انسان مى شود.

ما اصاب من مصيبة الا باذن الله و من يؤمن بالله يهد قلبه و الله بكل شىء عليم (١١-٦٤) - (٨-٦٤)
(٢٩-٦٧) - (٢٦-٧٠)

كسى كه ايمان به پروردگارش دارد نه از نقصان ترسد و نه از ظلم.
و انا لَمَّا سمعنا الهدى امنا به فمن يؤمن بربّه فلا يخاف بخساً و لا رهقاً (١٣-٧٢)

كسانى كه كافر هستند و حق گرا نيستند نه تصديق دارند نه عبادت كننده. زيرا نتوانستند به يقين و
تصديق برسند. فلا صدق و لاصلى (٣١-٧٥)

الله عالم غیب و شهادت

علم غیب و شهادت : دو نقطه مقابل هم -عالم ما وراء محسوسات و پنهان(غیبت اما م زمان(عج)-
عقیده و ایمان به آخرت و نبوت و امامت)عالم غیب است و عالم شهود عالم محسوسات است.
(۲-۲۵۵)-(۳-۱۷۹)-(۵۹ و ۷۳-۶)-(۷-۱۸۷)-(۱۰-۲۰)-(۱۱-۱۲۳)-(۱۶-۷۷)-(۱۷-۸۵)-
(۱۸-۲۶)-(۲۷-۶۵)-(۳۱-۳۴)-(۳۲-۶)-(۳۳-۶۳)-(۳۴-۴۸)-(۳۵-۳۸)-(۳۹-۴۶)-(۴۱-۴۷)-
(۴۳-۸۵)-(۴۹-۱۸)-(۶۴-۱۸)-(۷۲-۲۷ و ۲۶)-(۴۲ و ۴۳ و ۴۴ و ۴۵-۷۹)

بخش دهم

کلمات الله

علم خداوند به عالم هستی و خلق کلیه موجودات ، آنقدر گسترده است که اگر دریاها مرکب شوند
برای بیان کلمات الهی ، دریاها تمام می شوند قبل از اینکه کلمات تمام شوند و اگر به دریاها اضافه
شود قدرت بیان علم نامتناهی خداوند را ندارد چون علم خداوند فعل اوست.
قل لو كان البحر مدادا لکللمات ربی لنفد البحر قبل ان تنفد کلمات ربی و لو جئنا بمثله مداداً(۱۰۹-۱۸)

اگر تمام درختان روی زمین قلم شود و دریا برای آن مرکب گردد و دریاچه های وسیع به آن افزوده
شود اینها تمام می شود و کلمات خدا که علم بی انتهای اوست پایان نمی گیرد.
و لو انّ ما فی الارض من شجرة اقلام و البحر یمد من بعده سبعة ابحر ما نفدت کلمات الله انّ الله
عزیز حکیم(۲۷-۳۱)

اجل حتمی و مقدر

مرگ بنا بر اذن خداست . مرگ در لوح محفوظ برای بشر نوشته شده و کسی نمی تواند از آن فرار
کند . شاکر کسی است که دنیا را مزرعه آخرت قرار دهد و دنیا را بخاطر دنیا نخواهد بلکه برای
آخرت و رشد معنویات.

و ما كان لنفس ان تموت الا باذن الله کتاباً مؤجلاً و من یرد ثواب الدنیا نؤته منها و من یرد ثواب
الآخرة نؤته منها و سنجزی الشاکرین(۱۴۵-۳)

در شکست جنگ احد خداوند به افراد سست ایمان که می گفتند"اگر ما بر حق بودیم سهمی از
پیروزی داشتیم و این همه کشته نمی دادیم". فرمودند:در خانه هایشان هم بودند اگر مرگ مقرر می شد

يقولون لو كان لنا من الامر شيء ما قتلنا ههنا قل لو كنتم في بيوتكم لبرز الذين كتب عليهم القتل الى مضاجعهم.....(۱۵۴-۳)

خداوند شما را از گل آفرید و دو اجل برای انسان قرار داد اجل غیرحتمی (زود رس) و حتمی .
هو الذي خلقكم من طين ثم قضى اجلاً و اجلٌ مسمّى عنده ثم انتم تمترون(۲-۶)

برای هر امتی زمان و مدّت معینی در دنیا است پس از آن مدّت مرگ فرا می رسد و لحظه ای تأخیر و تقدّم ندارد. و لكلّ امّة اجل فاذا جاء اجلهم لا يستاخرون ساعة و لا يستقدمون(۳۴-۷) - و آیه:
(۱۰-۴۹)

هلاکت امتهای پیشین بخاطر ظلم و ستم و غفلت و غرور آنها مقدراتی بوده که از پیش تعیین شده بود و این در کتاب الهی (لوح محفوظ) ثبت است.

ما اهلکنا من قرية الا و لها کتابٌ معلوم(۴-۱۵)-(۵-۱۵)
و آیات:(۵۸-۱۷)-(۴۲ و ۴۳-۲۳)

هیچ موجودی در آسمان و زمین نیست مگر اینکه در کتاب الهی مقرراتش تعیین و ثبت شده است.
و ما من غائبة فی السماء و الارض الا فی کتابٍ مبین(۷۵-۲۷)

ذره ای در آسمان و زمین از علم بی کران او پنهان نیست و همه در کتاب مبین ثبت و ضبط است.
.....لا يعزب عنه مثقال ذرة فی السموات و لا فی الارض و لا اصغر من ذلك و لا اکبر فی کتابٍ
مبین(۳-۳۴) و آیه، (۱۱-۳۵)

هر کار کوچک و بزرگ در نامه اعمال نوشته شده است.
و کلّ صغیر و کبیر مستطر(۵۲ و ۵۳-۵۴)

تمام حوادث دردناک طبیعی مانند زلزله و سیل و طوفان و چه حوادث نفسی مانند مرگ و میر همه در کتاب الهی ثبت است. انجام این کار برای خدا آسان است.
ما اصاب من مصیبة فی الارض و لا فی انفسکم الا فی کتابٍ من قبل ان نبرأها ان ذلك علی الله یسیر
(۲۲-۵۷) و آیات (۳-۵۹) - (۳-۶۵) - (۴-۷۱)

کسی جزء خداوند از ساعت قیامت خیر ندارد. و عده قیامت علمی است نزد خداوند.

قل ان ادري أقریب ما توعدون أم يجعل له ربّي امداً(۲۵-۷۲)

بخش دوازدهم مقدرات رزق

هر کجا باشی روزی در قرارگاه تو بدست تو خواهد رسید. خداوند جایگاه اصلی و سیار تو را می داند تقسیم ارزاق از خداوند و تلاش از تو تا به آنچه در کتاب مبین مقدر گشته برسی. هیچ جنبه ای نیست مگر اینکه رزق او بر خدا واجب است.

و ما من دابة في الارض الا على الله رزقها و يعلم مستقرها و مستودعها كل في كتاب مبین (۶-۱۱)

گسترش زمین و مستقر شدن کوهها بر روی آن و رویاندن گیاهان بر روی زمین در حدّ موزون و فراهم کردن معیشت برای شما و روزی دادن به کسانی که از دایره قدرت شما خارج است همه خزائنی است نزد خدا و بر هر کس به مقدار معلوم نازل می شود.

و الارض مددناها و القینا فیها رواسی و انبتنا فیها من کل شیء موزون (۱۹-۱۵) و جعلنا لکم فیها معایش و من لستم له برزاقین (۲۰-۱۵) و ان من شیء الا عندنا خزائنه و ما ننزله الا بقدر معلوم (۲۱-۱۵)

فقر و ثروت آزمایش الهی است ولی بعضی نعمت خدا را وسیله عجب و سرکشی خود قرار می دهد و دارائی خود را امتیاز و فضیلت در بین زیردستان می داند و این انکار نعمت خداست.

و الله فضل بعضکم على بعض فی الرزق فما الدین فضلوا برادّی رزقهم على ما ملکت ایمانهم فهم فیه سواء أفبنمة الله یجدون (۷۱-۱۶)

خداوند بر هر کس که بخواهد و بر طبق مشیت او روزی را بر مردم گسترش و یا تنگ می گیرد. و آنچه که تکلیف بر بشر است تلاش و کوشش انسان در امر روزی است تا به مقدرات الهی برسد.

ان ربک یبسط الرزق لمن یشاء و یقدر اّنه کان بعباده خبیراً بصیراً (۳۰-۱۷)

خداوند روزی همه را میدهد حتی اگر جنبنده ای در لانه اش روزی نداشته باشد.

و کاین من دابة لاتحمل رزقها الله یرزقها و ایاکم و هو السميع العليم (۶۰-۲۹)-(۶۲-۲۹)

آیا به خداوندی که در دو روز زمین را خلق کرد کافر می شوید و شریک قائل می شوید. (۹-۴۱)

خدائی که در زمین کوهها را قرار داد و منافع و برکاتی در آن قرار داد. و مواد گوناگون با خواص متفاوت در چهار فصل به نسبت نیاز بشر مقدر فرمود.

قل أُنكُم لتكفرون بالذی خلق الارض فی یومین و تجعلون له انداداً ذلک ربُّ العالمین(۹-۴۱) و جعل فیها رواسی من فوقها و بارک فیها و قدر فیها اقواتها فی اربعة اّیام سواءً للسّائلین(۱۰-۴۱)

خزائن آسمان و زمین در دست خداوند است روزی را تنگ می گیرد و یا می گشاید.
له مقالید السموات و الارض بیسط الرّزق لمن یشاء و یقدر اّنه بکل شیء علیم(۱۲-۴۲)-(۱۹-۴۲)

روزی هرکس بنا بر مشیّت الهی و به اندازه نیازبشر به دست اومی رسد. روزی حساب و کتاب دارد و بیشتر از مقدار تعیین شده بدست بشر نمی رسد چون خداوند با آگاهی و بصیرت خود این کار را انجام می دهد تا بشر طغیان نکند.

و لو بسط الله الرزق لعباده لبغوا فی الارض و لكن ینزلّ بقدر ما یشاء اّنه بعباده خبیرٌ بصیرٌ(۲۷-۴۲)

معیشت دنیا بین شما بندگان تقسیم شده است و این رحمت خدا بر شما است و بعضی را بر بعضی برتری دادیم تا برای برقراری نظام اجتماعی ایده آل با هم تعاون کنند.

أهم یقسمون رحمت ربّك نحن قسمنا بینهم معیشتهم فی الحیوة الدّنیة و رفعنا بعضهم فوق بعض درجات لیؤخذ بعضهم بعضاً سخریاً و رحمت ربّك خیرٌ ممّا یجمعون (۳۲-۴۳)

خداوند زمین را رام و مسخر شما قرار داد پس بندگان بر روی زمین قدم بر دارید و برای کسب روزی تلاش کنید و آخرت و حساب و کتاب آن را فراموش نکنید.

هو الذی جعل لكم الارض ذلولاً فامشوا فی مناكبها و كلوا من رزقه و الیه النشور(۱۵-۶۷)
روزی خداوند حتی در بدترین شرایط به شما می رسد ولی لجاجت و طغیان شما را از حقایق دور می کند.(۲۱-۶۷)

رزق آسمانی

آیات: (۲-۵۷) - (۱۱۲-الی-۱۱۵-۵) - (۷-۱۶۰) - (۴۰-۱۳) - (۵-۴۵)

بخش سیزدهم

هدایت و گمراهی

لطف خداوند بر شما هدایت شما است و اگر شما مورد لطف خداوند قرار نمی گرفتید همواره گمراه بودید.واذکروه کما هدیکم و ان کنتم من قبله لمن الضالین (۲-۱۹۸)

خداوند به پیامبر می فرماید : به مردم بگو ، از هوای نفس پیروی نکنید که گمراهی است. و پرستش غیر خدا را نهی کن همانطور که تو نهی شده ای که اگر هدایت نشوند گمراهی است.
قل ائی نهیت ان اعبد الذین تدعون من دون الله قل لا اتبع اهواءکم قد ضللت اذا و ما انا من المهتدین(۶-۵۶)

شناسنامه هدایت و گمراهی افراد دست خداوند است.

ان ربک هو اعلم من یضلّ عن سبیلہ و هو اعلم بالمهتدین(۶-۱۱۷)

خداوند با دو حجت خود حجت ظاهری (رسولان و امامان و کتب) و حجت باطنی (عقل و فکر) جای هیچ گونه عذری نگذاشته است. و اگر می خواست همه را در مسیر هدایت قرار میداد، ولی این امر مخالف تکامل است. قل فله الحجة البالغة فلو شاء لهدیکم اجمعین(۶-۱۴۹)

مشرکان راه شیاطین را در پیش گرفتند و گمان می کردند با طی مسیر گمراهی راه هدایت را انتخاب کرده اند و گروهی هم که راه صحیح هدایت را در رسیدن به حق دانستند.

فريقاً هدی و فريقاً حقّ علیهم الضلالة اثم اتخذوا الشیاطین اولیاء من دون الله و یحسبون اثم مهتدون

(۷-۳۰)

خدا را سپاس که ما را هدایت کرد و اگر او هدایت نمی کرد ما هدایت نمی شدیم.

.....و قالوا الحمد لله الذی هدینا لهذا و ما كنا لنهتدی لو لا ام هدانا لله(۷-۴۳) -و آیه

دیگر، (۷-۱۷۸)

گمراهان چهارپایانی هستند که چیزی را درک نمی کنند و چشم بینا برای دیدن حقایق ندارند و گوش شنوا هم ندارند اینها جن و انسی هستند که جهنم را پر می کنند.

و لقد ذرانا لجهنم کثیراً من الجن و الانس لهم قلوبٌ لا یفقهون بها و لهم اعینٌ لا یبصرون بها و لهم

اذانٌ لا یسمعون بها اولئک کالانعام بل هم اضلّ اولئک هم الغافلون(۷-۱۷۹)

آیات دیگر: (۹-۱۱۵)-(۱۰-۱۰۸)-(۱۳-۲۷)

خداوند پیامبر را با زبان قوم خود و برای هدایت آنها فرستاد تا حقایق برای بشر بازگو شود و آنان هدایت شوند. هدایت اولیّه باینده است بر طبق فطرت پاک انسانی و حجتی که خدا برای او فرستاد و خداوند تکمیل کننده آن هدایت است، و اگر بنده راه ضلالت و گمراهی را انتخاب کند به همان نسبت خداوند تکمیل کننده آن ضلالت است.

و ما ارسلناه من رسول الا بلسان قومه لیبیین لهم فیضّل الله من یشاء و یهدی من یشاء و هو العزیز الحکیم (۴-۱۴)

ای پیامبر هر چه سعی کنی گروه گمراهان را هدایت کنی هدایت نمی شوند، و هر چه بر هدایت آنها حریص باشی و تلاش کنی فایده ندارد. چون خداوند کسی را که گمراه کرد دیگر هدایت نمی شود. ان تحرص علی هُداهم فانّ الله لا یهدی من یضلّ و ما لهم من ناصرین. (۳۷-۱۶)-(۹۳-۱۶)

در شیوه هدایت نخست حکمت و دانستن و بعد اندرزهای نیکو که جنبه عاطفی دارد و بعد اگر تشخیص دادی که ذهن طرف از اندرزهای نادرست پر شده مناظره داشته باش تا ذهن لجوج را از مسائل نادرست خالی کرده تا آماده پذیرش حق شود و خداوند از هر کس بهتر می داند چه کسی گمراه و چه کسی هدایت شده است.

ادع الی سبیل ربّک بالحکمة و الموعظة الحسنة و جادلهم بالتی هی احسن ان ربّک هو اعلم بمن ضلّ عن سبیلہ و هو اعلم بالمهتدین (۱۲۵-۱۶)

بار گناه هر کس به دوش خودش است نه به دوش دیگری. ای بنده حجت بر تو تمام است اگر هدایت شوی نتیجه اش عائد خودت خواهد شد و اگر گمراهی را انتخاب کردی عواقب شومش دامن خودت را می گیرد. و اگر عذاب الهی حتمی شد خودت مقصر هستی. من اهتدی فانّما یهدی لنفسه و من ضلّ فانّما یضلّ علیها و لا تزر وازرة وزر آخری و ما کنا معدّبین حتی نبعث رسولاً (۱۵-۱۷)

آیات دیگر: (۳۴-۵۰)-(۳۹-۴۱)-(۵۳-۳۰)-(۶۸-۷)

ای پیامبر، چه کسی تو را مأوی داد زمانیکه یتیم بودی و چه کسی قلب تو را به نور هدایت روشن کرد و در حالیکه از اسرار نبوت خالی بودی و بر تو رسالت و نبوت و کتاب فرستاد و حقایق را به تو آموخت تا بشر را از بیراه و گمراهی نجات دهی.

ألم یجدک یتیمًا قأوی (۶-۹۴) و وجدک ضالاً فهدی (۶-۹۳)

شفاعت

هیچ کس بدون فرمان پروردگار اجازه شفاعت ندارد زیرا مطلق شفاعت مال خداست. گناهان دو قسم است صغیره و کبیره . گاهی بنده گناه کبیره انجام نمی دهد ولی در گناه صغیره استمرار دارد و این استمرار تبدیل به گناه کبیره می شود. برای جبران گناهان در قیامت شفاعت به اذن خدا انجام می گیرد و یا از طرف کسی که شخص با او ارتباط فعلی و قولی به حق در زمان حیات داشته باشد. و دیگر شفاعت از طرف ملائکه که واسطه فیض الهی هستند که برانسان توبه کار استغفار می فرستند ولی با اذن الهی و دیگر شفاعت ائمه (ع) و پیامبران الهی و مؤمنین و مؤمنات که با اذن الهی انجام می گیرد. الله لا اله الا هو الحي القيوم لا تأخذه سنة و لا نوم له ما في السموات و ما في الارض من ذالذی يشفع عنده الا باذنه.....(۲-۲۵۵)

کسی که اهل ظلم و طغیان و شرک و نفاق باشد شفاعت شامل حال او نمی شود، ولی اگر انسانی دیگر را به کار نیک وادارد و در انجام کار نیک مصمم باشد سهمی از شفاعت دارد. شفاعت سیئه یعنی نهی از شفاعت را نسبت به اعمال بد خواهد داشت.
من يشفع شفاعة حسنة يکن له نصيبٌ منها و من يشفع شفاعة سيئة يکن له كفلٌ منها و كان الله على کل شیءٍ مُّقیتاً(۴-۸۵) آیه دیگر (۱۰-۳)

اذن شفاعت از طرف خدای رحمان است بر کسی که با خداوند عهد و پیمان بسته و در انجام عهد و پیمان خود مصمم است و خود را موظف به اطاعت خدا و ارتباط با مکتب الهی می کند.
لا يملكون الشفاعة الا من اذن له الرحمن و رضی له قولاً(۸۷-۱۹)

حساب و کتاب قیامت در مورد شفاعت کننده و شفاعت شونده دقیق است. و اذن خدا برای شفاعت شامل کسانی است که خداوند از آنها راضی باشد.

يو منذ لا تنفع الشفاعة الا من اذن له الرحمن و رضی له قولاً (۲۰-۱۰۹)

شفاعت روز قیامت به اذن خداوند وبدون اذن میسر نیست. شفاعت کننده و شفاعت شونده روز قیامت دچار اضطراب و نگرانی می شوند و این حالت فقط با اذن الهی بر طرف می شود . مجرمان در قیامت از شافعان سؤال می کنند پروردگار شما چه دستوری داد و پاسخ می شنوند که پروردگار حق رابیان کرد . و لاتنفع الشفاعة عنده الا لمن اذن له حتى اذا فرغ عن قلوبهم قالوا ماذا قال ربکم قالوا

الحق و هو العلیُّ الکبیرُ (۲۳-۳۴)-(۴۴-۳۹)

"یوم الازفة" قیامت و حساب بندگان در یک چشم بهم زدن و در آن روز از شدت هول و ترس جانها به گلوگاه می رسد. تمام وجود آنها پر از اندوه می گردد. و آنان به هرسو نگاه می کنند تا صورت آشنا بیابند ولی به جهت ستمگری شفاعت کننده نمی یابند و نه شفاعت کننده ای که شفاعتش پذیرفته شود. و اندرهم یوم الازفة اذالقلوب لدی الحناجر کاظمین ما للظالمین من حمیم و لا شفیع یطاع (۱۸-۴۰)

آیات دیگر : (۸۶-۴۳) - (۲۶-۵۳) - (۳۸-۷۸)

بخش پانزدهم

اطاعت خدا و رسول و اولی الامر و نتایج حاصل از این اطاعت

کسانی که اطاعت خدا و رسول را دارند مورد رحمت خداوند قرار می گیرند و آنان که از اطاعت سر باز می دارند خداوند آنان را دوست ندارد.

قل اطیعوا الله و الرسول فان تولوا فان الله لا یحبّ الکافرین (۳۲-۳)

اطیوا الله و الرسول لعلکم ترحمون (۱۳۲-۳)

اولی الامر، امامان معصوم یا نمایندگان آنها در طول تاریخ اسلام است. سرانجام نیکو در دنیا و آخرت در اطاعت از خدا و رسول و امامان و نایبان برحق آنان است. اگر در چیزی اختلاف کردید بهترین روش رجوع به خدا و پیامبر است اگر شما به خدا و قیامت اعتقاد داشته باشید. از ایمان و اعتقاد خود دفاع کنید تا خداوند شما را در راه هدایت و فضیلت‌های آن نگهدار باشد.

یا ایّها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم فان تنازعتم فی شیء فرودوه ال الله و الرسول ان کنتم تومنون بالله و الیوم الاخر ذلک خیرٌ و احسن تاویلاً (۵۰-۴)

من یطع الرسول فقد اطاع الله و من تولیٰ فما ارسلناک علیهم حفیظاً (۸۰-۴)-(۹۲-۵)

ای کسانی که ایمان به خدا و رسول او دارید احکام الهی به گوش شما می رسد پس درمسیر اطاعت باشید و روی بر نگردانید.

یا ایّها الذین آمنوا اطیوا الله و رسوله و لا تولوا عنه و انتم تسمعون (۲۰-۸)-(۱-۸)

ای ایمان آورندگان نزاع و کشمکش را کنار بگذارید و گرنه در درگیری عظمت و هیبت خود را از دست خواهید داد و صبر را شیوه ایمانی خود قرار دهید .

و اطیعوا الله و رسوله و لا تنازعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم و اصبروا انّ الله مع الصّابرين (۴۶-۸)

پیامبر و ابلاغ فرامین الهی، و تو ای رسول وظیفه خود را که ابلاغ است آشکارا به همه برسان خواه پند بگیرند و خواه نپذیرند. اگر پذیرفتند در راه اطاعت هستند و اگر قبول نکردند پس آنها مسئول اعمال خود هستند و تو وظیفه خود را انجام داده ای.

قل اطیوا الله و الرّسول فان تولّوا فائّما علیه ما حملّ و علیکم ما حملتم و ان تطیعوه تهتدوا و ما علی الرّسول الاّ البلاغ المبین (۵۴-۲۴)

ای ایمان آورندگان شما کسانی هستید که نماز را برای قرب الهی انجام می دهید. نماز میزان اخلاص شماست هرچه با شکوه تر انجام شود و با دید اینکه گناهکاری در سجاده عشق قرار گرفته برای شما بهتر است. کسی نماز گذار است که زکات "تزکیه" مال و جان خود را مطابق فرمان خدا و رسول بدهد. و اقیموا الصلوة و اتوا الزکوة و اطیعوا الرّسول لعلکم ترحمون. (۵۶-۲۴)

اطاعت خدا و رسول بر مرد و زن واجب است. و اگر اطاعت نباشد گمراهی آشکار است.

..... و من یعص الله و رسوله فقد ضلّ ضلّالاً مبیناً (۳۶-۳۳) .- (۳۳-۳۳)

اطاعت خدا و رسول به روش صحیح بدون بدعت پس مراقب اعمال خود باشید و آن را باطل نکنید. یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرّسول و لا تبطلوا اعمالکم (۳۳-۴۷) - (۱۳-۵۸)

مخالفت شما در اطاعت خدا و رسول مجازاتهای سخت و کیفر شدید برای بشر دارد.

..... و اتقوا الله انّ الله شدید العقاب (۷-۵۹)

آیات دیگر: (۱۲-۶۴) - (۱۶-۶۴)

نتایج حاصله از اطاعت خداوند و رسول

جایگاه اطاعت از خدا و رسول: مخلص در بهشت و رستگاری (۱۳-۴)

محشور شدن با انبیاء و صدیقین (راستگویان در گفتار و زبان) و شهدا (کشته شدگان راه حق و

حقیقت) و صالحین (افراد صالح و شایسته که با اطاعت خود درجاتی را کسب کرده اند). (۶۹-۴)

شفاعت رسول و ائمه(ع) و علماء و شهداء و صالحین از کسانی که ترس از روز "آزفة" (روز قیامت و حساب رسی) دارند چون برای ستمکاران دوستی و شفاعت پذیرفته نمی شود . آیات: (۷۱-۹)-

(۲۴-۵۲)-(۳۳-۷۱)-(۴۸-۱۷)-(۴۹-۱۴)

بخش شانزدهم

دعا و اجابت دعا

دعا ارتباط بین بنده و خدا است . اگر بندگان در باره من پرسیدند ای پیامبر به آنان بگو : من نزدیک آنها هستم و زمانی که مرا بخوانند اجابت می کنم ولی باید دعوت مرا پذیرفته باشند و ایمان آورده باشند.

و اذا سألك عبادي عني فاني قريب أجيب دعوة الداع اذا دعان فليستجيبوا لي و ليؤمنوا بي لعلمهم
یرشدون(۲-۱۸۶)

پاداش به کسانی که تقوی را پیش گرفتند و در مسیر الهی زخمها خوردند ولی باتمام جراحتهای چه در جنگ و غیر جنگ خالصانه و با نیت پاک عمل کردند.الدین استجابوا لله و الرسول من بعد ما اصابهم
القرح للذين احسنوا منهم و اتقوا اجر عظیم(۳-۱۷۲)

استجابت دعا برای کسانی که گوش شنوا به احکام الهی دارند و دعوت پیامبر را لبیک می گویند ، اینان در محل استجابت قرار می گیرند.انما يستجيب الدین يسمعون و الموتى يبعثهم الله ثم اليه
یرجعون(۶-۳۶)

ایمان بندگان و اجابت خداوند :يا ايها الذين امنوا استجيبوا لله و للرسول اذا دعاكم(۸-۲۴)

کسانی که دعوت حق را لبیک نگویند اگر تمام مالکیتهای خود را در روی زمین بدهند سودی ندارد. این گروه حساب سخت و بدی دارند و جایگاه آنان دوزخ است .انتظار اجابت برای آنان نیست.

للذين استجابوا لربهم الحسنى و الذين لم يستجيبوا له ان لهم ما فى الارض جميعاً و مثله معه لاقتدوا به
اولئك لهم سوء الحساب و ماواهم جهنم و بنس المهاد.(۱۳-۱۸)

آیات دیگر: (۲۸-۵۰)-(۴۲-۲۶)-(۴۲-۳۸)-(۴۲-۴۷)

توبه و استغفار

خداوند بخشنده و مهربان است بر بنده ای که توبه کرده و اعمال خود را اصلاح کرده و آنچه که بر خود از حقایق پوشانده بود آشکار کرده و مردم را آگاهی دهد. پس این گروه مورد لطف و عنایت خداوند قرار می گیرند و خداوند رحمت قطع شده خود را بر آنها غالب می سازد.

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَاصْلَحُوا وَبَيَّنُوا فَاُولَئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (۲-۱۶۰)

توبه کنندگان پاکان هستند و خداوند آنها را دوست دارد.

.....إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ (۲-۲۲۲)

توبه کنید و اصرار بر گناه نداشته باشید که با انجام کار زشت بر خود ظلم کرده اید کاری کنید که مغفرت شامل حال شما شود.

وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرِ اللَّهُ لَهُ لَا يَصِّرُوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ (۳-۱۳۵)

کسانی که عمل بد انجام می دهند و در لحظه مرگ بسوی خدا توبه می کنند، توبه آنان پذیرفته نیست و کفار هم که در حال کفر می میرند توبه بر آنها نیست و برای این دو گروه در قیامت عذابی دردناک است. و لیست التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّىٰ إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ إِنِّي تُبْتُ الْآنَ وَلَا الَّذِينَ يَمُوتُونَ وَهُمْ كُفَّارٌ أُولَئِكَ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا (۴-۱۸)-(۴-۱۷)-(۴-۶۴)-(۴-۱۰۶) (۴-۱۱۰)

خداوند مشرکان (مرتد و از دین برگشتگان) را نمی بخشد ولی کمتر از آن را بر هرکس که بخواهد و مصلحت او باشد می بخشد. إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ لِمَنْ يَشْرِكُ بِهِ وَيَغْفِرُ مَادُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ (۴-۱۱۶)

قرین مؤمنین کسانی هستند که توبه کردند و اعمال خود را اصلاح کردند و به ریسمان هدایت الهی چنگ زدند. و دین و ایمان را خالص کردند اجر و پاداش عظیمی نزد پروردگار خود دارند.

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَاصْلَحُوا وَاعْتَصَمُوا بِاللَّهِ وَأَخْلَصُوا دِينَهُمْ لِلَّهِ فَاُولَئِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ وَسَوْفَ يُؤْتِي اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ إِجْرًا عَظِيمًا (۴-۱۴۶)

آیات دیگر: (۵-۳۴)-(۵-۳۹)-(۵-۷۴)-(۶-۵۴)-(۷-۱۵۳)-(۸-۳۳)

افرادی هستند که عمل صالح و ناصالح آنها با هم در آمیخته ولی به گناهان خود اقرار دارند و خداوند برای این گروه می فرماید: امید است که توبه آنها پذیرفته شود.
و آخرون اعترفوا بذنوبهم خلطوا عملاً صالحاً و آخر سيئاً عسى الله ان يتوب عليهم ان الله غفورٌ رحيمٌ (۹-۱۰۲)

صدقه مستقیماً به دست خدا می رسد و صدقه کفاره گناهان بنده است . خداوند توبه پذیر است.
ألم يعلموا ان الله هو يقبل التوبة عن عباده و يأخذ الصدقات و ان الله هو الثواب الرحيم (۹-۱۰۴)

بشارت باد بر توبه کنندگان ، عبادت کنندگان ، حمدگویان، شاکران ، روزه داران ، رکوع کنندگان، سجده کنندگان، و کسانی که امر به معروف و نهی از منکر می کنند و حافظان حدود الهی.
التائبون العابدون الحامدون السائحون الراكعون الساجدون الامرون بالمعروف و الناهون عن المنكر و الحافظون لحدود الله و بشر المؤمنین (۹-۱۱۲)

مسلمانانی که در جنگ تبوک پا بر جا بودند و استقامت کردند و فرار نکردند و سختی ها را تحمل کردند لطف و رحمت خدا بر ایشان بود که از گناه آنها در گذشت و توبه آنها قبول کرد.
لقد تاب الله على النبي و المهاجرين و الانصار الذين اتبعوه في ساعة العسرة من بعد ما كاد يزيغ قلوب فريق منهم ثم تاب عليهم انه بهم رؤوف رحيم (۹-۱۱۷)-(۹-۱۱۸)

استغفار و توبه بنده و دوری او از آلودگیها سبب میشود که خداوند تا مدت معینی او را از زندگی سعادت‌مندانه بهره مند کند که این فضل خدا بر هر صاحب فضیلتی است .
و ان استغفروا ربكم ثم توبوا اليه يمتعكم متاعاً حسناً الى اجل مسمى و يوت كل ذي فضلٍ فضله..... (۱۱-۳)

آیات دیگر: (۱۶-۱۱۹)-(۱۷-۲۵)-(۱۹-۶۰)-(۲۰-۸۲)-(۲۴-۵)-(۲۵-۷۰)-(۲۸-۶۷)-
(۳۹-۵۴)-(۴۰-۳)

گناهان را در نظر بیاور و توبه کن که وعده خدا حق است و قیام کن به نماز و تسبیح خداوند در صبح و شام و صبر و آرامش داشته باش.

فاصبران و عدالله حق و استغفر لذنبك و سبح بحمد ربك بالعشي و الابكار (۴۰-۵۵)

راه خداوند راه حق است پس قیام بر هدایت او داشته باشید و مشرک نباشد زیرا غیر از او خدایی نیست.

قل انما اما بشرٌ مثلکم یوحى الیّ انما الهکم اله واحدٌ فاستقیموا الیه واستغفروه.....(۴۱-۶)
 آیات دیگر: (۲۵-۴۲)-(۱۹-۴۷) - (۱۷ و ۱۸-۵۱) - (۴-۶۶) - (۱۰ و ۱۱ و ۱۲-۷۱)
 توبه نصوح نصیب کسی می شود که دیگر بازگشت به گناه نداشته باشد. پس ای کسانی که ایمان آورده اید بسوی خدا توبه کنید توبه خالص، توبه نصوح که خداوند سینات شما را بپوشاند و شما را در باغهای بهشت ونهرهای آن داخل کند.
 یا ایها الدّین امنوا توبوا الی الله توبه نصوحاً عسی ربکم ان یکفر عنکم سیناتکم و یدخلکم جنّات تجری من تحتها الانهار(۸-۶۶)

نهی از استغفار برای مشرکین و منافقین

برای مشرکین و منافقین استغفار نکن یا اگر استغفار کنی هفتاد بار هم استغفار و طلب آمرزش کنی بدان که هرگز خدا آنها را نمی بخشد.

استغفر لهم او لا تستغفر لهم ان تستغفر لهم سبعین مرّة قلن یغفر الله لهم.....(۸۰-۹)

شایسته نیست که پیغمبر و مؤمنان برای مشرکین طلب آمرزش کنند حتی اگر از نزدیکان آنها باشند زیرا آنها از اهل دوزخ هستند و مخلد در آتش.

ما کان للنّبّی و الدّین امنوا ان یستغفروا للمشرکین و لو کانوا اولی قربی من بعد ما تبین لهم انهم اصحاب الجحیم(۱۱۳-۹)

اگر ابراهیم برای پدرش "آزر" طلب مغفرت کرد بخاطر وعده هائی بود که او به ابراهیم داده بود و زمانی که مشخص شد که "آزر" دشمن خدا است از او برأت جست.

و ما کان استغفار ابراهیم لابیّه الا عن موعده و عدها ایاه فلما تبین له انه عدوٌ لله تبرأ منه انّ ابراهیم لاواه حلیم(۱۱۴-۹) و

(۶۳-۶)

توبه فرعون

ایمان آوردن و توبه کردن به هنگام نزول بلا و در چنگال مرگ فر رفتن هیچ گونه ارزشی ندارد مانند فرعون زمانیکه امواج رود نیل او را می بلعید و او فریاد می زد: "من ایمان آوردم به اینکه جز او خدائی نیست . من ایمان آوردم به آنچه که بنی اسرائیل ایمان آورده اند."

حَتَّىٰ إِذَا ادْرَاكَهُ الْغُرُقُ قَالَ أَمْنٌ إِنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي آمَنْتُ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَ أَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ (۹۰-۱۰)

خداوند به موسی می گوید که به فرعون بگو: اکنون ایمان می آوری در حالی که قبل از این گردنکش و عصیانگر بودی و از مفسدان در روی زمین بودی.

الآن و قد عصيت قبل و كنت من المفسدين (۹۱-۱۰)

بخش هیجدهم

یاس و ناامیدی از رحمت خداوند

ایمان قوی آنگونه است که اگر نعمت از انسان گرفته شود مأیوس نشود و با بخشیدن نعمت از طرف خدا، خود و خدای خود را فراموش نکند که کفران و نا سپاسی است.

و لئن اذقنا الانسان منا رحمة ثم نزعنا ما منه انه ليؤس كفوراً (۹-۱۱)

فقط کافرین و مشرکین از رحمت خدا مأیوس می شوند پس ای برادران یوسف از رحمت خدا مأیوس نباشید بروید دنبال یوسف.

يا بئى اذهبوا فتحسسوا من يوسف و اخيه و لا تايئسوا من روح الله انه لا يايئس من روح الله الا القوم الكافرين. (۸۷-۱۲)

از رحمت خدا نا امید نباشید و این رسیدن به حق است . فقط گمراهان از رحمت خدا ناامید می شوند.

قالوا بشرناك بالحق فلا تكن من القانتين (۵۵-۱۵) - (۵۶-۱۵)

آیات دیگر: (۲۳-۲۹) - (۳۶-۳۰) - (۵۳-۳۹)

ای انسان از دعا خیرخسته نشو . بدان که رحمت خداوند وسعت دارد . ای انسان از شر و بدی (حوادث ناگوار) ناامید و مأیوس نشو .

لا یسئم الانسان من دعاء الخیر و ان مسّه الشرّ فیؤسّ قنوطاً (۴۹-۴۱)

بخش نوزدهم

ملائکة و صفات و عبادت آنها

ملائکة فرشتگانی هستند که در عبادت تکبر نمی ورزند و همواره خدا را تسبیح می گویند .

انّ الدّین عند ربّک لا یتکبرون عن عبادته و یسبّحونه و له یسجدون (۲۰۶-۷)

ملائکة فرشتگانی هستند که شب و روز خدا را تسبیح می گویند و در عبادت سستی از خود نشان

نمی دهند . یسبّحون اللیل و النهار لا یفترون (۲۰-۲۱) و (۱۹-۲۱)

خداوند آسمان و زمین را خلق کرد و ملائکة را رسولانی قرار داد که با دو بال تا چهار بال پیام

رسان به انبیاء باشند و مأموریتهای مختلف را انجام دهند .

الحمد لله فاطر السموات و الارض جاعل الملائكة رسلاً اولی اجنحة مثنی و ثلاث و رباع یزید فی الخلق

ما یشاء انّ الله علی کل شیء قدیر (۱-۳۵)

ملائکة فرشتگانی هستند با مأموریتهای مختلف که در صف ایستاده اند و آماده خدمت هستند . آنها

مردم را از گناه باز می دارند و وسوسه های شیطان را از انسان دور می کنند .

فالزّاجرات زجراً (۲-۳۷)

آنها پی در پی تلاوت دارند . فالتّالیات ذکر (۳-۳۷)

بت پرستان ملائکة را دختران خدا می پنداشتند و آنها در جواب می گویند : هیچ یک از ما نیست

مگر اینکه مقام معلومی داشته باشند .

و ما مئا الا له مقام معلوم (۱۶۴-۳۷)

ما در صف ایستاده ایم و منتظر امر پروردگار هستیم . انا لنحن الصّافون (۱۶۵-۳۷)

ما تسبیح گوی خداوند هستیم . و انا لنحن المسبّحون (۱۶۶-۳۷)

طواف کنندگان بر گرد عرش، ملائکه هستند که دائماً خدا را تسبیح و حمد می گویند و اوامر الهی را اطاعت می کنند و بین مردم به حقّ قضاوت می کنند و سپاس خدا را می گویند.

و ترى الملائكة حافين من حول العرش يسبحون بحمد ربهم و قضى بينهم بالحقّ و قيل الحمد لله ربّ العالمين. (۳۹-۷۵)

آیات دیگر : (۴۰-۷) - (۴۱-۳۸) - (۴۲-۵)

حاملان عرش در روز قیامت هشت فرشته اند { در روایتی چهار نفر از اولین نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و چهار نفر آخر محمد(ص) و علی(ع) و حسن(ع) و حسین(ع) }
و..... و يحمل عرش ربك فوقهم يومئذ ثمانية (۶۹-۱۷)

سوگند به فرشتگانی که بر کشته شده شدید جان مجرمان از بدنهایشان هستند . والنّازعات غرقاً (۷۹-۱)
فرشتگانی که روح مؤمنان را با مدارا و نشاط از بدنهایشان جدا می سازند.
و النّاشطات نشطاً (۷۹-۲)

خداوند از فرشتگان رسولانی همچون جبرئیل و از انسانها فرستادگانی همچون پیامبران الهی بر می گزیند. الله يصطفى من الملائكة رسلاً و من النّاس (۲۲-۷۵)

ای انسان به دنبال حيله و مکر نباش زیرا تمام آنچه که تو می اندیشی و بوی توطئه می دهد فرشتگان ثبت و ضبط می کنند و بدانید که خدا از هر کس در چاره اندیشی و طرح نقشه های کوبنده سریعتر و قادرتر است..... قل الله اسرع مکرراً انّ رسلنا یکتبون ما تمکرون (۱۰-۲۱)

آیا گمان می کنید که اسرار و نجوهای شما را نمی شنویم ، ولی چنین نیست فرشتگان نزد شما حاضرند و آنچه را که شما می گویند می نویسند.

ام یحسبون انّا لا نسمع سرهم و نجواهم بلی و رسلنا لیدیهم یکتبون (۴۳-۸۰)

دو فرشته یکی سمت راست و دیگری سمت چپ ملازم انسان هستند فرشته طرف راست مأمور ثبت کارهای خوب و فرشته سمت چپ مأمور ثبت کارهای بد است.

اذ یتلقى المتلقیان عن الیمین و عن الشّمال قعید (۵۰-۱۷)

هیچ کلامی بر زبان نمی آید جز اینکه فرشته ای آماده است برای ثبت آن.
مایلفظ من قول الّا لدیه رقیب عتید(۱۸-۵۰)

در روز محشر یک سائق و یک شاهد همراه هر انسانی است. سائق که او را به سمت محشر سوق می دهد و شاهد که گواه بر اعمال اوست.

و جاءت کلّ نفس معها سائق و شهید(۲۱-۵۰) و آیات (۱۰ الی ۱۲-۸۲)

خداوند احاطه علمی بر بندگان خود دارد و بر شما حافظانی می فرستد تا اعمالتان را دقیقاً ثبت کند.
و هو القاهر فوق عباده و یرسل علیکم حفظة(۶۱-۶) و (۱۱-۱۳)

خلق آدم و سجده ملائکه بر آدم

خداوند به ملائکه گفت: من در روی زمین خلیفه قرار دادم. ملائکه گفتند: آیا کسی را روی زمین قرار می دهی که فساد و خونریزی کند در حالیکه ما تو را سجده و تقدیس می کنیم. خداوند گفت: من چیزی را می دانم که شما نمی دانید.

و اذ قال ربّک للملائکه ائی جاعل فی الارض خلیفة قالوا أتجعل فیها من یفسد فیها و یسفک الدماء و نحن نسبح بحمدک و نقدس لک قال ائی اعلم ما لا تعلمون (۳۰-۲)

و آیات دیگر(۳۴-۲) و (۱۱-۷) و (۲۸ و ۳۰ و ۳۱-۱۵) و (۶۱-۱۷) و (۵۰-۱۸) و (۱۱۶-۲۰) و (۷۱ الی ۷۴-۳۸)

فرشتگان قبض روح یا موکلان قبض روح

وقتی فرشتگان قبض روح ظالمی را بگیرند به او می گویند: چرا در صفوف کافران قرار گرفتی و با مسلمانان جنگیدی؟

انّ الدّین توفّهم الملائکه ظالمی انفسهم قالوا فیم کنتم(۹۷-۴)

وقتی مرگ فرا رسد فرشتگان قبض ارواح، روح شخص را می گیرند و آنها در انجام این مأ موریت قصور و کوتاهی و یا افراط ندارند.

.....حتی اذا جاء احدکم الموت توقّته رسلنا و هم لا یفرّطون(۶۱-۶)

مرگ نزد ظالمان و ستمگران و تکذیب کنندگان و شدايد مرگ نزد آنان.
.....و لو ترى اذالظالمون فى غمرات الموت و الملائكة باسطوا ايديهم اخرجوا انفسكم....(۶-۹۳)
و (۵۰-۸)

قبض روح انسانهای کافر و مشرک و ندای ملائکه: کجايند خدايانی که می پرستيدید؟
.....حتى اذا جاءتهم رسلنا يتوفاهم قالوا اين ما كنتم تدعون من دون الله....(۷-۳۷)

عذاب سوزنده توسط ملائکه قبض روح که به صورت و پشت کفار می زنند.
و لو ترى اذ يتوفى الدين كفروا الملائكة يضربون و جوههم و ادبارهم و ذوقوا عذاب الله....(۸-۵۰)

تکذیب اعمال توسط ظالمين بهنگام مرگ : ما کار بدی انجام نداديم .
الدين تتوفاهم الملائكة ظالمى انفسهم فالقوا السلم ما لنا نعمل من سوء(۲۸-۱۶) و (۳۲-۱۶)

جان دادن پرهيزکاران: انسانهایی که تقوى پيشه کردند و خود را از آلودگیها محفوظ داشتند. برخورد
فرشتگان با آنها: سلام بر شما . وارد بهشت شويد بخاطر اعمال نيکویی که انجام داديد.
الدين تتوفهم الملائكة طيبين يقولون سلام عليكم ادخلوا الجنة بما كنتم تعملون(۳۲-۱۶)
آيات ديگر: (۳۲-۱۱) و (۲۷-۴۷)

امداد غیبی مسلمانان در بعضی غزوات

جنگ بدر و امداد غیبی مسلمانان توسط سه هزار نفر از فرشتگان .
اذ يقول للمؤمنين ائن يكفيكم ان يمدكم ربكم بثلاثة الاف من الملائكة منزلين (۳-۱۲۴)

یاری کردن پیامبر توسط مسلمانان با صبر و استقامت و امداد غیبی پنج هزار فرشته با نشانه های
مخصوص. بلى ان تصبروا و تتقوا و ياتوكم من فورهم هذا يمددكم ربكم بخمسة الاف من الملائكة
مستومين(۳-۱۲۵)

جنگ بدر و رعب و ترس در وجود کافران و ضربه بر آنان توسط امدادهای غیبی و از کار انداختن
دست و پای آنان از کار. اذ يوحى ربك الى الملائكة ائى معكم فتبتوا الذين امنوا سالى فى قلوب
الدين كفروا الرعب فاضربوا فوق الاعناق و اضربوا منهم كل بنان.....(۸-۱۲) و (۸-۹)

ایمان به ملائکه

نیکوکار کسانی هستند که به خدا و روز رستاخیز فرشتگان و کتابهای آسمانی و پیامبران ایمان بیاورید.....ولكن البر من امن بالله و اليوم الخر و الملائكة و الكتاب و النبیین(۲-۱۷۷)
ملائکه دختران خدا و یا اولاد خدا نیستند

دشمنان دین و قرآن و کافران اهانت عظیمی به ساحت مقدس الهی زده اند . فرشتگان و فرمانبران حق را دختران خدا و یا اولاد او می دانند در حالیکه خود از شنیدن نام دختر ننگ داشتند. آیا خداوند برای شما پسران را آفرید و برای خود دخترانی از فرشتگان برگزید.
أفأصفاكم ربكم بالبنین و أأخذ من الملائكة اناثاً انکم لتقولون قولاً عظيماً (۱۷-۴۰) و (۲-۹۸) و (۱۶-۵۷) و (۲۶ و ۲۷-۲۱) (۱۴۹ الی ۱۵۲-۳۷) (۱۹-۴۳)
کافران ایمان به آخرت ندارند و فرشتگان را دختر خدا می دانند.
انّ الدین لا یومنون بالاخرة لیسمعون الملائكة تسمیة الانثی(۲۷-۵۳)

ملائکه و خازنهای جهنم و یاران آتش

(۳۹-۷۱)(۴۰-۴۹)(۳۰ و ۳۱-۷۴)

جن

خلق جن از آتش

(۱۵-۲۷)(۱۵-۵۵) و آیات دیگر : (۶-۱۰۰)(۱۱۲ و ۱۲۸ الی ۱۳۰-۶)(۷-۳۸)(۱۱-۱۱۹)(۱۱-۸۸) (۱۸-۵۰)(۱۸-۴۱)(۳۴-۴۱)(۳۷-۱۵۸)(۴۱-۲۵)(۲۹ الی ۳۲-۴۶)(۵۱-۵۶)(۳۳ و ۳۹-۵۵)(۱۱ الی ۱۹-۷۲) (۱۱ الی ۶-۱۱۴)

سلیمان و لشگریان جنی

سپاه سلیمان از جن و انسان و پرندگان
و حشر لسلیمان جنوده من الجنّ و الانس و الطیر فهم یوزعون(۱۷-۲۷)
سرعت عمل عفريت جنی در حمل ملکه سبا . قال عفريت من الجنّ انا اتیک به قبل ان تقوم من مقامک(۲۷-۳۹)

کار و فعالیت جنیها در پیش روی سلیمان بفرمان خدا و عذاب جنیان در سرپیچی از فرامین و مرگ سلیمان و افسوس جنیان که از غیب آگاه نبودند و در رنج خفت بار بودند.

....ومن الجنّ من یعمل بین یدیه باذن ربّه و من یزغ منهم عن امرنا نذقه من عذاب السعیر (۱۲-۳۴) (۱۳ و ۱۴-۳۴) و (۳۶ الی ۳۸-۳۸)

بخش بیستم

شیطان — وجوب پناه بردن به خدا

مؤمنان برای دوری از وسوسه های شیطان باید به خدا پناه ببرند.

و اما ینزعک من الشیطان نزع فاستعد بالله انه سمیعٌ علیمٌ (۲۰۰-۷)

نعمتهای خدا را دائماً یاد آور شوید تا از عواقب شوم وسوسه های شیطان دور بمانید. (۲۰۱-۷)

به هنگام قرائت قرآن به خدا پناه ببرید. فاذا قرأت فاستعد بالله من الشیطان الرجیم (۹۸-۱۶)

شیطان تسلطی بر ایمان آورندگان و متوکلین بر خدا ندارد.

انه لیس له سلطان علی الدّین امنوا و علی ربّهم یتوکلون (۹۹-۱۶)

گروه کافران و تسلط شیطان بر آنان، گروهی که رهبری و سرپرستی او را قبول دارند و این رهبری را دوست دارند و شیطان را شریک خدا در طاعت و بندگی قرار می دهند.

انما سلطانه علی الدّین یتولّونه و الذّین هم به مشرکون (۱۰۰-۱۶)

بگو ای پیغمبر: پروردگارا من از وسوسه های شیطان و حضور اغوا کننده و زیانبار او به تو پناه می برم.

قل ربّ أعوذ بک من همزات الشیاطین (۹۷-۴۳) و أعوذ بک ربّ ان یحضرّون (۹۸-۲۳)

خصوصیات شیطان

استکبار شیطان در برابر سجده نکردن به آدم بر اینکه من بهتر از آدم هستم و او از خاک و من از آتش خلق شدم. و اذ قلنا للملائكة اسجدوا لادم فسجدوا الا ابليس ابى و استكبر و كان من الكافرين (۲-۳۴)

اگر به این درخت نزدیک شوید از ظالمین هستید و زمانی که شیطان آنان را فریفت پس از بهشت بیرون شدند و توبه آدم با آموزش خداوند شروع شد و راه هدایت را در هبوط خود به زمین آموخت. و قلنا يا ادم اسكن انت و زوجك الجنة و كلا منها رغداً حيث شئتما و لا تقربا هذه الشجرة فتكونا من الظالمين (۲-۳۶) (۳۷ و ۳۸-۲)

تکبر شیطان و رانده شدن او و مهلت خواستن از خدا تا قیامت و قسم خوردن او بر اغوا بشر از صراط مستقیم از تمام جهات و اخطار خدا به بشر که شیطان شما را نفریبد و گرنه زشتی های شما آشکار می شود. (۱۱ الی ۲۷-۷).

و آیات دیگر: (۳۰ الی ۴۱-۱۵) (۶۱ الی ۶۵-۱۷) (۵۰ و ۵۱-۱۸) (۱۱۶ الی ۱۲۳-۲۰) (۷۳ الی ۸۵-۳۸)

گامهای شیطان در مسیرهای مختلف زندگی شماست و پیروی شما نابودی حتمی است. از دشمن آشکار پیروی نکنید.

.... و لا تتبعوا خطوات الشيطان انه لكم عدو مبين (۲-۱۶۸)

شیطان شما را به انواع بدیها و زشتیها دستور می دهد و شما را وادار می کند که برخدا افتراء ببندید تبعیت از او انحراف تدریجی است.

انما يأمرکم بالسوء و الفحشاء و ان تقولوا علی الله ما لا تعلمون (۲-۱۶۹) (۲۰۸-۲) (۲۶۸-۲)

شیطان بد قرینی است سرنوشت خوبی در دنیا و آخرت ندارد.

..... و من یکن الشیطان له قریناً فساء قریناً (۴-۳۸)

شیطان و گمراهی شما.

... و یرید الشیطان ان یضللهم ضلالاً بعیداً (۴-۶۰)

کید شیطان و دوستان او و مبارزه شما با او چون کیدش و نقشه هایش ضعیف است.

..... فقاتلوا اولیاء الشیطان ان کید الشیطان کان ضعیفاً (۴-۷۶)

شیطان در صورتهای مختلف و نامهای متفاوت و وسوسه های زیاد با آرزو های دور و زیاد و تشویق انسانها به سمت خرافات که لعنت خدا بر او باد و هرکس شیطان را ولی و دوست خود قرار دهد زیان بسیاری برده است. (۱۱۷ الی ۱۲۰-۴)

شراب و قمار و بت پرستی شیوه های شیطان است از آنها اجتناب کنید.
أثم الخمر و المیسر و الانصاب و الازلام رجسٌ من عمل الشیطان فاجتنبوه لعلکم تفلحون (۹۰-۵)
شراب و قمار باعث می شود که بین مردم عداوت و دشمنی ایجاد شود و از یاد خدا غافل شوند.
أثم یرید الشیطان ان یوقع بینکم العداوة و البغضاء فی الخمر و المیسر و یصدکم عن ذکر الله و عن الصلوة فهل انتم منتهون(۹۱-۵)

شیطان زینت گر اعمال بد شماست و در این اعمال زشت به دلیل سخت شدن دلهای شما در برابر بلا ها گریه و زاری نمی کنید.

فلو لا اذ جاء هم باسنا تضرعوا و لكن قست قلوبهم و زین لهم الشیطان ما كانوا یعلمون (۴۳-۶)
(۱۱۲-۶)

مجادله شما با یکدیگر از وسوسه های شیطان است و اگر تسلیم وسوسه های شیطان شوید در وصف مشرکان قرار خواهید گرفت.

.....وان الشیطان لیوحون الی اولیائهم لیجادلکم و ان اطعتموهم انکم لمشركون (۱۲۱-۶)

تغذیه حلال و دوری از حرام خواری که حرام خواری وسوسه شیطان است. و نباید از گامهای شیطان پیروی کنید که او دشمنی آشکار است.

.....کلوا مما رزقکم الله و لا تتبعوا خطوات الشیطان انه لکم عدٌ مبین(۱۴۲-۶)(۲۰۱-۷)(۴۸-۸)

شیطان یک دعوت کننده بیش نیست . او انسانها را به روش خود دعوت می کند همانطور که در قیامت به هنگام حسابرسی می گوید : وعده خدا حق بود و شما را به حق دعوت کرد من هم به شما وعده دادم ولی تخلف از وعده داشتم . پس من تسلطی بر شما نداشتم شما با میل خودتان دعوت مرا قبول کردید. پس مرا ملامت و سرزنش نکنید بلکه خویشتن را سرزنش کنید که دعوت مرا پذیرفتند . پس من فریاد رس شما نیستم و شما هم فریاد رس من نیستید و همانا من می گویم: از آنچه که شما به

آن شرک ورزیدید (طاعت من بر خدا) بیزارم و کافرّم.
و قال الشیطان لمّا قضی الامر انّ الله وعدکم وعد الحق(۲۲-۱۴)

دامهای شیطان وسائل و اسبابی است که در وسوسه ها از آن استفاده می کند و به لشکریانش دستور می دهد که دائماً بر سرطالب راه خواری و ذلت بکوبند و آنان را از بدست آوردن مال حلال دور سازند. و دیگر وعده های دروغین شیطان که خطا را به صورت صواب و باطل را بصورت حق جلوه می دهد. وعده های شیطان وعده نیرنگ و خدعه است.
و استفرز من استطعت منهم بصوتک و اجلب علیهم بخیلک و رجلک و شارکهم فی الاموال و الاولاد
و عدهم و ما یعدهم الشیطان انا غروراً(۶۴-۱۷)

تشویق کفار به کارهای نادرست.

ألم تر انا ارسلنا الشیاطین علی الکافرین تؤزّهم ازّا(۸۳-۱۹)

نفوذ شیطان در دلهای بیمار و مریض و سنگدل.

لیجعل ما یلقى الشیطان فتنه للذین فی قلوبهم مرض والقاسية قلوبهم..... (۵۳-۲۲)(۵۲-۲۲)

گامهای شیطان فحشا و کارهای زشت است. ای کسانی که ایمان دارید مراقب گامهای شیطان باشید.
یا ایها الذین امنوا لا تتبّعوا خطوات الشیطان و من یتبع خطوات الشیطان فانه یأمر بالفحشاء و المنکر(۲۱-۲۴)

شیطان همیشه در حال خوار کردن انسانها است.

.....و کان الشیطان للانسان خذولاً(۲۹-۲۵)

آیا خبر دهم که شیطان بر چه کسی مسلط می شود، بر دروغگوی گنهکار. هل انبئکم علی من تنزل

الشیاطین - تنزل علی کلّ افاک اثیم(۲۲۱ و ۲۲۲-۲۶) و (۲۱۰ الی ۲۱۲-۲۶)

(۱۵-۲۸) و (۲۹-۳۸) و (۲۰ و ۲۲-۳۴) و (۶-۳۵) و (۶۰ الی ۶۲-۳۶)

قرین انسان شیطان است اگر از ذکر خدا غافل شوی و روی گردانی.
و من یعش عن ذکر الرحمن نقیض له شیطاناً فهو له قرین(۳۶-۴۳)(۴۲-۴۳)
(۲۵-۴۷) و (۱۰-۵۸)

حزب شیطان زیانبار است . و هر کس یاد خدا را فراموش کند در حزب و گروه شیطان قرار می گیرد. استحوذ علیهم الشیطان فانساهم ذکر الله اولئک حزب الشیطان الا ان حزب الشیطان هم الخاسرون. (۱۹-۵۸)

دوری از نجوا و درگوشی حرف زدن که ضرر برای دیگری باشد و یا خوار کردن دیگری.
انما التجوی من الشیطان لیحزن الذین امنوا ولیس بضارهم شیئاً الا باذن الله و علی الله فلیتوکل المؤمنون(۱۰-۵۸)

و آیات دیگر: (۱۶ و ۱۷-۵۹)

پناه شما خداوندی است که آفریننده جهان است. مالک انسانها خداوند است نه غیر پس خود را در حزب شیطان وارد نکنید از ترس مردم . در مقام عبودیت و بندگی فقط خداوند را بپرستید. از لغزشها و حقه ها و نیرنگها و آنچه که وسوسه ایجاد می کند به خدا پناه ببرید. (۱۱-۶-۱۱۴)

بخش بیست و یکم

وحی

ای پیغمبر ما به تو وحی دادیم همانگونه که به نوح و انبیاء دیگر وحی دادیم. ابراهیم، اسماعیل، واسحاق،..... انا اوحینا الیک كما اوحینا الی نوح و النبیین من بعده و اوحینا الی ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و الاسباط و عیسی و ایوب و یونس و هارون و سلیمان و اتینا داود زبوراً (۱۶۳-۴)

وحی را قبل از تو بر اشخاصی فرستادیم اگر می خواهی بدانی از اهل ذکر و آگاهان بپرس. و ما ارسلنا قبلک الا رجلاً نوحی الیهم فسلوا اهل الذکر ان کنتم لا تعلمون (۷-۲۱) و (۲۵-۲۱)

انبیاء را امام و رهبر و پیشوا قرار دادیم تا بشر را به فرمان ما در مسیر کارهای نیک و اقامه نماز و ادای زکات هدایت کنند تا مقام عبودیت را کسب کنند.

و جعلنا هم ائمة یهدون بامرنا و اوحینا الیهم فعل الخیرات و اقام الصلوة و ایتاء الزکوة و کانوا لنا عابدین (۷۳-۲۱)

به تو و پیامبران قبلی وحی فرستاده که اگر مشرک شوید و در صف آنان در آید نخست اعمال شما باطل می شود و دیگر اینکه گرفتار خسران و زیان خواهید شد. (تذکر قران به تمام افراد است) و لقد اوحی الیک و الی الدین من قبلک لئن اشرکت لیحبطن عملک و لتکونن من الخاسرین. (۶۵-۳۹)

توصیه به تمام پیامبران: دین را بر پا دارید و در آن تفرقه ایجاد نکنید.

..... ان اقیموا الدین و لا تتفرقوا فیہ..... (۱۳-۴۲) (۲-۴۲)

طریق ارتباط پیامبر با خداوند: خداوند بزرگ و منزّه است و شایسته نیست که او با بشر روبرو شود

مگر از طریق وحی و الهام به قلب یا از پس حجاب یا فرستادن رسول (جبرئیل)

و ما کان لبشر ان یکلمه الله الا وحیاً او من ورائی حجاب او یرسل رسولاً فیوحی باذنه ما یشاء اّنه

علی حکیم (۵۱-۴۲)

وحی به ملائکه

پروردگار به ملائکه وحی فرستاد که من با شما هستم و ایمان آورندگان را ثابت قدم و تقویت نمائید.
اذ یوحی ربک الی الملائکة انی معکم فثبتوا الدین امنوا(۱۲-۸)

وحی به نوح علیه السلام

ای نوح محزون نباش فقط همان کسانی که ایمان آورده اند هدایت شده و دیگر هیچ کس ایمان نمی آورد. و اوحی الی نوح انه لن یؤمن من قومک الا من قد امن فلا تبنئس بما کانوا یفعلون(۳۶ و ۳۷-۱۱)
وحی به نوح و ساختن کشتی و قرار دادن هر جفت از موجودات در آن و فوران آب و غرق شدن از نزدیکان بدون شفاعت. فاحینا الیه ان اصنع الفلک باعیننا ووحینا فاذا جاء امرنا و فار التثور فاسلک فیها من کل زوجین اثنین و اهلک الا من سبق علیه القول منهم و لا تخاطبنی فی الدین ظلموا انهم مغرقون(۲۷-۲۳)

وحی به یوسف علیه السلام

وحی به یوسف که تو در آینده برادران را به کارشان آگاه می کنی در حالیکه آنها نمی فهمند .
..... و اوحینا الیه لتنبئهم بامرهم هذا و هم لا یشعرون(۱۵-۱۲)

وحی به موسی و هارون علیهما السلام

وحی به موسی در مقابله با دشمن ظالم و ستمکار و فتنه برانگیز .
و اوحینا الی موسی ان الق عصاک فاذا هی تلقف ما یأفکون (۱۱۷-۷)
وحی به موسی برای رفع تشنگی قوم و زدن عصا بر سنگ و جوشیدن دوازده چشمه.
..... و اوحینا الی موسی اذ استسقه قومه ان اضرب بعصاک الحجر فانجست منه اثنتا عشرة عیناً
(۱۶۰-۷)

وحی به موسی و هارون در ساختن خانه هائی در شهر که محل قبله قرار گیرند برای اقامه نماز و از این احیاء بشارت بهشت را به مؤمنین ده .

و او حینا الی موسی و اخیه ان تبوا لقومکما بمصر بیوتاً و اجعلوا بیو تکم قبله و اقیموا الصلوة و بشر المؤمنین. (۸۷-۱۰) (۱۳ و ۱۴-۲۰)

وحی به موسی در نجات قوم خود، راه در دریا را در پیش بگیر که نه از غرق شدن بترسند و نه از فرعون . و لقد اوحینا الی موسی ان اسر بعبادی فاضرب لهم طریقاً فی البحر یبسیاً لا تخاف درکاً و لا تخشی. (۷۷-۲۰)

وحی به موسی برای نجات قوم: شما مورد تعقیب هستید شبانه حرکت کن.

و اوحینا الی موسی ان اسر بعبادی انکم متبعون (۵۲-۲۶)

تبدیل دریا به کوه عظیم: وحی به موسی که عصا را به دریا بزن و.....

فاوحینا الی موسی ان اضرب بعصاک البحر فانفلق فکان کل فرق کالطود العظیم (۶۳-۲۶)

وحی به رسول گرامی اسلام حضرت محمد "صلی الله علیه و اله"

داستان کفالت مریم در اخبار غیبی برای حضرت رسول بصورت وحی.

ذلک من انباء الغیب نوحیه الیک و ما کنت لدیهم اذ یلقون اقلامهم ایهم یکفل مریم و ما کنت لدیهم اذ یختصمون (۴۴-۳)

ابلاغ رسالت و انذار مردم ونزول قرآن کریم با وحی.

..... و اوحی الی هذا القران لانذرکم به و من بلغ..... (۱۹-۶)

چرا تفکر نمی کنید ؟ آیا کور و بینا مساوی هستند؟ من فقط پیرو وحی هستم و وحی دستوراتی است که از طرف خدا می رسد..... ان اتبع الا ما یوحی الی قل هل یتوی الاعمی و البصیر افلا تتفکرون (۵۰-۶)

وحی بر رسول، فقط توحید و خداپرستی و از مشرکین دوری کردن.

اتبع ما اوحی الیک من ربک لا اله الا هو و اعرض عن المشرکین (۱۰۶-۶)

آیات دیگر: (۷-۲۰۳)(۱۰-۲)(۱۰-۱۵)(۱۰-۱۰۹)(۱۱-۱۲) (۱۱-۴۹) (۱۲-۳)(۱۲-۱۰۲) (۱۲-۱۰۹) (۱۶-۴۳)(۱۷-۸۴)(۲۷ و ۱۱۰-۱۸)

ای رسول تعجیل نکن تا وحی تمام شود و دائماً بگو پروردگارا علم مرا زیاد کن.
..... ولا تعجل بالقرآن من قبل ان یقضی الیک وحیه و قل ربّ زدنی علماً(۱۱۴-۲۰)

ما بوسیله وحی انذار میکنیم تا مردم را انذار دهی فقط کرها نمی شنوند انذار تو را.
قل انما انذركم بالوحی و لا یسمع الصمّ الدعاء اذا ما یبذرون(۴۵-۲۱)

وحی بر رسول برای تلاوت کتاب و اقامه نماز که نماز از کارهای زشت باز می دارد.
اتلّ ما اوحی الیک من الكتاب و اقم الصلوة انّ الصلوة تنهی عن الفحشاء و المنکر.....(۴۵-۲۹)

آیات دیگر : (۲-۳۳)(۵۰-۳۴)(۳۱-۳۵)(۶۹ و ۷۰-۳۸)

وحی به رسول، این است و جز این نیست، بگو به مردم که من هم بشری مثل شما هستم . خدای شما یکی است و جزء او نیست پس تمام توجه خود را به او داشته باشید و طلب بخشش از او .
قل انما انا بشرٌ مثلکم یوحی الیّ انما الهکم اله واحدٌ فاستقیموا الیه و استغفروه....(۴۱-۶)

وحی خدا بر رسول بر اینکه قرآن را عربی فرستادیم تا مکه و اطراف آن را انذار دهی و هم از سختی آخرت ... و كذلك اوحینا الیک قراناً عربیاً لتنذر امّ القراء و من حولها و تنذر یوم الجمع لا ریب فیہ... (۷-۴۲)(۵۲-۴۲)

صراط مستقیم و راه ولایت نه سبیل های گوناگون و تو بر این صراط هستی پس بروحی در این طریق تمسک جوی. فاستمسک بالذی اوحی الیک انک علی صراط مستقیم(۴۳-۴۳)
(۹-۴۶)(۴ و ۵-۵۳)(۱۰ و ۱۱-۵۳)

قرآن و سخنان بشارت انگیز آن باعث تعجب جنیها شده است.
قل اوحی الیّ انه استمع نفرٌ من الجن فقالوا انا سمعنا قراناً عجیباً(۱-۷۲)

وحی به ملائکه

پروردگار به ملائکه وحی فرستاد که من با شما هستم و ایمان آورندگان را ثابت قدم کنید و تقویت نمائید. اذ یوحى ربك الى الملائکه ائى معکم فنتبوا الذین امنوا.....(۸-۱۲)

وحی به مادر موسی

زمانیکه ما بر مادر موسی وحی فرستادیم، چنان وحی که باعث نجات موسی از چنگال فرعونیان شد.

اذ اوحینا الى امّک ما یوحى(۲۰-۳۸)

او را در صندوق بیفکن و در دریا رها کن . دریا مأ مور است آنرا به ساحل بیفکند تا سرانجام دشمن من و دشمن او وی را برگیرد.

ان اقد فیہ فی الثابوت فاقد فیہ فی الیم فلیلقه الیم بالساحل یاخذہ عدوی و عدو له....

(۲۰-۳۹)

وحی به مادر موسی که موسی را شیر بده.

و اوحینا الى أم موسی ان ارضعیه.....(۷-۲۸)

وحی به حواریین

ما از آنها خواستیم که به من و پیامبر من (مسیح) ایمان بیاورند آنها دعوت ما را اجابت کردند و گفتند : ما ایمان آوردیم و گواه باش که ما مسلمانان هستیم و در برابر خدا تسلیم هستیم.

و اذ اوحیت الى الحواریون ان امنوا بی و برسولی قالوا امنا واشهد باننا مسلمون (۵-۱۱۱)

وحی به زنبور عسل (بصورت الهام غریزی)

خداوند به زنبور عسل وحی فرستاد که خانه هائی از کوهها و درختان و آنچه که مردم می سازند انتخاب کن.

وحی به زمین

در روز قیامت خداوند به زمین وحی می فرستد که تمام اخبارش را بازگو کند. خوبیها و بدیها و خیر و شر انسانها بر زمین ثبت و ضبط است و همه برملا خواهد شد یکی از شهود انسانی در روز قیامت همین زمین است که ناظر اعمال بشر است. یومئذٍ نُحَدِّثُ اخبارها (۹۹-۴) بانّ ربّک اوحی لها (۹۹-۵)

وحی شیطانی (وسوسه)

وحی شیطانی جزء وسوسه چیزی نیست. و انّ الشّیاطین لیوحون الی اولیائهم لیجادلوکم (۶-۱۲۱)

ما برای هر نبی شیطانی از انس و جن قرار دادیم که برخی با برخی دیگر برای اغفال مؤمنان سخنان آراسته و فریبنده اظهار می داشتند و در این امر حکمتی است که اگر خدا می خواست انجام نمی داد. و کذلک جعلنا لکلّ نبیّ عدوّاً شیاطین الانس و الجن یوحی بعضهم الی بعض زخرف القول غروراً و لو شاء ربّک ما فعلوه فذرهم و ما یفترون (۶-۱۱۲)

وحی به زکریا و آموزش عبادت با ایماء و اشاره

زکریا از محراب عبادت خارج شد و به سراغ مردم آمد و با اشاره به آنها چنین گفت: صبح و شام تسبیح پروردگار بگویید.

فخرج علی قومه من المحراب فاوحی الیهم ان سبحوا بکرةً و عشیاً (۱۱-۱۹)

حالات وحی

سخن خدا با نبی بصورت وحی و یا از پس حجاب یا بصورت دحلیه کلبی یعنی ارسال رسول.
وما كان لبشر ان يكلمه الله الا وحياً او من وراء حجاب او يرسل رسولا فيوحى باذنه ما يشاء انه على
حكيم (۴۲-۵۱)

ارسال کتب آسمانی

قرآن را بر تو فرستادیم که تصدیق کننده کتبی است که پیش از قرآن برای هدایت بشر نازل شد.
نزل عليك الكتاب بالحق مصدقاً لما بين يديه و انزل التوراة و الانجيل من قبل هدى للناس و انزل
الفرقان (۳-۳)

و خداوند به عیسی کتاب و حکمت و تورات و انجیل آموخت.
و يعلمه الكتاب و الحكمة و التوراة و الانجيل... (۳-۴۸)(۳-۵۰)

زبور را به داوود دادیم (۴-۱۶۳)

آیات دیگر: (۴۴ و ۴۶ و ۴۷ و ۵-۱۱۰)(۵-۱۵۴)(۶-۱۱۰)(۱۱-۱۱۰)(۱۷-۲)(۲۰-۱۳۳)(۲۱-۴۸)(۲۶-۱۹۶)
(۳۲-۲۳)(۴۰-۵۳)(۴۱-۴۵)(۴۵-۱۷ و ۱۶)(۴۵-۳۶ و ۳۷-۵۳)(۵۷-۲۷ و ۲۶)(۵۷-۱۸ و ۱۹-۸۷)

نزول قرآن بر محمد صلی الله علیه و آله

لكن الله يشهد بما انزل اليك انزله بعلمه و الملائكة يشهدون و كفى بالله شهيداً (۴-۱۶۶)

واسطه نزول

روح القدس (۱۰۲-۱۶) روح الامین (۱۹۳ و ۱۹۴-۲۶) شدید القوی کسی که قدرت عظیمی دارد. (۵-۵۳)
آن کس که در افق اعلی قرار دارد. هو بالافق الاعلی (۷-۵۳) که نزدیک و نزدیک تر میشود

ثمّ دنا فتدلى (۵۳-۸) تا آنکه فاصله او با پیامبر به اندازه دو کمان یا کمتر باشد. فکان قاب قوسین او ادنی (۵۳-۹)

کلمات الهی (صحف مکرمه) در الواحی پر ارزش است که سفیران الهی که والامقام و نیکوکار هستند نزول آنرا به عهده دارند.

بایدی سفره (۸۰-۱۶) کرام برره (۸۰-۱۶)

نزول اولیّه قرآن

ماه رمضان ماه نزول قرآن.

شهر رمضان الذی أنزلَ فيه القرآنُ هدیً للنّاس و بیّنات من الهدی و الفرقان.... (۲-۱۸۵)

نزول قرآن در شبی پر برکت ، شبی که بر اساس حکمت الهی هر امری از امور تبیین می شود.

انا انزلناه فی لیلة مبارکة (۴۴-۳) فیها یفرقُ کلُّ امرٍ حکیم (۴۴-۵)

نزول قرآن امری است از طرف ما بر رسول. من عندنا انا کنا مرسلین (۴۴-۵)

نزول قرآن در شب قدر که شب قدر از هزار شب بهتر است. انا انزلناه فی لیلة القدر و ما ادرک ما

لیلة القدر لیلة القدر خیرٌ من الف شهر (۱ الی ۳-۹۷)

نزول تدریجی قرآن

قرآن که آیات آن را از هم جدا کردیم تا با درنگ بر مردم بخوانی و آنرا بتدریج نازل کردیم .

و قراناً فرقناه لتقرأه علی الناس علی مکثٍ و نزلناه تنزیلاً (۱۷-۱۰۶)

کافران می گویند: چرا قرآن بر پیغمبر یکجا نازل نشد. و قال الذین کفروا لو لا نزل علیه القرآن جملة

واحدةً کذلک لنتبّت به فؤادک و رتلناه ترتیلاً (۲۵-۳۲)

حفظ قرآن

حفظ قرآن بعد از نزول. انا نحن نزلناه الذكر و انا له لحافظون (۹-۱۵)
خداوند به پیامبر می فرماید: در خواندن قرآن پیش از تمام شدن وحی عجله مکن و بگو: پروردگارا
علم مرا افزون کن. و لا تعجل بالقرآن من قبل ان یقضی الیک وحیه و قل رب زدنی علماً
(۱۱۴-۲۰)

با عجله زبانت را تکان نده . لا تحرک به لسانک لتعجل به (۱۶-۷۵) بر ماست جمع و خواندن آن
(۱۷-۷۵) هر گاه آنرا خواندیم از خواندن آن پیروی کن. فاذا قرآناه فاتبع قرآنه (۱۸-۷۵)
بیان و توضیح آن با ماست. ثم ان علینا بیانہ (۱۹-۷۵)
ما به زودی قرآن را بر تو می خوانیم و هرگز فراموش نخواهی کرد. سنقرئک فلا تنسی (۶-۸۷)

ناسخ و منسوخ

هیچ حکمی را نسخ نکردیم مگر بهتر از آن یا همانند آن را جانشین می کنیم .
ما ننسخ من آیه او ننسها نات بخیر منها او مثلها ألم تعلم ان الله علی کل شیء قدیر (۱۰۶-۲)

محکم و متشابه

خداوند قرآن را بر تو نازل کرد . بخشی از آن آیات محکم که آن ام الكتاب است و بخشی از آن
متشابه است که پیچیده است . آنانی که قلوبشان انحراف است متشابه را به رأی خود تفسیر کرده و از
آن پیروی می کنند تا فتنه انگیزی کنند در حالیکه تأویل متشابه را جزء خداوند و راسخون در علم
کسی نمی داند.

هو الذی انزل علیک الکتاب منه آیات محکمت هن ام الكتاب و اخر متشابهات فاما الذین فی قلوبهم
زیغ فیتبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنه و ابتغاء تأویله و ما یعلم تأویله الا الله و الراسخون فی العلم
یقولون امنا به کل من عند ربنا و ما یدکر الا اولوالالباب (۷-۳) و آیه محکم (۱-۱۱)

خداوند بهترین سخن را نازل کرده است (احسن الحدیث در قرآن) که دارای آیات مشابه است که هیچ گونه تضادی در آن نیست و دارای آیاتی مکرر (تکرار اندرزها) که از شنیدن آن وجود انسان می لرزد و از پروردگارش می ترسد (در این مرحله او آماده پذیرش احکام الهی می شود) سپس تمام وجودش متوجه ذکر خدا می شود و کلام خدا را به نرمی می پذیرد .
الله نزل احسن الحدیث کتاباً متشابهاً مثانی تقشعراً منه جلودُ الذین یخشون ربهم ثم تلین جلودهم و قلوبهم الی ذکر الله (۲۳-۳۹)

تفصیل و بیان قرآن و آیات

فقط خدا ست که کتاب را برای شما فرستاد که بیان کننده همه چیز است.
أفغیر الله ابتغی حکماً و هو الذی انزل الیکم الکتاب مفصلاً.... (۱۱۴-۶)
این کتاب هدایت و رحمت است. (۵۲-۷)
این کتاب تصدیق کتب پیشین است و شکی در آن نیست و وحی از طرف خداست نه غیر خدا.
و ما کان هذا القرآن ان یفتری من دون الله و لکن تصدیق الذی بین یدیه و تفصیل الکتاب لا ریب فیه من رب العالمین (۳۷-۱۰) و (۱۱-۱) و (۱۱۱-۱۲)

تفصیل قرآن و فهمیدن آن نیاز به علم دارد گر چه به زبان عربی است ولی برای مردمی است که علم داشته باشند، و اگر عربی نبود عربها ایمان نمی آوردند.
کتابُ فصّلت آیاته قرانه عربیاً لقوم یعلمون (۳-۴۱) و (۴۴-۴۱)

را قرآن ثابت است و متغیر نیست . آیات بیان کننده حق است و هدایتگر مردم به راه مستقیم ، فقط انسانهای پند پذیر می توانند ثابت و پا بر جا در مسیر هدایت باشند.
و هذا صراط ربک مستقیماً قد فصّلنا الایات لقوم یدّگرون (۱۲۶-۲)
(۵۵-۶) و (۹۸ و ۹۷-۶) و (۱۲۶-۶) و (۳۲-۷) و (۱۷۴-۷) و (۱۱-۹) و (۵-۱۰) و (۲۴-۱۰) و (۲-۱۳) و (۲۸-۳۰)

تأویل

تأویل تفسیر نیست و تأویل را خدا و ائمه اطهار (ع) می دانند.
و ما يعلم تأویله الا الله و الراسخون فی العلم یقولون امنا به کلمن عند ربنا.....(۷-۳)
و آیات دیگر در این باب: (۴-۵۹) و (۷-۵۳) و (۱۰-۳۹) و (۱۰۱-۱۲) و (۱۸-۷۸)

اسامی قرآن

کتاب: ذالک الكتاب (۲-۲)

فرقان: و انزل التوریه و الانجیل من قبل هدی للناس و انزل فرقان (۳-۳)

ذکر : انا نحن نزلنا الذکر و انا لحافظون (۹-۱۵)

تنزیل : و انه لتنزیل رب العالمین (۱۹۲-۲۶)

نباء : قل هو نبواً عظیم (۶۷-۳۸)

هدی و موعظه : هذا بیان للناس و هدی و موعظة للمتقین (۱۳۸-۳)

رحمت: هدی و رحمة و بشری للمسلمین (۸۹-۱۶)

نور : انزلنا الیکم نوراً مبیناً (۱۷۴-۴)

بشری : بشری للمسلمین (۸۹-۱۶)

حکمة : حکمة بالغه (۵-۵۴)

حکیم : یس و القرآن حکیم (۲۱-۳۶)

مهیمن : مصدقاً لما بین یدیه من الكتاب و مهیمناً علیه (۴۸-۵)

حبل : و اعتصموا بحبل الله جمیعاً (۱۰۳-۳)

شفاء : و ماننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین (۸۲-۱۷)

قرآن شفاء است برای درمان بیماریهای روحی از قبیل کفر – نادانی گمراهی-کینه...
صراط مستقیم : انّ هذا صراطی مستقیماً – همان قرآن ناطق ائمه (ع) است.

مثنی : الله نزل احسن الحدیث کتاباً متشابهاً مثنی تقشعراً منه جلود..... (۲۳-۳۹)

روح : و كذلك اوحینا الیک روحاً من امرنا (۵۲-۴۲)

مجید : ق و القرآن المجید (۱-۵۰)

عزیز : اِنَّهٗ لَكِتَابٌ عَزِيْزٌ (۴۱-۴۱)
 بلاغ : هٰذَا بَلٰغٌ لِلنَّاسِ و لِيُنذِرُوْا بِهِ (۱۴-۵۲)
 برهان : يَا اَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بِرَهَانٍ مِّن رَّبِّكُمْ (۴-۱۷۴)
 کریم : اِنَّهٗ لَقُرْآنٌ كَرِيْمٌ (۵۶-۷۷)
 قیماً : قِيْمًا لِّيُنذِرَ بَاْسًا شَدِيْدًا مِّنْ لَّدُنْهٖ (۱۸-۲)
 قول : اِنَّهٗ لَقَوْلٌ فَصْلٌ (۶۵-۱۳)
 عظیم : عَنِ النَّبَاِ الْعَظِيْمِ (۷۸-۲)
 بیان : هٰذَا بَيَانٌ لِّلنَّاسِ (۳-۱۳۸)
 علم : مِّنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِّنَ الْعِلْمِ (۳-۶۱)
 عروة الوثقی : فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى (۲-۲۵۶)
 صدق : وَالَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِ (۳۹-۳۳)
 امر : ذٰلِكَ اَمْرٌ مِّنْ اِلٰهِ اَنْزَلَهُ لِيَكُمُ الذِّكْرُ (۵-۶۵) دستور خدا برای هدایت بنده
 مناد : رَبَّنَا اِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْاِيْمَانِ (۳-۱۹۳) ندا برای اجرای دستورات الهی
 صحف مکرّمه : فِيْ صُحُفٍ مُّكْرَمَةٍ (۸۰-۱۳)
 مرفوعة مطهرة : (۸۰-۱۴)
 زبور : و لَقَدْ كَتَبْنَا فِيْ الزَّبُوْرِ (۲۱-۱۰۵)
 کلام : حَتّٰى يَسْمَعَ كَلِمَةَ اللّٰهِ..... (۹-۳۶)
 مبين: حَمِّ و الْكِتَابِ الْمُبِيْنِ (۱ و ۲-۴۴)

تحدّی به قرآن

اگر بر آنچه نازل شده در شک هستید سوره ای مانند آنرا بیاورید و شاهدان و گواهان خود را دعوت کنید.

و ان کنتم فی ریب ممّا نزلنا علی عبدنا فاتوا بسورةٍ من مثله و ادعوا شهداءکم من دون الله ان کنتم صادقین (۲-۲۳)

اگر انس و جن با هم جمع شوند هرگز نخواهند توانست که مانند قرآن را بیاورند نه می توانند و نه خواهند توانست هر چند یکدیگر را کمک کنند.
قل لئن اجتمعت الانس والجنّ علی ان یاتوا بمثل هذاالقران لا یاتون بمثله و لو کان بعضهم لبعض ظهراً
(۱۷-۸۸)

بخش بیست و دو

قیامت

ترس از قیامت، روزی که هیچ کس از دیگری دفاع نمی کند و شفاعتی پذیرفته نمی شود و غرامت و بدلی قبول نمی شود و کسی یاری داده نمی شود .
و اتقوا یوماً لا تجزی نفس عن نفس شیئاً و لا یقبل منها شفاعة و لا یؤخذ منها عدلٌ و لا هم ینصرون
(۲-۴۸) و (۲-۱۲۳)

بشارت به مؤمنین ، ملاقات خدا در روز قیامت (۲-۲۲۳)

قیامت و انفاق: از روزی خود انفاق کنید قبل از اینکه قیامت فرا رسد.
یا ایهاالدّین امنوا انفقوا ممّا رزقناکم من قبل ان یاتی یومٌ لا ینبغ فیهِ و لا خلّة و لا شفاعة و الکافرون هم
الظالمون (۲-۲۵۴)

انسانهای زیانکار بدانند روز قیامت روز جمع کردن همه مردم است.
.... لیجمعنکم الی یوم القیمة لا ریب فیهِ الدّین خسروا انفسهم فهم لا یؤمنون (۶-۱۲)

و آیات دیگر : (۶-۱۵)(۶-۱۳۴)

قیامت و برپائی عدالت و مشخص شدن مؤمن از کافر و انسانهای شقی و سعید و جزاء تکذیب کنندگان
قیامت.

الیهِ مرجعکم جمیعاً (۱۰-۴)(۱۱-۳)(۱۱-۳)(۱۰۳ الی ۱۰۵-۱۱)(۱۴-۳۱)

خداوند می داند چه کسی را عذاب کند و چه کسی را رحم کند.

رُبُّكُمْ اعْلَمُ بَكُمْ اِنْ يَشَاءُ يَرْحَمُكُمْ اَوْ اِنْ يَشَاءُ يَعْذِبُكُمْ وَاِنْ اَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ وَكِيْلًا (۵۴-۱۷)

اختلاف احزاب و گروه ها و وای بر کسانی که از راه حق دور شدند در روز بزرگ قیامت.
(۳۷ و ۳۸-۱۹)

امر خدا و غفلت کسانی که در دنیا ایمان نیاوردند و وای بر آنان در قیامت.
و انذرهم يوم الحسرة اذ قضى الامر و هم فى غفلة و هم لا يؤمنون (۳۹-۱۹)(۲۲-۱)(۲۲-۲)

قیامت و جدا سازی حق از باطل: بین ایمان آورندگان و دینهای دیگر، در قیامت داوری خواهد شد.
اِنَّ الدِّينَ اَمْنًا و الذِّينَ اٰمَنُوْا و الذِّينَ هَادَوْا و الصّٰئِبِيْنَ و النّٰصِرِيْنَ و المَجُوسَ و الدِّينَ اَشْرٰكُوْا اِنَّ اللّٰهَ يَفْصَلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ اِنَّ اللّٰهَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ شٰهِيْدٌ (۱۷-۲۲)(۵۵-۲۲)(۳۷ و ۳۸-۲۴)

پیام رسول خدا: من بر شما از عذاب روز قیامت که روز بزرگی است می ترسم .

اِنِّىْ اَخَافُ عَلَیْكُمْ عَذَابَ یَوْمٍ عَظِيْمٍ (۱۳۵-۲۶)

آیات دیگر: (۳۱-۳۳)(۳۲-۲۵)(۳۵-۴۵)(۴۰-۱۸)(۴۲-۴۷)(۴۵-۲۷)(۵۰-۴۵)(۵۰-۴۹ و ۵۰-۵۶)
(۶۲-۸)(۶۲-۲۴)(۷۲-۲۴ و ۱۷ و ۱۸-۷۳)(۸ و ۹ و ۱۰-۷۴)(۳ و ۴-۷۵)(۷-۷۶)(۱۰ و ۲۷-۷۶)(۳۸ و ۳۹-۷۸)
(۴ الی ۶-۸۳)(۸ الی ۱۰-۸۶)

مؤمنان و ایمان آورندگان

در دنیا آزمایش و در آخرت بهره وری

بهشت از آن مؤمنان با عمل صالح است.

و بَشِّرِ الدِّينَ اَمْنًا و عمل الصّٰلِحٰتِ اِنَّ لَهُمْ جَنّٰتٍ تَجْرِىْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ (۲-۲۵)

ایمان به خدا و حبّ خدا.

.....وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا اَشَدَّ حُبًّا لِلّٰهِ..... (۱۶۵-۲)

ایمان و جهاد و مهاجرت در راه خدا و امید به رحمت او.
انّ الدّین امنوا و الدّین هاجروا و جاهدوا فی سبیل الله اولئک یرجون رحمت الله و الله غفور
رحیم(۲۱۸-۲)

ایمان و انجام فرائض و واجبات. ایمان آورندگان نه حزنی دارند و نه خوفی زیرا نماز بر پا می دارند
و زکات جان و مال خود را پرداخت می نمایند.
انّ الدّین امنوا و عملوا الصالحات و اقاموا الصلاة و اتوا الزکوة لهم اجرهم عند ربّهم و لا خوفٌ علیهم و
لا هم یحزنون(۲۷۷-۲)

مؤمنان صبور هستند.
ای ایمان آورندگان در برابر مشکلات صبر پیشه کنید و در برابر دشمن استقامت کنید و از مرزهای
خود مراقبت کنید. رستگاری در پرهیزگاری شماس.
یا ایها الدّین امنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقوا الله لعلکم تفلحون(۲۰۰-۳)

مؤمنان و عدالت:
ای کسانی که ایمان آورده اید همواره برای خدا قیام کنید و به حق و باعدالت گواهی دهید و کینه ها و
عداوتها ی قومی مانع اجرا عدالت شما نشود .
یا ایها الدّین امنوا کونوا قوامین لله شهداء بالقسط و لا یجرمنکم شنان قوم علی الا تعدلوا اعدلوا هو
اقرب للتقوی(۸-۵)

حزب خدا پیروز است . زیرا ولایت خدا و نبوت و امامت را قبول کردند.
و من یتول الله و رسوله و الدّین امنوا فانّ حزب الله هم الغالبون(۵۶-۵)

مؤمنان و توکل : آنان با یاد خدا دلهایشان ترسان و ایمانشان افزوده تر و همواره بر خدا توکل دارند.
انما المؤمنون الدّین اذا ذکر الله وجلت قلوبهم و اذا تلیت علیهم آیاته زادتهم ایماناً و علی ربّهم یتوکلون
(۲-۸)

علائم و نشانه های زنان و مردان با ایمان:
 زنان و مردان با ایمان دوست و ولی یکدیگر هستند.
 آنان مردم را به نیکی دعوت میکنند.
 دیگران را از زشتیها باز می دارند.
 نماز را بر پا می دارند.
 زکات مال و جان خود را پرداخت می کنند.
 مطیع پروردگار و پیامبر (ص) هستند.
 پس بزودی مشمول رحمت الهی می گردند.
 والمؤمنون و المؤمنات بعضهم اولياء بعض يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنكر و يقيمون الصلوة
 و يؤتون الزكاة و يطيعون الله و رسوله اولئك سيرحمهم الله (۷۱-۹)

آنان که خداوند از آنها راضی است و هم آنها از خدا راضی هستند.
 مهاجرین و انصار پیشگامان نخستین از نصرت دهندگان و یاری دهندگان و اولین کسانی که اسلام را
 یاری کردند حضرت خدیجه (س) و حضرت علی (ع) از رستگاران هستند.
 والسابقون الاولون من المهاجرین و الانصار و الدین ائبعوهم باحسان رضی الله عنهم و رضوا عنه و
 اعدّ لهم جنّات تجري تحتها الانهار خالدین فیها ابدأ..... (۱۰۰-۹)

رستگاری برای زن و مرد مؤمن است.
 آنان در نماز خاشع و در پرداخت زکات عامل، و در حیا و عفت صاحب عزّت، و از فحشاء و
 کارهای منافی عفت دور، در امانت و عهد خود مصمّم، و در نماز سهل انگار نیستند اوقات نماز را
 حفظ می کنند و از لغو و سخنان بیهوده پرهیز دارند. اینان وارثان بهشت برین هستند.
 قد افلح المؤمنون الدین هم فی صلاتهم خاشعون و الدین هم عن اللغو معرضون و الدین هم للزکوة
 فاعلون..... (۱۱-۲۳)

ایمان آورندگان همواره در خشیت الهی بسر می برند پس مراقب اعمال خود می باشند و به آیات الهی
 ایمان دارند.

انّ الدین هم من خشية ربهم مشفقون (۵۷ و ۵۸-۲۳)

صفات مؤمنان و بندگان خالص خدا:

آنان بندگان خالص خداوند هستند .

توأم با آرامش و بدون تکبر در زمین راه می روند.

اگر جاهلان آنان را مورد خطاب قرار دهند در پاسخ سلام می گویند.

و عباد الرحمن الذين يمشون على الرض هوناً و اذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاماً(۶۳-۲۵)

بندگان خاص خدا کسانی هستند که شب را به سجده و قیام می گذرانند.

والذين يبیتون لربهم سجداً و قیاماً(۶۴-۲۵)

دعای آنان دوری از عذاب جهنم است و همواره از کیفر الهی هراسانند.

والذين يقولون ربنا اصرف عنا عذاب جهنم ان عذابها كان غراماً(۶۵-۲۵)

آنان در هنگام انفاق نه اسراف می کنند و نه سخت گیری بلکه اعتدال شیوه آنان است.

و الذين اذا انفقوا لم یسرفوا و لم یقتروا و كان بین ذلك قواماً(۶۷-۲۵)

آنان مشرک نیستند و معبود شان خدای یکتاست و به نفوس انسانی احترام می گذارند و نفسی را به قتل

نمی رسانند جزء به حق زنا نمی کنند. اینان به عقوبت و مجازات الهی واقف اند.

والذين لا یدعون الهاً آخر و لا یقتلون النفس التي حرم الله الا بالحق و لا یزنون و من یفعل ذلك یلق

اثاماً(۶۸-۲۵)

آنان شهادت به باطل نمی دهند . و هنگامیکه با لغو و کارها و سخنان بیهوده روبرو می شوند

بزرگوارانه از آن می گذرند و خود را آلوده نمی کنند. (امر به معروف و نهی از منکر آنان توأم با

بزرگواری است و خودشان هم آلوده به گناه نمی کنند.)

و الذين لا یشهدون الزور و اذا مروا باللغو مروا کراماً(۷۲-۲۵)

بندگان خالص خدا همواره برای همسران و فرزندان خود دعا می کنند .
و الدّین يقولون ربّنا هب لنا من ازواجنا و ذریّاتنا قرّة اعین و اجعلنا للمتّقین اماماً (۷۴-۲۵)

پس ای مؤمنان بدانید بهشت مسکن و مأوی شماست
فانّ الجنّة هی المأوی (۴۱-۷۹)

آیات دیگر: (۲ و ۴ و ۹ و ۱۰ و ۲۶ و ۱۰۳-۱۰) (۱۱ و ۲۳ و ۱۰۸-۱۱) (۱۸ و ۲۰ و ۲۹-
(۱۳) (۲۳ و ۲۷ و ۳۱-۱۴) (۳۰ الی ۳۲-۱۶) (۹-۱۷) (۲ و ۳ و ۳۰ و ۳۱ و ۳۸ و ۸۸ و ۱۰۷ و ۱۰۸-۱۸)
(۶۰ الی ۶۳-۱۹) (۷۵ و ۷۶-۲۰) (۹۴ و ۱۰۱ الی ۱۰۴-۲۱) (۴ و ۲۳ و ۲۴ و ۵۰ و ۵۶-۲۲)
(۱۰ و ۱۱ و ۵۷ الی ۶۲-۲۳) (۳۷ و ۳۸ و ۵۱-۲۴) (۱۵ و ۷۵ و ۷۶ و ۱۶-۲۵) (۲ و ۳-۲۷)
(۶۷-۲۸) (۲ و ۳ و ۷ و ۹ و ۵۸-۲۹) (۱۵ و ۴۴ و ۴۵-۳۰) (۱۵ الی ۱۹-۳۲) (۲۳ و ۲۴ و ۳۳-۳۵)
(۴۱ الی ۴۴-۳۳) (۴ و ۳۷-۳۴) (۷ و ۳۲ الی ۳۵-۳۵) (۱۱-۳۶) (۴۰ الی ۴۹-۳۷)
(۱۷ و ۱۸-۳۹) (۷ الی ۹-۴۰) (۸ و ۱۸ و ۳۰ و ۳۱ و ۳۲-۴۱) (۲۲ و ۲۳-۴۳) (۶۸ و ۶۹ و ۷۰ الی ۷۳-۴۳)
(۴۶ الی ۷۷-۵۵) (۱۰ الی ۹۱-۵۶) (۱۲ و ۱۹-۵۷) (۲۲-۵۸) (۱۰ الی ۱۳-۶۱) (۲۲-۳۴-۷۰).....

بخش بیست و سه

منافقون

گروهی مسلمان نما ادعای ایمان دارند ولی اعتقاد به خدا و آخرت ندارند.

و من الناس من يقول امنا بالله و باليوم الاخرة و ما هم بمؤمنين (۲-۸)

فریبکار و نیرنگ باز هستند ولی نمی دانند که ضرر این خدعه برای خودشان است.

يخادعون الله و الدين امنوا و ما يخذعون الا انفسهم و ما يشعرون (۲-۹)

در دل‌هایشان مرض و بیماری خاص است. و خدا مرض آنها را می افزاید و عذابی دردناک بجهت تکذیبشان خواهند داشت.

في قلوبهم مرضٌ فزادهم الله مرضاً و لهم عذابٌ اليم بما كانوا يكذبون (۲-۱۰)

ادعای اصلاح طلبی : به آنها گفته می شود که در زمین فساد نکنید می گویند ما اصلاح طلب هستیم.

و اذا قيل لهم لا تفسدوا في الارض قالوا انما نحن مصلحون (۲-۱۱)

منافقین مؤمنین را سفیه و خود را دانا و با ایمان می دانند. وقتی به آنها گفته می شود ایمان بیاورید

می گویند: ایمان بیاوریم مانند سفیهان و نادانان، ولی نمی دانند که سفیه خودشان هستند.

و اذا قيل لهم امنوا كما امن الناس قالوا انؤمن كما امن السفهاء الا انهم هم السفهاء و لكن لا

يعلمون (۱۳ و ۱۲-۲)

منافقین دو رو هستند وقتی با مؤمنان باشند می گویند : ما با شما هستیم و از شما جدا نمی شویم و اگر

با طاغوت و شیاطین خلوت کنند می گویند : ما با شما ایم و اگر با آنها هستیم جزء مسخره بازی چیز

دیگری نیست.

و اذا لقوا الذين آمنوا قالوا امنا و اذا خلوا الى شياطينهم قالوا انا معكم (۲-۱۴)

ولی نمی دانند که خدا آنان را مسخره می کند و در طغیان خود ننگه می دارد .
الله يستهزء بهم و يمُدُّهم في طغيانهم يعمهون(۲-۱۵)

آنان ضلالت و گمراهی را به هدایت ترجیح می دهند.
اولئك الذين اشتروا الضلالة بالهدى.....(۲-۱۶)

آنان از شکست شما خشنود و از رضایت و خشنودی شما غمگین و ناراحت می شوند. در مصیبت شما ادعا می کنند که ما از قبل پیش بینی می کردیم.
ان تصبک حسنة تسؤهم و ان تصبک مصيبة يقولوا قد اخذنا امرنا من قبل و يتولوا و هم فرحون
(۹-۵۰)

آنان کافر به خدا و رسولش هستند و انفاق آنها مقبول نیست.
.....ان تقبل منهم نفقاتهم الا انهم كفروا بالله و برسوله....(۹-۵۴)

آنان نماز نمی گذارند مگر از روی کسالت و ناراحتی
و لاياتون الصلوة الا و هم كسالى.....(۹-۵۴)

انفاق نمی کنند مگر از روی کراهت و اجبار.
و لا ينفقون الا و هم كارهون(۹-۵۴)

منافقین پیامبر را آزار می دهند و می گویند او آدم خوش باوری است.
و منهم يؤذون النبي و يقولون هو اذن.....(۹-۶۱)

منافقین برای ایجاد نفاق بین مؤمنین مسجد ضرار ساختند تا کفر را بین آنها ایجاد کنند. ولی وحی الهی به پیامبر او را متوجه توطئه کرد و ایشان مسجد را به آتش کشاندند.
والذين اتخذوا مسجداً ضراراً و كفراً و تفریقاً بین المؤمنین و ارساداً لمن حارب الله و رسوله من قبل و ليحلفن ان اردنا الا الحسنی و الله يشهد انهم لكاذبون(۹-۱۰۷)

منافقین مغرور و جاه طلب هستند و خداوند هرگز فاسقین را نمی بخشد و برای آنها هر چقدر استغفار و طلب مغفرت کنی فایده ندارد.

سواء عليهم استغفرت لهم ام لم تستغفر لهم لن يغفر الله لهم ان الله لا يهدي القوم الفاسقين(۶-۶۳)

وظیفه پیامبر در برخورد با منافقین

ای پیامبر با کافران و منافقین جهاد کن و به آنها سخت بگیر که جایگاه آنها دوزخ است.
يا ايها النبي جاهد الكفار والمنافقين و اغلظ عليهم و مأواهم جهنم و بس المصير(۷۳-۹)

ای پیامبر بر منافقین نماز میّت نخوان و در کنار قبر آنها برای طلب مغفرت توقف نکن چون کافر و فاسق از دنیا رفتند.

و لا تصلّ علی احد منهم مات ابدأ و لا تقم علی قبره اثم کفروا بالله و رسوله و ماتوا وهم فاسقون
(۸۴-۹)

تقریباً حدود (۱۵۰) آیه در باره منافقین است.

مشرکان(مروری در آیات قرآن)

مشرکان حریص ترین مردم برای ادامه حیات در دنیا هستند. هر کدام از آنها دوست دارند که هزار سال عمر کنند ولی عمر طولانی آنها را از عذاب الهی دور نمی دارد.

و لتجدنهم احرص الناس علی حیوة و من الدین اشركوا ابودّ احدثهم لو یعمّر الف سنة و ما هو بمزحزحه من العذاب ان یعمّر و الله بصیر بما یعملون(۹۶-۲)

مشرکان قسمی از چهار پایان و زراعت را بر خود ممنوع می کردند بدلیل اینکه آنها را مخصوص بتها و سهم آنها می دانستند مگر آن قسمی که خود بر خود حلال می کردند. و دیگر اینکه سوار شدن بر چهارپایان را حرام کردند و هنگام ذبح اسم بت را می بردند نه اسم خدا، و این افتراء بر خدا بود که بزودی جزاء افتراء بستن خود را خواهند دید.

و قالوا هذه انعامٌ و حرثٌ حجرٌ لا يطعمها الا من نشاء بزعمهم و انعامٌ حُرِّمَتْ ظهورها و انعامٌ لا يذكرون اسم الله عليها افتراء عليه سيجزئهم بما كانوا يفترون(۱۳۸-۶)

طواف كعبه در دوران جاهلیت:

در زمان جاهلیت طواف مشرکان عریان و برهنه با سوت کشیدن و کف زدن همراه بود و می فرمایند: بچشید عذاب شدید الهی را بخاطر کفرتان.

و ما كان صلاتهم عند البيت الا مكاءً و تصدیةً فذوقوا العذاب بما كنتم تكفرون(۳۵-۸)

اعلام برائت و بیزاری از مشرکان:

ورود مشرکان به خانه خدا برهنه و عریان ممنوع شد و آنها حق شرکت در مراسم حج را نداشتند و عهد و پیمان آنها با خدا و رسول از هم گسیخته شد و ملغی شد.

براءة من الله ورسوله الى الذين عاهدتم من المشركين(۱-۹)

مشرکان را هر کجا یافتید (اهل توطئه) به قتل برسانید در غیر از چهار ماه حرام آنها را اسیر کرده و در محاصره خود قرار دهید و راهها را بر آنان ببندید و اگر توبه کردند و نماز بر پا داشتند و زکات دادند آنها را رها سازید.

فاذا نسلخ الا شهر الحرم فاقتلوا المشركين حيث وجدتموهم و خذوهم و احصروهم و اعدوا لهم كل مرصد فان تابوا و اقاموا الصلوة و اتوا الزكوة فحلوا سبيلهم ان الله غفورٌ رحيمٌ(۶-۹)

در خواست پناهندگی مشرکان:

اگر مشرکی از تو پناه خواست او را پناه بده تا کلام خدا را بشنود.

و ان احدٌ من المشركين استجارك فاجرهِ حتى يسمع كلام الله... (۶-۹)

مشرکان تجاوز کارند:

مشرکان در باره هیچ فرد مؤمنی، هیچ عهد و پیمانی را ملاحظه نمی کنند.

لا یرقبون فی مؤمن الا و لا ذمّة و اولئک هم المعتدون(۱۰-۹)

مشرکان حق آباد کردن مساجد مسلمین را ندارند.
و ما کان للمشرکین ان یعمروا مساجدالله.....(۹-۱۷)

ای مؤمنان مشرکین نجس هستند پس نباید نزدیک مسجد الحرام شوند .
یا ایها الدّین امنوا انما المشرکون نجسٌ فلا یقربوا المسجد الحرام بعد عامهم هذا.....(۹-۲۸)

مشرکین معتقدند که فرشتگان دختران خدا هستند و می گویند: برای شما پسران.
ام له البنات و لكم البنون(۵۲-۳۹)

بخش بیست و چهار

صفات مشرکین و کافرین

مشرکان ایمان نمی آورند چه انذار کنی و چه انذار نکنی برای آنها یکسان است.
انّ الذّین کفروا سواءٌ علیهم ء انذرتهم ام لم تنذرهم لا یؤمنون(۲-۶)

دل‌های آنها و گوش‌هایشان مهر نهاده شده و پرده ای بر چشمان آنها ست که حقایق را نمی بیند.
ختم الله علی قلوبهم و علی سمعهم و علی ابصارهم غشاوة و لهم عذابٌ عظیمٌ(۲-۷)

کور و کر و گنگ هستند و اینها هرگز از راه خود باز نمی گردند.
صمٌ بکم عمی فهم لا یرجعون(۲-۱۸)

حضرت داوود و عیسی بن مریم نبینا و آله (ع) کافران از بنی اسرائیل را لعن و نفرین می کردند
زیرا از حدّ خود تجاوز کرده و نافرمانی پروردگار را داشتند.
لعن الذّین کفروا من بنی اسرائیل علی لسان داوود و عیسی ابن مریم ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون.
(۵-۷۸)

آیات الهی را تکذیب می کردند. "آیات الهی را تکذیب نکنید"
و الذّین کذبوا بآیاتنا یمسّهم العذاب بما کانوا یفسقون(۶-۴۹)

اکثر کافرین و مشرکان نعمت خدا را می شناسند ولی بعد از شناخت انکار می کنند. (در عمل می مانند و کوتاهی می کنند)

يعرفون نعمت الله ثم ينكرونها و اكثرهم الكافرون(۸۳-۱۶)

اعراض از ذکر خدا و یاد خدا زندگی و معیشت انسان سخت میشود. و قیامت کور محشور می شود. و من اعرض عن ذکری فانّ له معیشةً ضنکاً و نحشرةً یوم القیمة اعمی (۱۲۴-۲۰)

ای مشرکان چه چیز شما را مخلد در جهنم کرد؟

مؤمنان بهشتی از اهل دوزخ سؤال می کنند چه چیز شما را در دوزخ وارد ساخت؟

مشرکان و مجرمان چهار گناه خود را بر می شمارند:

ما از نماز گزاران نبودیم (توحید را قبول نداشتند)

اطعام مسکین نمی کردیم.

همنشینی با اهل باطل داشتیم.

قیامت را قبول نداشتیم.

و خداوند در آخر می فرماید: شفاعت شامل این گروه نمی شود و در عذاب الهی مخلد هستند.

فی جنّات یتسائلون(۴۰-۷۴) عن المجرمین (۴۱-۷۴) ما سلکم فی سقر(۴۲-۷۴) قالوا لم نک من

المصلّین(۴۳-۷۴) و لم نک نطعم المسکین (۴۴-۷۴) و کنا نخوضُ مع الخائضین (۴۵-۷۴)

و کنا نکذب بیوم الدّین (۴۶-۷۴) حتّی آتانا الیقین (۴۷-۷۴) فما تنفعهم شفاعة الشّافعین(۴۸-۷۴)

مشرکان گور خرابی هستند که از شیر می گریزند.

کأنهم حمرّ مستنفره(۵۰-۷۴) فرّت من قسورة(۵۱-۷۴)

سرنوشت کافران و مشرکین: زنجیر و غلها و شعله ی آتش که برای عذاب آنها مهیا شده است.

انا اعتدنا للكافرین سلاسل و اغلالاً وسعیراً(۲۱-۷۸)

جهنم کمینگاه بزرگی برای آنهاست. انّ جهنم کانت مرصداً(۲۱-۷۸)

جهنم جایگاهی است برای طغیانگران. وللطّاعین مابأ(۷۸-۲۲)

توقف در جهنم مدتهای طولانی. لا بنین فیها احقاباً(۷۸-۲۳)

نوشیدنی گوارا و تسکین دهنده در آن وجود ندارد.

لا ینذوقون فیها برداً و لاشراباً(۷۸-۲۴)

آبی سوزان و مایعی از چرک و خون.

الا حمیماً و غساقاً(۷۸-۲۵)

مجازات و جزاء اعمال موافق حالشان است.

جزاء و فاقاً(۷۸-۲۶)

آیات مشرکین و کافران در قرآن بیش از آنچه است که در اینجا گفته شده است.

بخش بیست و پنج

برزخ

تقاضای باز گشت: وقتی مرگ کافران و منافقان فرا میرسد. آنان فریاد بر می آورند که "ای پروردگار ما را برگردان"

حتیّ اذا جاء احدهم و الموت قال رب ارجعون(۲۳-۹۹)

تا قیامت در برزخ خواهند بود و ادعا دارند که شاید جبران ما فات را بکنیم.

لعلی عمل صالحاً فیما ترکت کلاً انّها کلمةٌ هو قائلها و من ورائهم برزخٌ الی یوم یبعثون(۲۳-۹۹)

قیامت و اسماء آن

اسماء قیامت غالباً با یوم شروع شده است و بیش از یک سوم قرآن در بیان قیامت است.
یوم الدین(۴-۱) الاخرة (۴-۲) یوم القیامة (۸۵-۲) الدار الاخرة (۹۴-۲) الیوم الاخرة (۷۷-۲)
الساعة (۳۱-۶) یوم الحسرة (۳۹-۱۹) یوم البعث (۵۶-۳۰) یوم الفصل (۲۱-۳۷) یوم التلاق (۱۵-۴۰)
یوم الازفة (۱۸-۴۰) یوم الحساب (۲۷-۴۰) یوم التناد (۳۲-۴۰) یوم الجمع (۷-۴۲) یوم الوعيد (۲۰-۵۰)
یوم الخلود (۳۴-۵۰) یوم الخروج (۴۲-۵۰) الواقعه (۱-۵۶) التغابن (۹-۶۴) الحاقه (۱ و ۲ و ۳-۶۹)
القارعة (۴-۶۹) الطامة الكبرى (۳۴-۷۹) الصاخة (۳۳-۸۰) الغاشية (۱-۸۸)

نفخه فی الصّور - الصّیحه

دو یا سه بار نفخه فی الصّور ۱- در پایان دنیا ۲- با نفخه همه می میرند ۳- برپائی قیامت و زنده شدن مردگان
اوست مالک و هر وقت او اراده کند قیامت بر پا میشود.
و هو الذی خلق السّموات و الارض بالحق و یوم یقول کن فیکون قوله الحق و له الملك یوم ینفخ فی الصبور(۷۳-۶)

دمیدن در صور و بر پائی قیامت و جمع شدن انسانها:
و ترکنا بعضهم یومئذٍ یموج فی بعض و نفخ فی الصّور فجمعناهم جمعاً (۹۹-۱۸)

نفخه فی الصّور و جمع شدن گناهکاران در حالی که بدنشان کبود و تیره است.
یوم ینفخ فی الصّور و نحشر المجرمین یومئذٍ زرقاً (۱۰۲-۲۰)

نفخه فی الصّور روزی که نه خویشاوندی بدرد می خورد و نه کمک دیگران
فاذا نفخ فی الصور فلا انساب بینهم یومئذٍ و لا یتسائلون (۱۰۱-۲۳)

نفخه اول در پایان جهان است که هر چه و هر کس در آسمان و زمین است در وحشت فرو می رود مگر کسانی که خدا بخواهد و آنها در پیشگاه پروردگار حاضر می شوند.
و يوم ینفخ فی الصّور ففزع من فی السّموات و من فی الارض الا من شاء الله و کلّ اتوه داخرین (۲۷-۸۷)

زمانیکه نفخه بر پا شود هر کس که مشغول کاری است گرفتار می شود اگر چه که در جنگ و درگیری باشند.

ما ینظرون الا صیحة واحدة تأخذهم و هم یخصّمون (۳۶-۴۹)

آنچنان سرعت دارد که مردم قادر نیستند خود را جمع کنند و یا وصیت کنند و یا مراجعت به سوی خانواده کنند.

و نفخ فی الصّور فاذا هم من الاجداث الی ربّهم ینسلون (۳۶-۵۱)(۳۶-۵۳)(۳۹-۶۸)(۲۰-۵۰)
(۴۲-۵۰)(۶۹-۱۳)(۸-۹-۷۴)

ونفخه فی الصّور و گروه گروه آمدن مردم.

یوم ینفخ فی الصّور فتاتون افواجاً (۷۹-۱۸)

در آن روز زلزله های وحشتناک همه چیز را به لرزه در می آورد. (نفخه اول) و بدنبال آن حادثه بر پائی محشر (نفخه دوم)

یوم ترجف الرّاجفة (۶-۷۹) تتبعها الرّادفة (۷-۷۹)

حشر

حشر جمع شدن و گرد آمدن مردم . ای مردم تقوی پیشه کنید و بدانید که شما بسوی او محشور می شوید.

.....واتقوا الله واعلموا انکم تحشرون(۲-۲۰۳)

چه مرگ طبیعی و چه کشته شدن بسوی او محشور می شوید(باز گشتن)
و لنن مٹم او قتلتم لالی الله تحشرون(۳-۱۵۸)

چه شمائی که استکبار ورزیدید از عبادت خدا و او را اطاعت و بندگی نکردید.
.....و من یستکف عن عبادته و یستکثر فسیحشرهم الیه جمیعاً(۴-۱۷۲)

روز قیامت روزی است که به تمام مشرکین گفته می شود : کجاست معبودهای ساختگی که می پرستید؟

و یوم نحشرهم جمیعاً ثم تقول للذین اشرکوا این شرکاءکم الذین کنتم تزعمون(۶-۲۲)

روز قیامت روز جمع شدن مردم و تمام موجودات زنده است هیچ یک از موجودات چه در زمین و چه در آسمان نیستند مگر همه امتی مثل شما. ما در این کتاب از هیچ چیز کوتاهی نکردیم پس بدانید که تمام شما روز رستاخیز جمع خواهید شد و همه مسئول اعمال خود خواهند بود.
و ما من دابة فی الارض و لا طائر یطیر بجناحیه الا امم امثالکم ما فرطنا فی الکتاب من شیء ثم الی ربهم یحشرون(۶-۳۸)(۶-۷۲)(۶-۱۲۸)

بدانید که خدا بین شخص و قلبش است(از نیت های شما خداوند خبر دارد پس مرقب خود باشید)که بزودی به سوی او بر می گردید.

.....واعلموا ان الله یحول بین المرء و قلبه و انه الیه تحشرون(۸-۲۴)

(۱۰-۲۸)(۱۰-۴۵)(۱۵-۲۵)(۱۷-۹۷)(۱۸-۴۷)

قسم بخدا که ما روز قیامت شما و شیاطین و سوسه گر را جمع می کنیم در حالیکه در اطراف جهنم بزانو در آمده اند.

فَو رَبِّكَ لَنَحْشُرَنَّهْم وَ الشَّيَاطِينِ ثُمَّ لَنَحْضُرَنهْم حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا (۱۹-۶۸)

پرهیزگاران روز محشر به سوی خداوند رحمان محشور می شوند.

يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا (۱۹-۸۵)

کسانی که از یاد پروردگار اعراض کنند زندگانی آنها سخت می شود و در روز قیامت کور محشور می شوند.

وَ مِنْ أَعْرَاضٍ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَ نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ أَعْمَى (۲۰-۱۲۴)

کوران سؤال می کنند ما که در دنیا کور نبودیم چرا حال کور شده ایم.

قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَ قَدْ كُنْتُ بَصِيرًا (۲۰-۱۲۵)

خداوند پاسخ می دهد: تو آیاتی را که بسوی تو آمد فراموش کردی و اکنون وقت فراموشی توست.

قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيتَهَا وَ كَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنسى (۲۰-۱۲۶) - (۲۵-۱۷) - (۲۷-۸۳) - (۳۴-۴۰)

(۲۲ و ۲۳ و ۲۴-۳۷) (۴۴-۵۰) (۶۷-۲۴)

حال مردم در روز قیامت

روز قیامت روزی است که مال و فرزند منفعتی نمی رساند.

يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَ لَا بَنُونَ (۲۶-۸۸)

روز قیامت روزی است که عذرخواهی ظالمین چاره ساز نیست و منفعت ندارد و توبه آنها پذیرفته

نمی شود. فَيَوْمَئِذٍ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَعذرتهم و لَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ (۳۰-۵۷)

یوم تجد کلّ نفس ما عملت من خیرٍ محضراً و ما عملت من سوءٍ تودّ لو انّ بینها امداً بعیداً و یحدّکم
الله نفسه و الله رؤفٌ بالعباد (۳-۳۰)

روز قیامت روز سفیدی و سیاهی روی هاست. و سیاهی برای کسانی است که بعد از ایمان راه کفر
را می پیمایند و عذاب را به سبب کفرشان باید بخشید.
یوم تبيضّ وجوه و تسودّ وجوه فامالّذین اسودت وجوههم اُکفرتم بعد ایمانکم فذوقوا العذاب بما کنتم
تکفرون (۳-۱۰۶)

بهشت

باغهای با جریان آبهای دائمی:

جنّات تجری من تحتها الانهار.....(۲-۲۵)

میوه ها از نظر خوبی و زیبایی همانندند و یکی بر دیگری ترجیح ندارد....اوتوا به متشابهاً
همسران بهشتی پاک و مطهر هستند.....لهم فیها ازواجٌ مطهّره.....(۲-۲۵)

وسعت بهشت به پهنة آسمانها و زمین است.....و جنّة عرضها السّموات و الارض.....(۳-۱۳۳)

وسعت باغهای بهشت با میوه های دائمی و همیشگی با سایه های همیشگی و مخلد بودن پرهیزگاران
در بهشت.تجری من تحتها الانهار ا کلها دائمٌ و ظلّها تلک عقبی الذّین اتقوا..... (۱۳-۳۵)

سلامتی از هر گونه ناراحتی جسمی و روحی و تحیت پرهیزگاران در آنجا ، بصورت سلام است.
.....تحیتهم فیها سلامٌ (۱۴-۲۳)

هرگز خستگی و تعب به آنها نمی رسد و آنها هرگز از این باغها خارج نمی شوند . لا یمسّم فیها نصبٌ و ما هم منها بمخرجین(۴۸-۱۵)

لباسهای بهشتیان از حریر و دستبند هایشان از طلا و مروارید.
.....یحلون فیها من اساور من ذهب و لؤلؤاً و لباسهم فیها حریرٌ(۲۳-۲۲)

شراب بهشتی گوارا و لذت بخش و نشاط آور است و خالی از هر گونه فساد و گناه و بیهودگی است.
پرهیزگاران اهل بهشت جامهای شراب طهور را از یکدیگر می گیرند.
یتنازعون فیها کاساً لا لغوٌ و لا تأثیمٌ (۲۳-۵۲)

بهشت جایگاه لغو و دروغ نیست بلکه جایگاه درود و تحیت و سلام است.
لا یسمعون فیها لغواً و لا کذاباً (۳۵-۷۸)

چهره ها در آن روز شاداب و با طراوت هستند. این چهره ها از سعی و تلاش خود خشنودند. سخن لغو و بیهوده در آن نیست. وجوهٌ یومئذٍ ناعمةٌ - لسعیاها را ضیئة- لا تسمع فیها لاغیة(۸ الی ۱۱-۸۸)

در آن چشمه ای جاری است . تختهای زیبایی بلندی در آن است. در آن بالشها و پشتیهای به صف در آمده است، و فرشهای فاخر گسترده زینت گر آن است.(۱۲ الی ۱۶-۸۸)
آیات بهشتی در قرآن فراوان است" رجوع به المعجم المفهرس"

اسامی بهشت

جنّات النعیم(۶۵-۵)

دار السلام(۱۲۷-۶)

جنّات عدن(۷۲-۹)

دار المتقین(۳۰-۱۶)

جنات الفردوس(۱۰۷-۱۸)

جنة الخلد (۱۵-۲۵)

جنات المأوى (۱۹-۳۲)

دار المقامة (۳۵-۳۵)

المقام الامين (۴۴-۵۱)

" این الفاظ در قرآن تکرار دارد رجوع به المعجم المفهرس "

النار - جهنم

جهنم بد جایگاهی برای کافران است.....و تحشرون الی جهنم و بنس المهاد (۱۲-۳)

تکذیب کنندگان آیات الهی را بزودی در آتش وارد می کنیم. پوستهای تن آنها بریان می شود و بعد پوستهای دیگر جای آن قرار می دهیم تا عذاب را بچشند.

انّ الدین کفروا بایاتنا سوف نصلیهم ناراً کلماً نضجت جلودهم بدلناهم جلوداً غیرها لیدوقوا العذاب..

(۴-۵۶)

کیفر زراندوزان و بخیلان: روزی فرا می رسد که سگه ها در آتش سوزان دوزخ داغ و گداخته شده و پیشانی و پهلو و پشتشان را با آن داغ می کنند.

یوم یحیی علیها فی نار جهنم فتکوی بها جباههم و جنوبهم و ظهورهم هذا ما کنزتم لأنفسکم....(۳۵-۹)

هیزم جهنم: شما و آنچه از غیر خدا می پرستیدید آتشگیره های جهنم هستند.

انکم و ما تعبدون من دون الله حصب جهنم انتم لها واردون (۹۸-۲۱)

جهنمیان در برابر معبودها یشان در جهنم فریاد می زنند و ناله های دردناک دارند و آنها در جهنم

چیزی نمی شود. لهم فیها زفیر و هم فیها لا یسمعون (۱۰۰-۲۱)

جزای کافران لباسهایی از آتش و مایع سوزان و جوشان دوزخ که بر سر آنها ریخته می شود .

فالدین کفروا قطعتم لهم ثياباً من نار یصّب من فوقها رؤسهم الحمیم (۱۹-۲۲)

هم درونشان ذوب می شود و هم بیرون آنها. یصهرُ به ما فی بطونهم و الجلود(۲۰-۲۲)

گرزهایی از آهن سوزان و لهم مقامع من حديد(۲۱-۲۲)

مجرمان از گیاه زقوم می خورند ام شجرة الزقوم (۶۲-۳۷)
گیاهی است در قعر جهنم . انها شجرة تخرجُ فی اصل الجحيم(۶۴-۳۷)

شکوفهای آن سرهای شیاطین است. طلعتها کانه رؤس الشیاطین (۶۵-۳۷)
مجرمان از آن می خورند و شکم خود را پر می کنند. فائهم لاکلون منها فمالئون منها البطون
(۶۶-۳۷)

برای رفع تشنگی از آن آب داغ متعفن می نوشند. ثم ان لهم علیها لشوباً من حمیم. (۶۷-۳۷)

جهنم کمینگاهی بزرگ است. ان جهنم کانت مرصداً (۲۱-۷۸)
محلّ بازگشتی برای طغیانگران. للطاغین ماباً(۲۳-۷۸)
مدّت طولانی در آن می مانند. لابتین فیها احقاباً(۲۳-۷۸)
نوشیدنی گوارا ندارند و مایع از چرک و خون دارد. لایذوقون فیها برداً و لا شراباً (۲۴-۷۸)
الا حمیماً و غساقاً(۲۵-۷۸)

غذای آنها خار خشک تلخ و بدبو است. لیس لهم طعاماً الا من ضریع (۶-۸۸)
غذایی که آنها را فربه نمی کند و از گرسنگی نمی رهند. لا یسمن و لا یغنی من جوع(۷-۸۸)

اسامى جهنم

- النار (٢-٢٤)
جحيم (٢-١١٩)
جهنم (٢-٢٠٤)
سعير (٤-١٠)
لظى (٧٠-١٥)
سقر (٥٤-٤٨)
الهاويه (١٠١-٨)
الآخرة (٣٩-٩)
بئس القرار (١٤-٢٩)
بئس المهاد (٢-٢٠٤)
بئس الورد المورود (١١-٩٨)
بئس المصير (٢-١٢٤)
الحافره (٧٩-١٠)
دار البوار (١٤-٢٨)
دار الخلد (٤١-٢٨)
دار الفاسقين (٧-١٤٥)
الساهره (١٣ الى ١٤-٧٩)
سعير (٤-١٠)
السّموم (٥٢-٢٧)
سوء الدار (١٣-٢٥)
السّواى (٣٠-١٠)
لظى (٧٠-١٥)

بخش بیست و شش

ارکان اسلام

رکن اوّل - شهادتین

خدا را گواه می گیریم که همانا او یکی است و جز او نیست. شهادتِ اَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ.... (۱۸-۳)

فاعلم اَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ (۱۹-۴۷)

رسول خدا رسول هدایت و بیان دین حق است تا اینکه آنچه در آن است برای مردم بیان کند و خدا در این امر شاهد است.

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكُفِيَ بِاللَّهِ شَهِيدًا (۲۸-۴۸)

محمد رسول خداست..... (۲۹-۴۸)

رکن دوّم - طهارت

دوری از نجاسات و حدثها

بر طرف کننده نجاسات-آب

بر شما از آسمان آب فرو فرستادیم تا بوسیله آن خود را تطهیر کنید.

.....و يَنْزِلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهَّرَ بِهِ..... (۱۱-۸)

اگر آب طاهر و پاک نیافتید با خاک پاک تیمو کنید..... فلم تجدوا ماءً فتيمموا صعيداً طيباً (۶-۵)

خدا توبه کنندگان و انسانهای پاک و مطهر را دوست دارد..... انّ الله يحبّ الثّوابين و يحبّ المتطهّرين

(۲۲۲-۲) و ثيابك فطهر (۴-۷۴)

نجاسات

حیوانات حرام گوشت: مردار و خونی که از بدن حیوانات بیرون می ریزد و یا گوشت خوک همه

رجس و ناپاک حرام است، و یا هنگام ذبح نام غیر خدا بر آنها برده شده باشد.

قل لا اجدُ فی ما اوحی الیّ محرّماً علی طاعم یطعمه الا ان یكون میتة او دماً مسفوحاً او لحم خنزیر

فانّه رجسٌ او فسقاً اهلّ لغير الله به..... (۱۴۵-۶)

ختنه

روش ابراهیم حنیف را پیروی کنید تا از مشرکان نباشید. (۱۶-۱۲۳)

شراب و قمار و دیگر چیزهای حرام

شراب و قمار و بتها و بلیط‌های بخت آزمائی پلید و رجز است ، و از عمل شیطان است. از آنها دوری کنید تا رستگار شوید.
یا ایُّها الدِّین امنوا انما الخمر و المیسر و الانصاب و الازلام رجزٌ من عمل الشَّطان فاجتنبوه لعنکم
تقلحون (۵-۹۰)

حیض

حیض زیان آور است. پس از زنان در این حالت کناره گیری کنید و آمیزش نکنید تا پاک شوند.
و یسئلونک عن المحیض قل هو اذی فاعتزلوا النساء فی المحض و لا تقربوهنّ حتی یطهرنّ...
(۲-۲۲۲)

بول و غائط

اگر یکی از شما را غائط (قضاء حاجت) آمد.
..... او جاء احدٌ منکم من الغائط..... (۴-۴۳)

انجام واجبات

وضو

زمانیکه مؤمنین نماز را بر پا می دارند صورت خود را بشویند و دستها را تا آرنج بشویند، و قسمتی از سر خود و پا را (تا برآمدگی) مسح کنند.

يا ايّها الدّين امنوا اذا قمتم الى الصّلوة فاغسلوا وجوهكم و ايديكم الى المرافق وامسحوا برؤوسكم و
ارجلكم الى الكعبين.....(۵-۶)

غسل

از زنان در حال حیض کناره بگیرد و به آنها نزدیک نشوید تا پاک شوند.
.....فاعتزلوا النساء فی المحض و لا تقربوهنّ حتیّ یطهرن....(۲-۲۲۳)

جنب نماز ندارد تا غسل کند. و در سفر زمانی که جنب هستید و آب نیافتید تا غسل کنید تیمو کنید.
.....و لا جنباً الا عابری سبیل حتیّ تغسلوا.....(۴-۴۳)

اگر جنب هستید غسل کنید.....وان كنتم جنباً فاطهروا....(۵-۶)

اذان

هنگامی که اذان گفته می شود آن را به استهزا و بازی نگیرید(به نماز اوّل وقت اهمّیت دهید)
و اذا نادیتم الى الصّلوة اتخذوا هزواً و لعباً.....(۵-۵۸)

چه کسی خوش گفتار تر است از آن کس که دعوت به سوی خدا می کند.(اذان گو)
و من احسنُ قولاً ممّن دعا الى الله.....(۴۱-۳۳)

قبله

رو به سوی قبله (ایه تحویل قبله):

ما نگاههای انتظار آمیز تو را بسوی آسمان می بینیم پس تو را به سوی قبله ای که از آن راضی
خواهی بود برمی گردانیم،پس هر کجا هستید رویت را به سمت مسجد الحرام برگردان .
قد نرى تقلبُ وجهک فی السّماء فلنؤلیک قبله ترضاها فولّ وجهک شطر المسجد الحرام و حیثُ ما کنتم
فولوا وجوهکم شطره.....(۲-۱۴۴)

مشرق و مغرب از آن خداست هر کجا روی خود را بر گردانید پس آنجا خداست.
اشاره به انجام مستحبات در سفر است.

و لله المشرق و المغرب فاینما ثولوا فثم وجه الله.....(۲-۱۱۵)

انجام فرائض پنجگانه و اوقات آن (نماز)

وقتی حالت خوف از شما زائل گشت نماز را بر پا دارید همانا نماز بر مؤمنین دارای وقت ثابتی است.....فاذا اطماننتم فاقیموا الصلوة ان الصلوة کانت علی المؤمنین کتاباً موقوتاً (۴-۱۰۳)

اوقات نماز را محفوظ دارید و تأکید بر حفظ نماز وسطی (ظهر) با خضوع و خشوع برای خدا به پا خیزید. حافظوا علی الصلوات و الصلوة الوسطی و قوموا لله قانتین(۲-۲۳۸)

بر نمازهایتان مراقبت داشته باشید.....وهم علی صلاتهم یحافظون (۶-۹۲)
نماز گزاران کسانی هستند که نمازهایشان استمرار دارد.الدین هم علی صلاتهم دائمون(۷۰-۲۳)

نماز اول وقت

پیشی جوئید در خیرات و نیکیها بر یکدیگر ، هر کجا که باشید. (نماز اول وقت)
.....فاستبقوا الخیرات این ما تکونوا یأت بکم الله جمیعاً.....(۲-۱۴۸)
افراد با ایمان در خیرات و نیکی برای خود (نماز اول وقت) پیشی می گیرند.
.....و یسارعون فی الخیرات و اولئک من الصالحین.(۳-۱۱۴)

فضیلت متقدمین در صف نماز و جهاد

نماز برای رسیدن به آمرزش الهی است پس بر یکدیگر سبقت بگیرید، تا بهشتی که پهنای آسمانها و زمین را دارد جایگاه شما بعد از توبه قرار گیرد که این بهشت برای متقین و پرهیزکاران آماده شده است. و سارعوا الی مغفرة من ربکم و جنه عرضها السموات و الارض أعدت للمتقین (۱۳۳-۳)

کلمه مستقدمین پیشگامان هستند یا در کارهای خیر و یا در جهاد و یا در نماز جماعت و مستأخرین شامل متأخرین در زمان می شود. و لقد علمنا المستقدمین منکم و لقد علمنا المستأخرین (۲۴-۱۵)

قیام در نماز و نهی از کلام بیجا در نماز

قیام در نماز با خضوع و خشوع بدون کلام بجا همراه باشد تا بخاطر خداوند قیام کرده باشید و این عمل مطیعانه باشد. و قوموا لله قانتین (۲۳۸-۲)

التفات و توجه در نماز

خداوند را خلصانه عبادت کنید . وقتی نماز را بر پا می دارید و در جایگاه عبادت قرار می گیرید رو به سمت قبله ، محل سجده گاه خود را به عبادت تنها معبود اختصاص دهید نه غیر او ، و بیاد داشته باشید که آغاز خلقت شما در دو گروه کافر و مؤمن بود و به همان صورت که متولد شدید بهمان صورت بسوی او بر می گردید.

..... و اقیموا وجوهکم عند کلّ مسجدٍ و ادعوا مُخلصین له الدین کما بدأکم تَعُودُونَ (۲۹-۷)

تکبیرة الاحرام و تکبیرات در نماز

پس خداوند خود را بزرگ بدان هم در اعتقاد و هم در عمل و هم در سخن با او ، با صفات ثبوتیه و اوصاف جمال و منزّه از هر گونه عیب و نقص او را یاد کن . منظور از " فکبّر " یاد خداوند بلند مرتبه است با گفتن " الله اکبر " در نماز . و ربّک فکبّر (۳-۷۴)

قرائت

نماز را با سوره حمد شروع کنید که قسمت اول آن توحید و صفات الهی است و قسمت دوم آن دعا بنده استدر حق خودش.

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين(۱-۱)

زمانیکه قرآن تلاوت می شود ، گوش دهید و ساکت شوید تا مشمول رحمت خدا قرار بگیرید .

و اذا قرى القرآن فاستمعوا له و انصتوا لعلکم ترحمون (۲۰۴۷)

فاذا قرأت القرآن فاستعذ بالله من الشیطان الرجیم (۹۸-۱۶)

صدایت را در نماز بلند مکن و زیاد هم آهسته بخوان و راه اعتدال را در پیش بگیرد .

..... و لا تجهر بصلاتک و لا تخافت بها وابتغ بین ذلك سبیلاً (۱۱۰-۱۷)

قرآن را با دقت و تدبّر بخوان (رعایت نکات تجویدی و اداء حروف از مخارج و توجه به معنای

آیات در نماز).....و رتل القرآن ترتیلاً(۴-۷۳)

خواندن قرآن به مقداری که میسور است. شاید کسانی بعلت بیماری و گرفتاری و جهاد نتوانند قرآن

بخوانند ولی آن مقدار که خوانده می شود باید با صفای دل و خشوع قلب و نشاط روح همراه باشد.

.....فاقرؤا ما تیسر من القرآنفاقرؤا ما تیسر منه.....(۲۰-۷۳)

رکوع وسجود

ای کسانی که ایمان آوردید رکوع و سجود نمائید و به پرستش پروردگار خودتان مشغول شوید و کار خیر انجام دهید زیرا این برای شما رستگاری است.

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۲۲-۷۷)

پس به نام پروردگار بزرگت تسبیح کن . مفسران بعد از این گفته اند: در رکوع بگو: "سبحان ربی العظیم."

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ (۵۶-۹۶)

منزه شمار نام پروردگار بلند مرتبه خود را که مفسران می گویند: "سبحان ربی الاعلی" که در سجده است. سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى (۱-۸۷)

قرار گرفتن هفت عضو به هنگام سجده بر روی زمین

در آن روز همه مردم در برابر خداوند "حیّ و قیوم" کاملاً خاضع می شوند و زیانکار کسی است که بار ظلم و ستم را بر دوش دارد. (نهایت خضوع = سجده)

و عنق الوجوه للحیّ القیوم و قد خاب من حمل ظلماً (۱۱-۲۰) عنق از عنوه ، نهایت ذلت بنده در برابر پروردگار قادر است.

مکانهائی که در آنجا برای خدا سجده می شود و جزء ذکر حق در آنجا چیز دیگری نیست.
و انّ المساجد لله فلا تدعوا مع الله احداً (۱۸-۷۲)

آیات مربوط به تشهد و صلوات بر رسول (ص)

پس بر خویشتن سلام کنید که سلام و تحیتی از سوی خداست سلامی پر برکت و پاکیزه .

.....فسلموا علی انفسکم تحیّة من عنداه مبارکة طیبة.. (۶۱-۲۴)

خداوند و فرشتگان بر نبی و پیامبر درود و رحمت می فرستند و ای کسانی که ایمان آوردید بر او درود بفرستید و سلام بگوئید و در برابر فرمان او تسلیم شوید.
انّ الله و ملائکة یصلّون علی النبی یا ایّها الذّین امنوا صلّوا علیه و سلّموا تسلیماً (۳۳-۵۶)

بدانید که جزء او خدائی نیست .فاعلم انه لا اله الا الله (۱۹-۴۷)
محمد رسول الله..... (۲۹- ۴۸) محمد صلی الله علیه و اله فرستاده خداست.

گریه از خشیت خدا در نماز

زمانیکه آیات الهی خوانده می شود سجده کنید و بر خاک بیفتید در حالیکه از ترس خداوند اشک می ریزید(سجده واجب قرآن).....اذا تتلى عليهم آيات الرحمن خرّوا سجداً و بکیاً
(۱۹-۵۸)

عمل قلیل در هنگام نماز نماز را باطل نمی کند

زکات دهید در حالیکه رکوع کننده هستید.....و یؤتون الزکوة و هم راکعون (۵-۵۵)

بیماران و نماز آنان

خردمندان کسانی هستند که خدا را در حال ایستاده و نشسته و آنگاه که بر پهلو خوابیده اند یاد می کنند و در اسرار آفرینش آسمانها و زمین می اندیشند.
الدّین یذکرون الله قیاماً و قعوداً و علی جنوبهم و یتقّرون فی خلق السّموات و الارض
(۳-۱۹۱)

ای کسانی که ایمان آورده اید و عمل صالح انجام می دهید متوجه باشید که هیچ کس را جز به اندازه توانائیش تکلیف نمی کنیم.به بندگان خدا هیچ ظلمی نمی شود چون نزد ما کتابی است که به حق سخن می گوید و هیچ کس را به جزء مقدار توانائیش تکلیف نمی کنیم.

و لا تكلف نفساً الا وسعها و لدينا كتابٌ ينطق بالحق و هم لا يظلمون (۶۲-۲۳)

نماز در خانه

خانه هایتان را مکان نماز قرار دهید و رو به قبله نماز بر پا دارید این بشارتی است برای مؤمنین و ایمان آورندگان..... واجعلوا بیوتکم قبله و اقیموا الصلوة و بشر المؤمنین (۸۷-۱۰)

نماز جماعت

ای کسانی که ایمان آورده اید صبور باشید و در برابر مشکلات صابر باشید و با صبر و استقامت در برابر دشمن قیام کنید و از مرزهای خود مراقبت کنید و برای رستگاری تقوی پیشه کنید و پرهیزگار باشید یا ایها الذین امنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقوا الله لعلکم تفلحون (۲۰۰-۳)

خداوند اذن داده تا دیوار های خانه هایتان را مرتفع سازید ولی در آن ذکر نام خدا و یاد خدا را داشته باشید و خانه را در صبح و شام محلّ تسبیح خداوند قرار دهید.
فی بیوت اذن الله ان ترفع و یذکر فیها اسمه یسبح له فیها بالغدو و الاصال(۳۶-۲۴)

افرادی هستند که نه تجارت و نه خرید و فروش آنها را از ذکر خدا باز نمی دارد. آنها نماز را برپا می دارند و زکات مال و جان را می دهند و از روزی، ترسان هستند که در آن روز دل و چشم آنها دگرگون و زیرو رو شود. (آیات اشاره به قرار دادن مکانی ساده و پا برجا و دائم بربرپائی نماز جماعت و ذکر خداوند است).

رجالٌ لا تلهیم تجارهٌ و لا بیعٌ عن ذکر الله و اقام الصلوة و ایتاء الزکوة یخافون یوماً تتقلب فیها القلوبُ و الابصارُ(۳۷-۲۴)

نوافل

نافله صبح دو رکعت قبل از نماز صبح

به هنگام شب خدا را تسبیح کن و به هنگام پشت کردن ستارگان (طلوع فجر).
و من اللیل فسبّحه و ادبار النجوم (۴۹-۵۲)

نافله مغرب (دو رکعت بعد از نماز مغرب)

به هنگام فرا رسیدن شب پس خدا را تسبیح نمائید. بین نماز مغرب و عشاء نافله های مغرب.
و من اللیل فسبّحه و ادبار السجود. (۴۰-۵۰)

نافله شب افضل از نافله روز است

مسلماً نماز و عبادت شبانه پا بر جا تر و با استقامت تر است.
انّ ناشئة اللیل هی اشدّ وطاً و اقوم قیلاً (۶-۷۳)

انواع صلاة

نماز عید قربان

نماز گذار برای خدا قربانی کن. فصل لربک وانحر (۲-۱۰۸)

نماز عید فطر

هرکس خود را تزکیه کرد رستگار است. نام پروردگارت را یاد کن و نماز بگذار.
قد افلح من تزکی . و ذکر اسم ربّه فصلی (۱۴ و ۱۵-۸۷)

نماز شب

کسانی که شبانگاه برای پروردگارشان سجده و قیام می کنند.
والدین یبیتون لربهم سجداً و قیاماً (۶۴-۲۵)

پهلوی هایشان از بسترها دور می کنند و به هنگام شب رو به خداوند می آورند و پروردگار خود را با
بیم و امید می خوانند و از آنچه که روزی کرده ایم انفاق می کنند.
تتجافی جنوبهم عن المضاجع يدعون ربهم خوفاً و طمعاً و ممّا رزقناهم ینفقون (۱۶-۳۲)

کسی که در ساعات شب به عبادت مشغول می شود بحال سجده و قیام از آخرت می ترسد و امید به
رحمت پروردگار دارد.

امّن هو قانتٌ اثناء اللیل ساجداً و قائماً یحذر الاخرة و یرجوا رحمة ربّه (۹-۳۹)

آنها کمی از شب را می خوابند و در سحرگاهان استغفار می کنند.
کانوا قلیلاً من اللیل ما یهجعون (۱۷-۵۱) و بالاسحار هم یتستغفرون (۱۸-۵۱)

در شبانگاه برای او سجده کن و مقدار طولانی از شب او را تسبیح گوئی
ومن اللیل فاسجد له و سبحه لیلاً طویلاً (۲۶-۷۶)

نماز برمیّت

خویشاوندان نسبت به یکدیگر و در احکامی که خداوند بر بندگانش مقرر داشته اولویت دارند.
..... و اولوالارحام بعضهم اولی ببعض فی کتاب الله انّ الله بکل شیء علیم (۸-۷۵)

نماز کسوف و خسوف

از نشانه های خالقیت خداوند شب و روز و ماه است و برای خورشید و ماه سجده نکنید . برای خدائی که شما را آفریده است سجده کنید اگر می خواهید او را عبادت کنید.
ومن آیاته اللیل و النهار..... (۳۷-۴۱)

نماز استسقاء(طلب باران)

بیاد آورید زمانیکه موسی برای قومش تقاضای باران کرد به او دستور دادیم عصایش را بر آن سنگ بزند ، پس ناگهان از آن ، آب جوشیدن گرفت و دوازده چشمه آب از آن جاری شد.
و اذ استسقی موسی لقومه فقلنا اضرب بعصاک الحجر فانجرت منه اثنتا عشرة عیناً..... (۶۰-۲)

از پروردگار خود طلب مغفرت کنید (باران معنوی):

فقلتُ استغفروا ربکم اّنه کان غفّاراً (۱۰-۷۱)

بارانهای پی در پی و پر برکت آسمان بر شما فرود می آید.

یرسل السّماء علیکم مدرّراً (۱۱-۷۱)

نهی از نماز بر جنازه کافران و منافقان

از کافران هریک از آنها مردند بر آنها نماز نگذارید و بر سر قبر های آنها برای آمرزش توقف نکنید. و لا تصلّ علی احدٍ منهم مات ابدأً و لا تقم علی قبره..... (۸۴-۹)

نماز توبه

کسانی که کار زشت انجام داده اند (گناهان صغیره و کبیره) و یا به خود ستم و ظلم کرده اند برای گناهان خود آمرزش طلبند زیرا فقط خداست که گناهان آنها را می بخشد البته اگر اصرار بر گناه نداشته باشند.

والدین اذا فعلوا فاحشة او ظلموا انفسهم ذكروا الله فاستغفروا لذنوبهم و من يغفر الذنوب الا الله و لم يصروا على ما فعلوا و هم يعلمون . (۱۳۵-۳)

انجام نماز مستحبی بهنگام مصیبت و گرفتاری

از صبر و نماز یاری جوئید و این کار سنگینی است مگر بر خاشعین. سفارش به استقامت و شکیبائی در برابر مشکلات و دیگر انجام نماز و دعا به هنگام گرفتاری که نماز راه پیروزی بر مشکلات است. واستعینوا بالصبر و الصلوة و انها لكبيرة الا على الخاشعین. (۴۵-۲)

نماز و آیات مربوط به نماز

کسانی که ایمان آورده اند و عمل صالح و نیک انجام می دهند و نماز را بر پا می دارند و زکات را می پردازند اجر عظیمی نزد خداوند دارند و خوف و حزنی بر آنها نیست.
انّ الدین امنوا و عملوا الصالحات و اقاموا الصلوة و اتوا الزکاة لهم اجرهم عند ربهم و لا خوف علیهم و لا هم یحزنون (۲۷۷-۲)

الف- نماز در حال مستی و باطل بودن آن

آنان که ایمان دارند در حال مستی به نماز نزدیک نمی شوند زیرا باید بدانند که چه می گویند.
یا ایها الدین امنوا لا تقرّبوا الصلوة و انتم سکاری حتی تعلموا ما تقولون... (۴۳-۴)

ب- نماز و ولایت

همانا ولی شما خداوند و رسول او و آنان که نماز را بر اساس ایمان برپا می کنند و در حال رکوع زکات می دهند.

انما وليكم الله و رسوله و الدين امنوا الذين يقيمون الصلوة و يؤتون الزكاة و هم راعون. (۵-۵۵)

ج- چه کسانی مساجد خدا را آباد می کنند:

کسانی که ایمان به خدا و روز قیامت دارند و نماز بر پا می دارند و زکات می پردازند و جزء خدا از کسی نمی ترسند پس امید است که ایشان از هدایت یافتگان باشند.

انما يعمر مساجد الله من امن بالله واليوم الآخر واقام الصلوة و اتى الزكاة و لم يخش الا الله فعسى اولئك ان يكونوا من المهتدين (۹-۱۸)

چ- اهل خود را به نماز دعوت کن:

اهل و خانواده خود را به نماز امر کن و خود بر نماز شکیبا باش (طمأنینه نماز خواندن) ما از تو روزی نمی خواهیم، ما خودمان تو را روزی می دهیم. عاقبت و سرانجام نیک مخصوص متقین است. و امر اهلک بالصلوة و اصطر علیها لا نسئلک رزقاً نحن نرزقک و العاقبة للتقوى (۲۰-۱۳۲)

ح- دلهای ترسان چه کسانی هستند:

کسانی که ذکر خداوند را در دل دارند دل‌هایشان ترسان است به جهت اعمالشان و درعین حال در مصیبت‌ها و حوادث دردناک صابر هستند و استقامت می کنند و نماز را برپا می دارند و از روزی خود انفاق می کنند.

الدين اذا ذكر الله وجلت قلوبهم و الصابرين على ما اصابهم و المقيمي الصلوة و مما رزقناهم ينفقون . (۲۲-۳۵)

خ- یاران خداوند چه کسانی هستند:

کسانی را در روی زمین قدرت دادیم که نماز را بر پا می دارند و زکات را می پردازند و امر به معروف و نهی از منکر را از وظایف خود می دانند و عاقبت به خیری از آن خداست. الدين ان مگنا هم في الارض اقاموا الصلوة و اتوا الزكاة و امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر و الله عاقبة الامور. (۲۲-۴۱)

د- نماز و مولا شناسی:

قیام بر نماز و پرداخت زکات و چنگ به ریسمان خدا در مبارزات اسلامی و بر پائی آئین اسلامی همه در زمانی محقق می شود که شما ولی خود را بشناسید که چه مولای و سرپرست خوبی دارید. فاقیموا الصلوة و اتوا الزکوة و اعتصموا بالله هو مولئکم فنعم المولی و نعم النصیر (۷۸-۲۲)

ذ- رستگاری برای مؤمنان است:

آنان که در نماز خشوع دارند. الدین هم فی صلاتهم خاشعون (۲-۲۳)

ر- نماز و دوری از فحشاء و منکر:

نماز را بر پا دارید . نماز شما را از کارهای زشت و زنده باز می دارد . ذکر خدا بالا تر است و خدا بر کارهای شما آگاه است .

و اقم الصلوة انّ الصلوة تنهی عن الفحشاء و المنکر و لذكر الله اکبر و الله يعلم ما تصنعون. (۴-۲۹)

ذ- معرفی اهل بیت(ع):

بعد از نماز و زکات و اطاعت خدا و رسول(ص) و ائمه (ع) معرفی اهل بیت را در آیه می بینیم . خداوند می خواهد پلیدی و گناه را از اهل بیت دور کند و کاملاً پاک سازد. و اقم الصلوة و اتین الزکوة و اطعن الله و رسوله انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً (۳۳-۳۳)

ر- دین پایدار چه دینی است؟

پرستش خدا" مخلصانه "بردینداران حنیف است. دین حنیف دین کامل است و دین حنیف بر پا کننده نماز است و اعطاء کننده زکات ، دین حنیف دین قیّم و پایدار است. و ما امروا الا لیعبدوا الله مخلصین له الدین حنفاء و یقیموا الصلوة و یوتوا الزکوة و ذلك دین القیمة (۹۸-۵)

سستی و بیحالی در نماز

منافقین زمانیکه به نماز بر می خیزند غرق کسالت و بی حالی هستند و ریاکارانه عمل نیک انجام می دهند و ذکر نمی گویند و اگر ذکر بگویند ذکر آنها قلیل است.
..... و اذا اقاموا الى الصلوة الا قاموا كسالى يراؤن الناس و لا يذكرن الله الا قليلاً. (۴-۱۴۲)

آنهایی که نماز را بر پا می دارند از روی کسالت و بی حالی و انفاق می کنند از روی کراهت.
..... و لا ياتون الصلوة الا و هم كسالى و لا ينفقون الا و هم كارهون (۹-۵۴)

نسلهای بعد نماز را ضایع کردند و از شهوات پیروی کردند و بزودی نتیجه گمراهی خود را خواهند دید. فخلف من بعد هم خلفاً اضاعوا الصلوة و اتبعوا الشهوات فسوف يلقون غياً (۱۹-۵۹)

وای بر نماز گزاران ، آنهایی که در انجام نماز سهل انگار هستند. (به اوقات نماز و شرایط نماز و آداب نماز اهمیّت نمی دهند). فویل للمصلّین - الدّین هم عن صلاتهم ساهون (۴ و ۵-۱۰۷)

نماز رحمتی است از طرف خدا

و دعا است از طرف مخلوق

رحمت خدا شامل حال کسانی است که بدنبال انحرافات اخلاقی نیستند و راه اخلاص و بندگی را در پیش گرفته اند . اولئک علیهم صلوات من ربّهم و رحمةٌ و اولئک هم المهتدون (۲-۱۵۷)

همانا خداوند و فرشتگان او بر نبی درود می فرستند که ای ایمان آورندگان بر محمد (ص) درود بفرستید و تسلیم فرمان الهی شوید .

انّ الله و ملائکة یصلون علی النبی یا ایها الذین امنوا صلّوا علیه و سلّموا تسلیماً (۳۳-۵۶)

بخش بیست و هفتم

دعا

سلاحی بنام دعا و نیایش:

ای پیغمبر زمانیکه بندگان از من سؤال می کنند بگو من نزدیک آنها هستم . من دعای دعا کننده را هنگامی که مرا می خواند اجابت می کنم.

و اذا سألك عبادي عني فإني قريبٌ أجيبُ دعوةَ الدّاع إذا دعان(۱۸۶-۲)

در خواست شما از فضل او باشد . (خدا را به فضلش سوگند دهید)

..... و سئلوا الله من فضله.....(۳۲-۴)

ای کسانی که ایمان آورده اید تقوی پیشه کنید و در راه او وسیله ای بجوئید (منظور از وسیله ،فریضه های واجب و غیر واجب و ائمه (ع) است) و در راه او مبارزه کنید شاید رستگار شوید.

يا ايّها الدّين امنوا اتقوا الله و ابتغوا اليه الوسيله و جاهدوا في سبيله لعلكم تفلحون(۳۵-۵)

فقط او را بخوانید و شریکهای که برای خدا درست کرده اید همه را فراموش کنید.

بل اياه تدعون فيكشف ما تدعون اليه ان شاء و تنسون ما تشركون (۴۱-۶)

ای پیامبر کسانی که صبح و شام پروردگار خود را می خوانند و جزء ذات پاک او نظری ندارند هرگز رد مکن.

و لا تطرد الدّين يدعون ربّهم بالغدوة و العشيّ يريدون وجهه.....(۵۲-۶)

ای پیامبر بگو : چه کسی شما را از تاریکیهای دریا و خشکی (معنوی و روحی) نجات می دهد . او را تضرعاً و گاهی پنهانی بخوانند.

قل من ينجيكم من ظلمات البرّ و البحر تدعون تضرعاً و خفية... (۶۳-۶)

آیا کسی است که دعای مضطر را اجابت کند و درد و گرفتاری او را بر طرف سازد .

أمن يجيبُ المضطرّاً إذا دعاه و يكشفُ السوء.....(۶۲-۲۷)

کسانی که نیمه شب از خواب بیدار می شوند و به پا بر می خیزند و پروردگار خود را با بیم و امید می خوانند.....

تتجافی جنوبهم عن المضاجع يدعون ربهم خوفاً و طمعاً(۱۶-۳۲)

خداوند را بخوانید و یاد کنید و دین برای مخلصان است . هر چند کافران نا خشنود باشند.
فادعوا الله مخلصين له الدين و لو كره الكافرون(۱۴ - ۴۰)

بگو : مرا بخوانید تا اجابت کنم. قال ربكم ادعوني استجب لكم.....(۶۰-۴۰)

ادعیه در قرآن

ربنا

خدايا ما را به راه مستقيم هدايت فرما. راه انبياء و اولياء نه راه گمراهان و غضب شدگان (۵الی آخر
سوره-۱)

ربنا تقبل منّا.....(۱۲۷-۲)

ربنا اتنا في الدنيا حسنة و في الاخرة حسنة و قنا عذاب النار. (۲۰۱-۲)

.....ربنا افرغ علينا صبراً و ثبت اقدامنا و انصرنا على القوم الكافرين (۲۵۰-۲)

.....سمعنا و اطعنا غفرانك ربنا و اليك المصير(۲۸۵-۲)

ربنا لا تواخذنا ان نسينا او اخطانا ربنا و لاتحمل علينا اصراً كما حملته على الدين من قبلنا ربنا و لا
تحملنا ما لا طاقة لنا به.....(۲۸۶-۲)

ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هديتنا و هب لنا من لدنك رحمة انك انت الوهاب(۸-۳)

ربنا انك جامع الناس ليوم لا ريب فيه ان الله لا يخلف الميعاد(۹-۳)

ربنا اننا امنا فاغفر لنا ذنوبنا و قنا عذاب النار (۱۶-۳)

و بقيه آيات مربوط به ربنا-(۵۳-۳)-(۱۴۷-۳)-(۱۹۱الی ۱۹۴-۳)-(۴-۷۵)-(۷-۲۳) (۷-۴۷)-

(۷-۱۲۶)-(۷-۱۵۱)-(۷-۱۵۶ و ۱۵۷)-(۸۵ و ۸۶-۱۰)-(۱۰۱-۱۲)-(۴۰ و ۴۱-۱۴)-

(۸۰ و ۲۴-۱۷)-(۱۰-۱۸)-(۲۵ و ۲۶ و ۱۱۴-۲۰) - (۸۳ و ۸۷ و ۸۹-۲۱)(۲۹ و ۹۷ و ۱۰۹ و ۱۱۸-۲۳)

(۶۵ و ۷۴-۲۵) - (۲۷-۱۹) - (۲۸-۱۶) - (۱۲-۴۴) - (۴۶-۱۵) - (۱۰-۵۹) - (۴ و ۵-۶۰) - (۸-۶۶) -
(۲۸-۷۱)

ذکر در قرآن

مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم..... فاذکرونی انکرکم..... (۲-۱۵۲)
ذکر کثیر و یاد خدا در شب و روز..... و انکر ربک کثیراً و سبح بالعشی و الابدکار (۳-۴۱)
ذکر مطمئننه که دلها با یاد خدا آرامش می گیرد. الا بذکر الله تطمئن القلوب (۲۸-۱۳)
ذکر خدا شما را از غفلت نجات می دهد. اموال و اولاد انسان را از ذکر خدا دور می سازد و از
زیانکاران قرار می دهد. یا ایها الذین امنوا لا تلهمکم اموالکم و لا اولادکم عن ذکر الله تو من یفعل ذلک
فاولئک هم الخاسرون. (۹-۶۳) بقیه آیات: (۳-۱۰۳) - (۷-۲۰۵) - (۱۸-۲۴) - (۲۶-۲۲۷) - (۲۹-۴۵) -
(۲۱ و ۳۵ و ۴۱-۳۳) (۱۰-۶۲) (۸-۷۳) (۲۵-۷۶)

شکر در قرآن

شکر گزار باشید و کافر نشوید..... و اشکروالی و لا تکفرون (۲-۱۵۲)
فقط او را بپذیرید و شکر گزار باشید. (۲-۱۷۲)
پاداش شاکرین..... و سنجزی الشاکرین (۳-۱۴۵)
خداوند شاکر و عالم است..... و کان الله شاکراً علیماً (۴-۱۴۷)
اگر شکر گزار باشید نعمت را می افزایم.... لئن شکرتم لازیدنکم (۷-۱۴)
کسی که شکر کند به سود خودش شکر می گذارد..... و من شکر فائماً یشکر لنفسه..... (۲۷-۴۰)
فضل خدا بر شماست فقط آنرا در یابید. خدائی که شب و روز را از رحمت خود قرار داد تا شما
آرامش یابید شاید شکر گزار شوید. (۲۸-۷۳)
رزق و روزی دست خداست نه غیر خدا که غیر خدا چیزی در بساط ندارد که رزق شما باشد. برای
روزی خود فقط شکر گزار او باشید که بازگشت شما بسوی اوست.

.....انّ الدّين تعبّدون من دون الله لا يملكون لكم رزقاً فابتغوا عندالله الرّزق واعبدوه واشكروا له اليه
ترجعون(۱۷-۲۹)

خداوند جريان هستی را با رحمت خود می گرداند . باد که از رحمت الهی نعمتهائی را به شما
می چشاند و حرکت کشتیان همه فضل خداستشاید شما شکر گزار باشید.
و من آیاته ان يرسل الرّیاح مبثّرات و ليزيقکم من رحمته ولتجرى الفلک بامرہ و لتبتغوا من فضلہ و
لعلکم تشکرون (۳۰-۴۶)
آیات دیگر: (۱۲-۳۱)(۱۴-۳۱)(۳۱-۳۱)(۱۲-۳۵)(۷-۳۹)(۶۶-۳۹)(۳۳-۴۲)(۲۳-۶۷)

مساجد

مسجدالحرام و مسجدالاقصى

اولین خانه ای که برای مردم بنا شد (بکة مبارک) مکه و محلّ هدایت و برای جهانیان پر برکت است.
انّ اوّل بیت وضع للنّاس للذی ببکة مبارکاً و هدی للعالمین(۹۶-۳)
نشانه های خداوند در آنجاست مقام ابراهیم و کسی که داخل آنجا می شود در امان است. و حج خانه
خدا برای مردم ، گروهی که استطاعت دارند و کسی که ترک حج کند با توانائی که دارد کافر است.
همانا خداوند از عالمیان بی نیاز است.
فیه آیات بیّنات مقام ابراهیم و من دخله کان امناً و لله علی النّاس حجّ البیت من استطاع الیه سبیلاً و من
کفر فانّ الله غنیّ عن العالمین (۹۷-۳)
خداوند منزّه است که شبانگاه بنده خود را از مسجدالحرام بسوی مسجد الاقصی سیر داد . ما اطرافش
را پر برکت کردیم تا بخشی از آیات خود را به او نشان دهیم.
سبحان الذی اسرى بعبده لیلاً من المسجد الحرام الی المسجد الاقصا الذی بارکنا حوله لنریه من
آیاتنا.....(۱-۱۷)

مسجدالتبی

مسجدی که شالوده اش از ابتدا بر تقوی گذارده شده شایسته است که در این مسجد قیام کنید و گروهی دوست دارند پاکیزه در آن وارد شوند و خداوند پاکیزگان را دوست دارد .
.....لمسجد اسس علی التقوی من اول یوم احق ان تقوم فیه فیه رجالٌ یحبون ان یتطهروا و الله یحب المطهرین(۹-۱۰۸)

زینت در مساجد

ای مردم زینت معنوی و ظاهری (لباس مرتب و پاک و تمیز و شانه زدن مو و بکار بردن عطر زینت ظاهری است و زینت معنوی ملکات و صفات اخلاقی است) این ها را بهنگام رفتن به مسجد با خود داشته باشید.
یا بنی آدم خذوا زینتکم عند کلّ مسجدٍ(۷-۳۱)

آبادانی مساجد

آبادانی مساجد بر کسانی است که توحید شناس و معادشناس اند و نماز را بر پا می دارند و زکات را می پردازند و تقوی دارند و جزء خدا از کسی نمی ترسند امید است که از هدایت شدگان باشند.
انما یعمر مساجد الله من امن بالله و الیوم الآخر و اقام الصلوة و اتی الزکوة و لم یخس الا الله فعسی اولئک ان یکونوا من المهتدین (۹-۱۸)
مسجد خانه ای است که خدا آنرا ارجمند شمرده و روز و شب در آن ذکر گفته می شود .
فی بیوت اذن الله ان ترفع و یذکر فیه اسمہ یسّح له فیه بالغدو و الاصال(۲۴-۳۶)

مساجد کسانی را می خواهد که خرید و فروش و تجارت آنها را از اقامه نماز باز ندارد و همیشه مراقب باشند که اسیر هوی و هوس نشوند که چشم و دلشان منقلب گردد.
رجلٌ لا تلهیهم تجارةٌ و لا بیعٌ عن ذکر الله و اقام الصلوة و ایتاء الزکوة یخافون یوماً تتقلب فیه القلوب و الابصار(۲۴-۳۷)

بخش بیست و هشت

زکات

زکات عامل پاکی و پاکیزگی فرد در جامعه است. بگیر از اموال آنها صدقه تا پاک شوند و ثَمو یابند و برای آنها دعا کن و درود بفرست که دعای تو مایه آرامش آنهاست. خداوند شنوا و داناست.

خذ من اموالهم صدقة تطهرهم و تزكیهم بها و صلّ علیهم انّ صلاتك سكن لهم و الله سمیعٌ علیمّ (۹-۱۰۳)

زکات میوه

خداوند درختانی از میوه با طعم های گوناگون آفرید. زیتون و انار میوه های مشابه و غیر مشابه از میوه آنها که به ثمر نشست بخورید ولی فراموش نکنید که به هنگام چیدن حق آن را باید ادا کنید. اسراف نکنید زیرا خداوند مسرفان را دوست ندارد.

.....مختلفاً اكله و الزیتون و الرمان متشابها و غیر متشابه كلوا من ثمره اذا اثمر و اتوا حقه يوم حصاده و لا تسرفوا انه لا یحبّ المسرفین (۶-۱۴۱)

زکات فطر

رستگار شد کسی که خود را پاک و تزکیه کرد. قد افلح من تزکی (۸۷-۱۴)

مصارف زکات

مصارف زکات در هشت مورد در آیه:

- ۱- فقرا
 - ۲- مساکین
 - ۳- عاملان و جمع آوری کنندگان زکات
 - ۴- کسانی که برای جلب محبت آنها اقدام می کنند
 - ۵- در راه آزاد سازی بردگان
 - ۶- کسانی که مدیون هستند بدون تقصیر و جرم
 - ۷- در راه خدا
 - ۸- کسانی که در راه مانده اند
- این فریضة الهی است و خداوند دانا و حکیم است.

أَمَّا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسَاكِينِ وَ الْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَ الْمُؤَلَّفَةَ قُلُوبِهِمْ وَ فِي الرِّقَابِ وَ الْغَارِمِينَ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (٩-٦٠)

خمس

هر گاه غنیمتی نصیب شما شد یک پنجم آن ، از آن خدا و پیامبر و ذی القربی (امامان اهل بیت(ع)) و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه (از خاندان پیامبر) می باشد.
وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ.....(٨-٤١)

خداوند نیازمند سهم نیست و منظور از سهم خدا اهمیت روی مسالهمس و تأکید و تثبیت ولایت در اسلام است. در هفت چیز خمس واجب است : منفعت ، کسب ، معدن ، گنج ، مال حلال مخلوط به حرام ، جواهر صید شده و غنیمت در جنگ و زمینی که کافر ذمی از مسلمان بخرد .مصرف خمس یک سهم سادات دارد مخصوص سید فقیر و سید یتیم و سیدی که در راه مانده با اجازه مجتهد جامع الشرائط و نصف دیگر سهم امام است که با نظر مجتهد جامع الشرائط در راهی که او اجازه بدهد مصرف می شود.

انفاق در راه خدا و صدقه

ای کسانی که ایمان آورده اید از آنچه روزی گرفته اید انفاق کنید.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا انْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ.....(٢-٢٥٤)

از مال خدا که به شما داده انفاق کنید.

..... وَ اتَّوهُم مِّن مَّالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ.....(٢٤-٣٣)

در اموال شما حقی برای فقرا و محرومین است.

وَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَ الْمَحْرُومِ (٥١-١٩)

شما هرگز به حقیقت برّ و نیکی نمی رسید مگر اینکه از آنچه دوست دارید انفاق کنید و آنچه که انفاق می کنید خداوند به آنها آگاه است.

لن تبالوا البرّ حتىّ تنفقوا ممّا تحبّون و ما تنفقوا من شيء فانّ الله به عليّم (۳-۹۲)

تا می توانید پرهیزگار باشید و گوش دهید و اطاعت نمایید و انفاق کنید که برای شما بهتر است و کسانی که از بخل و حرص خود را حفظ کنند رستگار ند. فاتقوا الله ما استطعتم واسمعوا و اطيعوا و انفقوا خيراً لانفسكم و من يوق شحّ نفسه فاولئك هم المفلحون (۶۴-۱۶)

اعتدال در انفاق

آیات برگزیده در انفاق و صدقه

در راه خدا انفاق کنید ولی خود را به هلاکت نکشانید.

و انفقوا فی سبیل الله و لا تلقوا بایدیکم الی التهلکه..... (۲-۱۹۵)

حق نزدیکان را پردازید و همچنین حق مسکین و در راه مانده را بدهید ولی تذبذبی نداشته باشید .

و اتّ القربی حقّه و المسکین و ابن السبیل و لا تبذّر تبذیراً.. (۱۷-۲۶)

هرگز دستت را برگردنت زنجیر مکن و ترک انفاق مکن و بیش از حد دست خود را مگشای تا مورد سرزنش قرار گیری و از کار فرو مانی.

و لا تجعل یدک مغلوله الی عنقک و لا تبسطها کلّ البسط فتقعد ملوماً محسوراً (۱۷-۲۹)

انفاق کنندگان کسانی هستند که انفاق می کنند و اسراف نمی کنند و سخت گیر نیستند و اعتدال را در پیش می گیرند.

و الدّین اذا انفقوا لم یسرفوا و لم یقتروا و کان بین ذلک قواماً (۲۵-۶۷)

مال خود را با تمام علاقه خود ، به خویشاوندان و یتیمان و مساکین و واماندگان در راه و سائلین و بردگان دهید.

و اتی المال علی حبّه ذوی القربی و الیتامی و المساکین و ابن السبیل و والسائلین و الرّقاب... (۲-۱۷۷)

کسانی که بخدا و در راه خدا مال خود را قرض می دهند (وام می دهند) خداوند آن مال را مضاعف و چندین برابر می کند.

من ذالذی یقرض الله قرصاً حسناً فیضاعفه له اضعافاً کثیره (۲-۲۴۵)

انفاق کنندگان منت نگذارند. آزار نرسانند. پاداش آنان نزد خداوند است نه ترسی بر آنهاست و نه غمگین می شوند.

الدین ینفقون اموالهم فی سبیل الله ثم لا یتبعون ما انفقوا مناً و لا اذی لهم اجرهم عند ربهم و لا خوف علیهم و لا یحزنون (۲-۲۶۲)

ای کسانی که ایمان آورده اید صدقات خود را با منت و آزار ندهید که باطل است.

یا ایها الذین امنوا لا تبطلوا صدقاتکم بالمنّ و الاذی... (۲-۲۶۴)

اگر صدقات را آشکارا سازید خوب است اگر آنها را مخفی ساخته و به نیازمندان بدهید برای شما بهتر است. ان تبدوا الصدقات فنعما هی و ان تخفواها و توتوها الفقراء فهو خیر لکم و یکفر عنکم من سیاتکم (۲-۲۷۱)

خداوند ربا را نابود می کند و صدقات را افزایش می دهد و خداوند ربا خواران را دوست ندارد.

یمحق الله الربوا و یربی الصدقات و الله لا یحب کل کفاراثیم. (۲-۲۷۶)

سیمای پرهیزگاران: آنهایی که در راحتی و بهنگام ضرر و زیان مال خود را انفاق می کنند و کسانی که بر خشم خود مسلط هستند و از خطای مردم می گذرند.

الدین ینفقون فی السراء و الضراء و الکاظمین الغیظ و العافین عن الناس (۳-۱۳۴)

صدقه کفاره گناهان است. آیا نمی دانید که تنها خداوند توبه را از بینندگان خود می پذیرد. خداوند نه تنها توبه پذیر است بلکه صدقات را از شما می پذیرد.

ألم یعلموا انّ الله هو یقبل التوبة عن عباده و یأخذ الصدقات ... (۹-۱۰۴)

مؤمنین چه کسانی هستند. ۱- صابرين ۲- راست گویان و درست کرداران ۳- خاضعین و فروتنان ۴- انفاق کنندگان و سحر خیزان که توبه کنندگان هستند.

الصّابرين و الصادقین و القانتین و المنفقین و المستغفرین بالاسحار (۳-۱۷)

